



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

چاپ شانزدهم



مجموعه کتاب‌های سرچشمه سلامت انسان

آرامش ابدی

بهشت و نعمت‌های آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آرامش ابدی

نویسنده:

علیرضا زکی زاده رنانی

ناشر چاپی:

دیوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	آرامش ابدی
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۷	پیشگفتار:
۲۲	فصل اول: کلیاتی پیرامون بهشت
۲۲	مفهوم جنت(بهشت)
۲۳	وجود بهشت:
۲۴	صفت بهشت:
۲۶	فراگیر بودن بهشت
۲۸	فصل دوم: اسباب ورود به بهشت الهی
۲۸	اسباب ورود به بهشت
۴۸	موارد دیگر عوامل و اسباب ورود به بهشت الهی:
۵۴	جمع بندی:
۵۷	فصل سوم: چه کسانی وارد بهشت می شوند؟
۵۷	بهشت بر چه کسانی حرام است؟
۶۳	فصل چهارم: درهای هشتگانه بهشت
۶۳	دروازه های بهشت:
۶۷	نوشته های ابواب بهشت:
۷۳	فصل پنجم: طبقات و درجات بهشت
۷۳	درجات بهشت
۷۸	پائین ترین منازل بهشت
۷۸	درجات ویژه در بهشت
۸۰	فصل ششم: نعمت های بهشتی

- عظمت نعمتهای بهشت: ۸۰
- نعمت های بهشتی در بیان نمی گنجد: ۸۳
- ویزگی های نعمتهای بهشتی: ۸۳
- نعمتهای مادی و معنوی در بهشت: ۸۴
- (۲) نعمتهای بهشتی ۸۶
- الف: نعمت های مادی ۸۶
- ۱- غرفه بهشتی ۸۶
- اشاره ۸۶
- سرخی قصر امام حسین علیه السلام: ۸۹
- قصرهای شعیان حضرت علی علیه السلام: ۹۰
- توصیف دیگری از قصرهای شیعیان ۹۱
- ۲- همسران بهشتی ۹۳
- ۳- خدمتکاران بهشتی ۹۹
- ۴- لباس های زیبای بهشتیان ۱۰۱
- ۵- وسائل زینتی بهشتیان ۱۰۳
- ۶- باغ های بهشت ۱۰۵
- ۷- تخت های زیبای بهشتی ۱۱۰
- ۸- غذای بهشتیان ۱۱۳
- اشاره ۱۱۳
- میوه های بهشتی و خواص آن ها ۱۱۵
- اشاره ۱۱۵
- ۱- خرما: «فِيهِمَا فَأَكْبَهُهُ وَتَحَلَّ وَرَمَانٌ» (الرحمن: ۶۸) ۱۱۵
- ۲- انار: «فِيهِمَا فَأَكْبَهُهُ وَتَحَلَّ وَرَمَانٌ» (الرحمن: ۶۸) ۱۱۶
- ۳- انجیر: «والتين و الزيتون» (تین: ۱) ۱۱۷
- ۴- زیتون: «والتين والزيتون» (تین: ۱) ۱۱۹
- ۵- انگور: «حدائق و اعنابا» (نبا: ۳۲) ۱۲۰

- ۹-نهر ها و چشمه های بهشتی ----- ۱۲۱
- ۱۰- شراب بهشتی ----- ۱۲۴
- ب: نعمت های معنوی ----- ۱۲۶
- اشاره ----- ۱۲۶
- ۱- سلام و تحیت: ----- ۱۲۶
- ۲- رضای خدا و لقای محبوب ----- ۱۲۸
- فصل هفتم: پرسش هایی پیرامون بهشت ----- ۱۳۱
- (۱) آیا مومنانی که فاقد عمل صالحند وارد بهشت می شوند؟ ----- ۱۳۱
- (۲) چه رزقی است که صبح و شام به سراغ بهشتیان می آید؟ ----- ۱۳۳
- (۳) «فردوس» جای چه کسانی است؟ ----- ۱۳۴
- (۴) آیا زندگی در بهشت یکنواخت است؟ ----- ۱۳۷
- (۵) آیا اگر کسی مقام انبیاء را بخواهد به او داده می شود: ----- ۱۳۸
- (۶) آیا چیزهایی که در این دنیا حرام است ، تقاضای آن در بهشت ممکن است؟ ----- ۱۳۹
- (۷) چرا در برخی آیات «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» آمده است؟ ----- ۱۴۰
- (۸) نوجوانان بهشت کیانند؟ ----- ۱۴۱
- (۹) آیا در بهشت صبح و شامی هم وجود دارد؟ ----- ۱۴۲
- (۱۰) اهل بهشت با چه زبانی با همدیگر صحبت می کنند؟ ----- ۱۴۳
- (۱۱) شغل اهل بهشت چیست؟ ----- ۱۴۳
- (۱۲) آیا در بهشت هم می توان بچه دار شد؟ ----- ۱۴۵
- (۱۳) «جنات عدن» چیست؟ ----- ۱۴۶
- (۱۴) سرنوشت اطفال مشرکین؟ ----- ۱۴۷
- (۱۵) آیا بهشت و جهنم هم اکنون موجود است؟ ----- ۱۴۸
- (۱۶) بهشت و دوزخ در کجا هستند؟ ----- ۱۵۰
- (۱۷) اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است، پس دوزخ کجاست؟ ----- ۱۵۲
- (۱۸) چگونگی ارتباط بهشتیان با دوزخیان؟ ----- ۱۵۲
- (۱۹) نخستین کسی که داخل بهشت می شود، کیست؟ ----- ۱۵۴

۱۵۶ ----- (۲۰) منظور از «صحاب اعراف» در بهشت چیست؟

۱۶۱ ----- (۲۱) چرا در مورد بهشت تعبیر به «ارث» شده است؟

۱۶۳ ----- کتابنامه

۱۷۲ ----- گزیده ای از آثار مولف: -----

۱۷۵ ----- درباره مرکز

سرشناسه: زکی زاده رنانی، علیرضا، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: آرامش ابدی / علیرضا زکی زاده رنانی.

مشخصات نشر: قم: دیوان □۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

فروست: مجموعه کتاب های سرنوشت انسان؛ ۶.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۲۰۴-۲-۳:

یادداشت: عنوان روی جلد: آرامش ابدی: بهشت و نعمتهای آن.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۵۱] - ۱۵۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: آرامش ابدی: بهشت و نعمتهای آن.

موضوع: بهشت (اسلام)

موضوع: زندگی پس از مرگ (اسلام)

رده بندی کنگره: ۲۲۲/۶۵ BP/ز۴۲۸۶۴۸۱۳۸۶الف

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۱۲۹۴۱

ص: ۱

اشاره

بهشت و نعمت های آن

چاپ پانزدهم

مجموعه کتاب های سرنوشت انسان ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

امام علی علیه السلام: الْجَنَّةُ دَارُ الْأَمَانِ.

«بهشت سرای امتیت و آرامش است».

«غررالحکم، حدیث ۳۹۷»

آرامش ابدی

علیرضا زکی زاده رنانی

تقدیم به:

طاووس اهل بهشت

حضرت مهدی «عج»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

«حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است».

ر.ک: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۱؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۲؛ بحار، ج ۵۱، ص ۹۱؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۸۲.

«بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيد الانبياء و المرسلين محمد صلى الله عليه و آله و عترته الطاهرين عليهم السلام.»

چشم دل باز کن که آن بینی *** آنچه نادیدنی است آن بینی

آنچه بینی دلت همان خواهد*** آنچه خواهد دلت همان بینی

تا به جایی رسی که می نرسد*** پای اوهام و پایه افکار

سخن از بهشت است و زیبایی های آن، از نعم الهی، راه های ورود به آن و خلاصه شنیدنی هایی که روشنی بخش دیده هر انسانی می باشد.

سخن از مزیت خاصه خداوند متعال نسبت به مومنان، چگونگی پذیرایی آنان در بهشت و دیگر مسائلی که در این نوشتار به فضل خداوند رحمان به رشته تحریر در آمده است.

اگر دل خود را به منظره های زیبایی که در بهشت به آن می رسی مشغول داری، روح با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز می کند. نهرهایی از شراب گوارا و شیر و عسل با آهنگ هایی دلنشین از درختان آن در کنار قصرهایی پر شکوه و عظمتی از محبت و شور و اشتیاق.

ص: ۹

آری، این مطلب زیبا و جذاب باعث شد که نگارنده باری دیگر کمر همت را بسته و به سراغ آیات و روایات فراوان این موضوع برود. آیات و روایات بسیاری که با توجه به گستردگی آن شاید دهها کتاب جداگانه بتوان برایش تالیف نمود.

معمولا از بهشت کمتر گفته شده است و کمتر کتابی است که مستقلا در مورد آن به رشته تحریر در آمده باشد. بیشتر کلام آن در کتب روایتی و تفسیری به چشم می خورد. از این رو پیش از هر چیز به سراغ آیات و روایات مربوطه رفته و مطالب این نوشتار را در چندین فصل تنظیم نمودم.

بخشی از کتاب را نیز به شبهات و مسائل در مورد بهشت اختصاص دادم که برای خود نگارنده جذابیت و اهمیت ویژه ای داشت.

این نوشتار به صورت خلاصه تنظیم شده است و سعی بر آن بوده است که بیشتر مطالب آن به صورت اختصار ذکر شود. ان شاء الله مباحث کامل این نوشتار نیز در آینده ای نزدیک به چاپ خواهد رسید.

در پایان خداوند متعال را شاکرم که موضوع را برای بنده ارزانی داشت و نیز از این که شما خواننده محترم این کتاب را برای مطالعه برگزیدید سپاسگزارم. امید وارم که نگارنده را از دعای پر فیض خود محروم ننمایید.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

علیرضا زکی زاده رنانی

قم المقدسه عش آل محمد(ص)- پاییز ۱۳۶۸

ص: ۱۰

مفهوم جنت (بهشت)

جَنَّت در اصل به معنای «ستر» و «پوشاندن» می باشد. (۱) دو کلمه «جَنَّت» و «جنین» نیز به همین معنا می باشند. «جَنَّت» را از آن رو جَنَّت گویند، چون از دیده ها پوشانده شده و نهان است. (۲) و «جنین» را نیز از آن رو جنین گویند که از دیده ها پوشانده شده و پنهان است. (۳)

«جنت» را نیز به این اسم مانند، چون درختان آن را می پوشانند. (۴)

از این رو جنت به باغ و بستانی گفته می شود که در آن درختان زیادی دیده می شود و همه لذت ها در آن جمع و آماده می باشد؛ از بهترین درختان و میوه ها و همسران نیکو و خادمانی زیبا و خانه هایی فاخر که به یاقوت و زمرد و سنگ های گران قیمتی دیگر تزیین شده است. (۵) ۴.

ص: ۱۳

-
- ۱- ر.ك: العين، ج ۶، ص ۲۱؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۹۳؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۴۱۲.
 - ۲- مانند آیه ۱۵۸، از سوره صافات: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا».
 - ۳- مانند آیه ۳۲، از سوره نجم: «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ».
 - ۴- ر.ك: مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۴۳۸ و ۶۴۰.
 - ۵- ر.ك: مجمع البيان، ج ۹، ص ۲۲۴.

چون این جهان جایگاه پاداش مومنان نمی باشد و بی تردید یکی از چیزهایی که در این دنیا خداوند متعال در وجود هر انسانی نهاده است، میل و خواهش های درونی است. خواهش هایی که لازمه بقاء زندگی دنیایی و ادامه حیات می باشد. ولذا با توجه به این شرایط بسیاری از لذائذ و خوشی ها مقطعی و یا محدود به همین دنیا می باشد.

حال که ناگزیر چنین خواهش هایی وجود دارد و از طرفی دنیایی محدود با شرایطی محدود نیز آن را احاطه کرده است، پس به ناچار باید نعمت ها و خواهش هایی همیشگی و نامحدود نیز برای مومنان در سرایی دیگر وجود داشته باشد.

ولذا اسلام، قبل از هر چیز این ندا را پاسخ گفته و بهشتی ابدی و روشنی بخش را برای هر انسان صالحی وعده داده است. بهشتی که پهنای آن آسمان ها و زمین و نعمت های آن همیشگی و پایدار است.

از این روست که حضرت امیر(ع) می فرماید: «ارزش جان های شما جز بهشت نیست، پس آن را جز به بهشت نفروشید»^(۱)

و در جایی دیگر فرمودند: «شما که ناگزیر میل و خواهش دارید پس خواهش خود را متوجه بهشتی کنید که به پهنای آسمان ها و زمین است»^(۲).

ص: ۱۴

۱- ر.ک. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۸۲؛ بحار، ج ۷۸، ص ۱۳؛ و نیز فرمودند: «هر کس جان خود را به چیزی جز نعمت های بهشت بفروشد، به آن ستم کرده است.»

۲- ر.ک. غرر الحکم، ح ۳۷۳۶؛ میزان الحکمه، ج ۲ ص ۷۹۲، ح ۲۵۱۸.

خداوند متعال در مورد بهشت تعبیراتی زیبا در قرآن نام برده است؛ این که حقیقت بهشت و نعمت آن هر چند گفته شود، باز هم عظمت آن مخفی و پوشیده است برای همین قرآن کریم، وصف بهشت را با تعبیراتی همچون «مَثَل» بیان می کند، یعنی این اوصاف شبیه و شبیحی از آن می باشد.

خداوند متعال در سوره رعد، آیه ۳۵ می فرماید: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ؛ توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است: آب از زیر درختانش روان است و میوه ها و سایه هایش همیشگی است. این سرانجام کسانی است که پرهیزگارند و سرانجام کافران آتش است.»

و در سوره محمد، آیه ۱۵ می فرماید:

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»

«وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهرهایی است از آب هایی تغییر ناپذیر و نهرهایی که از شیری که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند و نهرهایی از عسل مصفا. و در آنجا هر گونه میوه که بخواهند هست.»

امام علی (ع) می فرماید: «بهشتی که خدای تعالی به مومنان وعده داده است چشم بینندگان را خیره می کند. در آن درجاتی است یکی برتر از دیگری و منازلی است یکی بالاتر از دیگری. نعمتش از بین

نمی رود و شادیش به پایان نمی رسد، اقامت کننده در آن کوچ نمی کند و جاویدان در آن پیر نمی شود و ساکن آن آسیبی نمی بیند، اهل آن از مرگ در امانند و هراسی به دل راه نمی دهند، زندگی به کام آن هاست، نعمت برایشان پایدار است در جویهایی از آب هایی تغییر ناپذیر و نهرهایی که از شیر که طعمش دگرگون نمی شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند»^(۱)

و در خطبه ۱۶۵ نهج البلاغه فرمودند: «اگر با چشم دل به آنچه که از بهشت برای تو توصیف کرده اند بنگری، از آنچه در دنیاست دل می کنی، هر چند شگفتی آور و زیبا باشد، و از خواهش های نفسانی و خوشی های زندگانی و منظره های آراسته و زیبای آن کناره می گیری، و اگر فکر ترا به درختان بهشتی مشغول داری که شاخه هایش همواره به هم می خورند، و ریشه های آن در توده های مشک پنهان، و در ساحل جویباران بهشت قرار گرفته آبیاری می گردند، و خوشه هایی از لولو آبدار به شاخه های کوچک و بزرگ درختان آویخته، و میوه های گوناگونی که از درون غلاف ها و پوشش ها سر بیرون کرده اند، سرگردان و حیرت زده می گردی؛ شاخه های پر میوه بهشت که بدون زحمتی خم شده در دسترس قرار می گیرند، تا چینه آن هر گاه که خواهند برچینند، مهمانداران بهشت گرد ساکنان آن و پیرامون کاخ هایشان در گردشند و آنان را با عسل های پاکیزه و شراب های گوارا پذیرایی کنند.

آن ها کسانی هستند که همواره از کرامت الهی بهره مندند تا آن گاه که در سرای ثابت خویش فرود آیند و از نقل و انتقال سفرها آسوده گردند. ۴.

ص: ۱۶

۱- ر.ک. بحار، ج ۷۵، ص ۳۰، ح ۹۷؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۴ ح ۲۶۲۴.

ای شنونده! اگر دل خود را به منظره های زیبایی که در بهشت به آن می رسی مشغول داری، روح تو با اشتیاق فراوان به آن سامان پرواز خواهد کرد، و از این مجلس من با شتاب به همسایگی اهل قبور خواهی شتافت.

خداوند با لطف خود من شما را از کسانی قرار دهد که با دل و جان برای رسیدن به جایگاه نیکان تلاش می کنند» (۱).

امام صادق (ع) نیز فرمودند: کمترین نعمت بهشت چنان است که بویش از فاصله هزار سال به مسافت دنیا به مشام می رسد» (۲).

و در روایتی دیگر حضرت فرمودند: «در بهشت درختی است که بادهای بهشت به فرمان خدا وزیدن می گیرند و آن درخت آهنگ هایی می زند که خلاق به زیبایی آن ها رانشنیده اند آن گاه فرمود: این پاداش کسانی است که در دنیا از ترس خدا گوش سپردن به ساز و آواز را ترک کرده باشند» (۳).

فراگیر بودن بهشت

آنچه از مجموع روایات می توان به صراحت بیان کرد این است که شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام همگی وارد بهشت الهی خواهند شد، ولیکن درجات آنان با هم فرق می کند، دیگر این که قبل از بهشت کسانی که آلودگی هایی داشته باشند پاک می شوند؛ با فشار قبر، باترس و مراحل دیگری که در قیامت وجود دارد. و لذا اینگونه نیست که فردی شیعه بگوید ، خوب ما که قرار است بهشت رویم پس فرض گریه بر امام حسین (ع) می کنیم ۷.

ص: ۱۷

۱- دشتی، محمد رحمه الله، ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۱۷.

۲- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۲؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ بحار، ج ۸، ص ۱۲۰، ح ۱۱.

۳- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۰؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۲۷، ذح ۲۷.

ولی ربا هم می خوریم و کارهای دیگر هم انجام می دهیم. نه، اینگونه نیست، آنجا موقف حساب است و حساب، از اعمال و رفتار سوال می شود، از عبادات و مسائل دیگر اسلامی سوال می شود؛ از این رو وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله بارها می فرمودند: «حساب اعمال خود را کنید، قبل از آن که به حساب اعمال شما برسند».

در مورد فراگیر بودن بهشت امام سجاد(ع) فرمودند: «ای گروه شیعیان ما! بهشت دیر یازود حتما به شما میرسد اما برای رسیدن به درجات آن با هم رقابت کنید».(۱)

و نیز امام صادق (ع) فرمودند: «به خدا سوگند احدی از شما به دوزخ نمی رود. پس برای رسیدن به درجات بهشت با هم رقابت کنید و با پارسایی دل دشمن خود را دردمند سازید».(۲)

ص: ۱۸

۱- ر.ک: بحار، ۷۴، ص ۳۰۸، ح ۶۱؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۲۰، ح ۲۶۴۸.

۲- ر.ک: امالی شیخ طوسی، ص ۲۹۶، ح ۵۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۴۸، ح ۲۰۴۱۲.

فصل دوم: اسباب ورود به بهشت الهی

اسباب ورود به بهشت

ص: ۱۹

۱- از دیدگاه قرآن کریم:

درباره اوصاف بهشتیان، آیات فراوانی در قرآن کریم وارد شده که در مجموع، صفات و اعمالی که انسان را به بهشت می‌رساند و او را در آن جایگاه رفیع و والا جای می‌دهد کاملاً مشخص می‌سازد

این اوصاف عبارتند از:

۱- ایمان و عمل صالح:

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (۱)

«و آن‌ها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند».

۲- تقوی:

(تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا) (۲)

«این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، ارث می‌دهیم».

۳- احسان و نیکو کاری: ۳.

ص: ۲۱

۱- سوره بقره، آیه ۸۲ و نیز به آیه ۱۲۴ سوره نساء رجوع شود

۲- سوره مریم، آیه ۶۳.

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۱)

«خداوند بخاطر این سخن، به آن ها باغ هایی از بهشت داد که از زیر درختانش، نهر ها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکو کاران.»

۴- جهاد و شهادت:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱)

«خداوند از مومنان، جان ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که) در راه خدا بیکار می کنند»

۵- ترک هواپرستی:

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۲)

«و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعا بهشت جایگاه اوست!»

۶- پیشگامان در ایمان:

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۳)

«و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامانند، آنها مقربانند! در باغهای پر نعمت بهشت (جای دارند)»

۷- هجرت و جهاد:

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۵) ۲.

ص: ۲۲

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲- سوره نازعات، آیه ۴۰-۴۱.

۳- سوره واقعه، آیه ۱۰ سوره توبه، آیه ۲۰-۲۲.

«آیا سیراب کردن حجاج، و آبادساختن مسجد الحرام را، مانند(عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خداوند مساوی نیستند! و خداوند گروهمان را هدایت نمی کند! آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت(خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند؛ همواره و تا ابد در این باغها(و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است.»

۸- صبر و تحمل در برابر شدائد:

(وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا) (۱)

«و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آن ها پاداش می دهد.»

۹- ایمان و بقاء در برابر جاده مستقیم:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۲)

«کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. آن ها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می دادند.»

۱۰- اطاعت خدا و رسول:

(وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) (۳)

«و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (قوانین او را محترم بشمرد)، خداوند وی را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است.» ۱۳.

ص: ۲۳

۱- سوره دهر، آیه ۱۲.

۲- سوره احقاف، آیه ۱۳-۱۴.

۳- سوره نساء، آیه ۱۳

(وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ) (۱)

«و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید، جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)! برای آنان [= بندگان مخلص] روزی معین و ویژه ای است، میوه های گوناگون پر ارزش، و آنها گرامی داشته می شوند... در باغهای پر نعمت است.»

۱۲- صدق و راستی:

(هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا) (۲)

«امروز روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می ماند؛ هم خداوند از آنها خوشنود است، و هم آنها از خدا خوشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!»

۲- از دیدگاه روایات:

در روایات معصومین علیهم السلام نیز عوامل بسیاری جهت راهیابی به بهشت الهی بیان شده است. جهت استفاده بهتر شما خواننده محترم این عوامب بصورت رقم نام برده شد و برخی از آن نیز بوسیله خود حدیث ذکر گردید.

«امام علی علیه السلام: دُخُولُ الْجَنَّةِ رَخِيصٌ، وَ دُخُولُ النَّارِ غَالٍ» (۳)

«بهشت رفتن ارزان است و دوزخ رفتن گران.»

عوامل ذکر شده عبارتند از:

۱- اطاعت از خداوند متعال: ۴.

ص: ۲۴

۱- سوره صافات، آیه ۳۹-۴۳.

۲- سوره مائده، آیه ۱۱۹.

۳- ر. ک. بحار، ج ۷۵، ص ۹۰، ح ۷۵؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۲۵۴۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ (۱)

«وارد بهشت نشوید مگر نفسی که در برابر خدا تسلیم باشد».

۲- ایمان به خدا و پیامبر:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ (۲)

«هرکس به ربوبیت الهی و دین اسلام و پیامبری من راضی شود، بهشت براو واجب گردد».

۳- عمل صالح:

امام باقر علیه السلام: إِنَّ الْعَمَلَ الصَّالِحَ يَذْهَبُ إِلَى الْجَنَّةِ (۳)

«همانا عمل صالح (انسان را) به سوی بهشت می برد».

۴- زیادی علم و عمل:

امام علی علیه السلام: إِنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ بِسَبَبِ إِلَى الْجَنَّةِ (۴)

«همانا زیادی علم و عمل به آن، راهی است به سوی بهشت».

۵- ترک شهوات:

امام علی علیه السلام: فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ (۵)

«پس هر کس که مشتاق بهشت است، باید از شهوات دوری کند».

۶- اخلاص در توحید: ۰.

ص: ۲۵

۱- ر.ک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۰؛ اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۴۱؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: صحیح بخاری، ج ۴، ص ۳۴؛

مسند احمد، ج ۱، ص ۳؛ مسلم، ج ۱، ص ۷۴.

۲- ر.ک: المجموع النوری، ج ۱۹، ص ۲۶۶؛

۳- ر.ک: بحار، ج ۶۸، ص ۱۸۵؛ ذح ۴۶؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۱۲۴.

۴- ر.ک: تحف العقول، ص ۱۹۹؛ بحار، ج ۱، ص ۱۷۵؛ نهج السعاده، ج ۷، ص ۱۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۶۵.

۵- ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۳۱؛ الخصال، ص ۲۳۱؛ ح ۷۴؛ تحف العقول، ص ۱۶۵؛ روضه الواعظین، ص ۴۳؛ این روایت از

امام سجاد عليه السلام نیز نقل شده است: ر. ك: الكافي، ج ۲، ص ۱۳۱، ح ۱۵؛ فقه الرضا (ع)، ص ۳۷۰.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۱)

«هرکس از روی اخلاص «لااله الا الله» را بگوید، پس بهشت برای اوست».

۷- عدالت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: أَلْعَدْلُ مَا جُنَّهُ وَ آقِيَهُ وَ جَنَّهُ بَاقِيَةً. (۲)

«عدالت سپری محکم و بهشتی همیشگی است».

۸- تقوا

۹- حسن خلق:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ، تَقْوَى اللَّهِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ. (۳)

«امت من بیشتر به سبب دو چیز وارد بهشت می شوند: خداپرورایی و خوشرویی».

۱۰- خشیت خداوند

۱۱- ترک جدال:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ مِنْ أَيِّ بَابٍ شَاءَ: مَنْ حَسَنَ خُلُقَهُ، وَ خَشِيَ اللَّهَ فِي

الْمَغِيبِ وَ الْمَحْضَرِ، وَ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا. (۴)

«سه چیز است که هرکس با آن ها، خدای عزوجل را دیدار کند از هر دری که خواهد وارد بهشت شود: کسی که خوشخو باشد و در آشکارا و نهان از خدا بترسد و بحث و ستیزه رارها کند اگر چه حق با او باشد».

ص: ۲۶

۱- ر.ک: کفایه الاثر، ص ۱۱۹؛ ذکر اخبار اصبهان، حافظ اصبهانی متوفای ۴۳۰، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۴۴؛ بحار، ج ۳۲۶، مدینه المعاجز، ج ۲؛ ص ۳۹۳، ح ۶۱۹.

۲- ر.ک: عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۷۷؛ بحار، ج ۷۴، ص ۱۶۵، ح ۲؛ درد الاخبار، ص ۵۳۲

۳- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۷۹، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۰، ح ۱۵۹۱۱.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۳۶؛ منیه المرید، ص ۳۱۶.

۱۲- سرعت در کارهای نیک:

رسول خدا صلی الله علیه و آله من اشتاق إلي الجنة سارع إلى الحسنات. (۱)

«هر که مشتاق بهشت باشد در انجام کارهای خوب بکوشد».

۱۳- مصیبت نکردن:

امام صادق علیه السلام: من لم يعص الله أدخله الله الجنة. (۲)

«هر کس نافرمانی خدا را نکند، خداوند او را وارد بهشت نماید».

۱۴- سخاوت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: الجنة دار الأسخياء. (۳)

«بهشت سرای سخاوتمندان است».

۱۵ - اطعام نمودن:

امام صادق علیه السلام: من أطعم مؤمناً أطعمه الله من ثمار الجنة. (۴)

«هر کس مومنی را اطعام نماید، خداوند از میوه های بهشتی او را اطعام نماید».

امام صادق علیه السلام: من موجبات الجنة و المغفرة: إطعام الطعام. (۵)

«از موجبات دخول در بهشت و مغفرت الهی، اطعام نمودن است».

ص: ۲۷

۱- ر.ک. تحف العقول، ص ۲۸۱؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۴۷؛ ج ۷۵، ص ۱۳۹، ح ۲۹؛ «این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت «...إلى الخيرات» نیز نقل شده است: ر.ک. الكامل، ج ۳، ص ۳۵۸؛ تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۲۹۸؛ الموضوعات ابن الجوزی، ج ۳، ص ۱۸۰؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۶۴؛ ح ۴۳۴۴۰؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۷۰، ح ۸۴۴۲».

۲- ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۲۹۶؛ ثواب الاعمال، ص ۲۰؛ الذکری، ص ۱۹.

۳- ر.ک: مشکاه الانوار، ص ۴۰۵؛ الكامل، ج ۴، ص ۳۲۱؛ الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۶۳؛ ح ۳۶۴۴؛ تذکره الموضوعات فتنی، ص ۶۳؛ کشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۰۸۳.

۴- ر.ک: المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۳، ح ۴۲؛ المومن حسین بن سعید اهوازی، ص ۶۳؛ المقنع، ص ۲۹۹؛ قرب الاسناد،

ص ١٢٠؛ الدعوات، ص ٢٣٠، ح ٦٣٩.

٥- ر.ك: المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٩، ح ١٧؛ وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٣٢٦، ح ٣٠٦٧٢؛ بحار، ج ٧١، ص ٣٦١، ح ١١؛ مستدرک سفینه البحار، ج ٦، ص ٥٣٤؛ میزان الحکمه، ج ٢، ص ١٧٣٠

رسول خداصلی الله علیه و آله: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ. (۱)

«جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله: الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ. (۲)

«بهشت زیر سایه شمشیرهاست».

رسول خداصلی الله علیه و آله: مَنْ خُتِمَ لَهُ بِجِهَادٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَوْ قَدَرَ فَوَاقِ النَّاغَةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ (۳)

«هرکس به اندازه زمان میان دو دوشیدن شتر، جهاد در راه خدا نصیبش شود وارد بهشت گردد».

۱۷-علاقه و محبت به دانش و علم:

رسول خداصلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبَّ الْعِلْمَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۴)

«هرکس محبت به علم و دانش داشته باشد، بهشت بر او واجب است».

۱۸- روزه:

رسول خداصلی الله علیه و آله: إِنْ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُدْعَى «الرَّيَّانَ» لَا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ. (۵) ۹.

ص: ۲۸

۱- ر.ک: دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۳؛ بحار، ج ۹۷، ص ۵۰، ح ۲۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶، ح ۱۲۳۰۴ (از امام علی علیه السلام) و الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۴۵ از رسول خدا(ص).

۲- ر.ک: صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰۸؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴۳؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۳۹۶.

۳- ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۱۶۰۴؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۰۰، ح ۲۵۶۲.

۴- ر.ک: بحار، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۶۰.

۵- ر.ک: معانی الاخبار، ص ۴۰۹، ح ۹۰؛ المقنعه، ص ۳۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۰۳؛ و از منابع اهل سنت ر.ک:

صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۳۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۳، ص ۵۲۵، ح ۷۵۲۹.

«بهشت راه دروازه ای است به نام «ریان» (سیراب) که جز روزه داران از آن وارد نشوند».

۱۹- نماز جمعه:

مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۱)

«هرکس نماز جمعه را برپا دارد، بهشت بر او واجب است».

۲۰- اجابت موذن:

إِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ رَحْمَةٌ وَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ (۲)

«اجابت موذن رحمت است و پاداش آن بهشت می باشد».

۲۱- نیکو سخن گفتن:

امام زین العابدین علیه السلام: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ وَيُدْخُلُ الْجَنَّةَ (۳)

«نیکو سخن گفتن مال را زیاد کند، (و روزی را رشد می دهد، مرگ را به تاخیر می اندازد) و باعث دخول بهشت شود».

۲۲- صبر در شدائد و مصائب:

امام باقر علیه السلام: إِنَّ الْجَنَّةَ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ. (۴)

«همانا بهشت در احاطه ناملایمات و بردباری است؛ پس، هر که در دنیا بر ناملایمات صبر کند به بهشت رود».

۲۳- حج و عمره: ۸.

ص: ۲۹

۱- ر.ک: تفسیر قرآن کریم، مرکز حوزه علمیه قم، سوره حمد و بقره، ص ۳۸۱.

۲- ر.ک: بحار، ج ۸۱، ص ۱۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۶.

۳- ر.ک: امالی شیخ صدوق، ص ۴۹، ح ۱؛ الخصال، ص ۳۱۷، ح ۱۰۰، و مسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸۶، ح ۱۶۰۳۸؛ بحار، ج ۶۸، ص ۳۱۰، ح ۱؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۴۳.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۸۹، ح ۷؛ مسکن الفوائد، ص ۵۱؛ تحف العقول، ص ۳۹۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۹، ح ۲۰۶۰۰؛ بحار، ج ۶۸، ص ۷۲، ح ۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۰۶، ح ۵۸.

حُجُّ الْبَيْتِ وَ الْعُمْرَةُ يُوجِبَانِ الْجَنَّةَ (۱).

«حج و عمره، بهشت را موجب می شوند».

۲۴- پنهان نمودن عمل خوب:

امام علی علیه السلام مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ إِخْفَاءُ الْعَمَلِ (۲).

«از گنج های بهشت، پنهان نمودن عمل خوب است».

۲۵- حسن ظن به خداوند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: فَإِنْ حُسِنَ الظَّنُّ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَمُنُ الْجَنَّةِ (۳).

۲۶- استفاده از حلال:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتَحَّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ (۴).

«هر که از دسترنج حلال خود استفاده کند، برای او درهای بهشت گشوده شود».

۲۷- مسجد ساختن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (۵).

«هر کس مسجدی بنا کند، خداوند در بهشت خانه ای برای او بنا کند».

۲۸- دفاع از مظلوم: ۷.

ص: ۳۰

۱- ر.ک: الانتصار، ص ۲۳۵؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۲۲۲؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲- ر.ک: المتمحیص الاسکافی، ۶۶، ح ۱۵۳؛ تحف العقول، ص ۲۰۰؛ بحار، ج ۶۸، ص ۹۵.

۳- ر.ک: امالی شیخ طوسی، ص ۳۸۰، ح ۸۱۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸، ح ۲۶۱۵.

۴- ر.ک: بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۰، ح ۴۱؛ جامع الاخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۶.

۵- ر.ک: جامع المقاصد، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَتْ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ. (۱)

«هرکس داد مظلومی را از ظالم گیرد، با من در بهشت خواهد بود.»

۲۹- تسیح حضرت فاطمه علیها السلام.

امام صادق علیه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ. (۲)

۳۰- روزه ماه رجب:

امام رضا علیه السلام: مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةَ. (۳)

«هرکه روز اول ماه رجب را روزه بدارد، بهشت بر او واجب شود.»

۳۱- روزه ماه شعبان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةَ (۴)

«هرکه سه روز از ماه شعبان را روزه گیرد، بهشت بر او واجب شود.»

۳۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب دیدن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ يَرَانِي فِي مَنَامِهِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةَ (۵)

«هرکس مرا در خواب ببیند بهشت بر او واجب شود.» ۱.

ص: ۳۱

۱- ر.ک: کنز الفوائد، ص ۵۶؛ بحار، ج ۷۲، ص ۳۵۹؛ ح ۷۴؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۸.

۲- ر.ک: فلاح السائل، ص ۱۶۵؛ بحار، ج ۸۲، ص ۳۳۲؛ ح ۱۳.

۳- ر.ک: عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۶۱؛ ح ۴۰؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۹۱.

۴- ر.ک: مصباح المجتهد، ص ۸۲۵؛ اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۹۱؛ روضه الواعظین، ص ۴۰۳.

۵- ر.ک: تفسیر قرآن کریم، مرکز حوزه علمیه قم، سوره حمد و بقره، ص ۳۸۱.

۳۳- زیارت ائمه اطهار علیهم السلام.

امام جواد علیه السلام: مَا لِمَنْ آتَى قَبْرَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قَالَ: الْجَنَّةُ وَاللَّهُ (۱).

«چيست برای کسی که قبر حضرت رضا علیه السلام را زیارت کند؟ فرمود به خدا قسم، بهشت است.»

امام صادق علیه السلام: مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۲)

«هرکس حسین علیه السلام را روز عاشورا زیارت کند، بهشت بر او واجب شود.»

۳۴- زیارت حضرت معصومه علیها السلام

امام جواد علیه السلام: مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۳)

۳۵- مرثیه خوانی برای امام حسین علیه السلام:

امام صادق علیه السلام: مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَابْكِي وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۴)

«هر که برای حسین علیه السلام مرثیه خواند و یک نفر را گریان کند، پس برای او بهشت است.»

۳۶- محبت به ائمه اطهار علیهم السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ. (۵)

«هرکس بر محبت آل محمد بمیرد، من ضامن بهشت اویم.» ۳.

ص: ۳۲

۱- ر.ک: المزار المفید ص ۱۹۶؛ کامل الزیارات ص ۵۰۹ ح ۷۹۳؛ المزار مشهدی ص ۴۱ ح ۲۲.

۲- ر.ک: کامل الزیارات، ص ۳۲۴، ح ۵۵۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۱، ح ۱۲۱؛ مصباح المجتهد ص ۷۷۲؛ المزار المشهدی ص ۳۵۲ ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۶، ح ۱۹۳۶۷.

۳- ر.ک: کامل الزیارات، ص ۵۳۶، ۸۲۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶، ح ۱۹۸۵۱.

۴- ر.ک: امالی الصدوق، ص ۲۰۵؛ کامل الزیارات، ص ۲۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۵.

۵- ر.ک: فضائل الشیعه، ص ۴؛ مئه منقبه، ص ۶۶ المناقب خوارزمی، ص ۷۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبَّنِي كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ. (۱)

«هرکس مرا دوست بدارد، همراه من در بهشت خواهد بود».

۳۷- شناخت ائمه اطهار علیه السلام.

امام صادق علیه السلام: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَ عَرَفْنَا. (۲)

«وارد بهشت نمی شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم».

۳۸- زیارت مسلمان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ زَارَ مُسْلِمًا ثَوَابُهُ الْجَنَّةِ. (۳)

«هیچ مسلمانی نیست که مسلمانی را زیارت کند، بهشت برای او واجب است».

۳۹- حفظ آبروی برادر مسلمان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۴)

۴۰- پیروی از قرآن کریم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ. (۵)

«هر که قرآن را پیروی کند، (قرآن) او را به سوی بهشت کشاند».

۴۱- گریه بر بهشت: ۲.

ص: ۳۳

۱- ر.ک: سبیل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۴۳۰؛ اعانه الطالبین، ج ۳، ص ۴۱۵

۲- ر.ک: بصائر الدرجات، ص ۵۱۷، ح ۶؛ الکافی ج ۱ ص ۱۸۴ ح ۹؛ تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۹.

۳- ر.ک: المومن، ص ۵۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۳؛ الاختصاص، ص ۲۶

۴- ر.ک: ثواب الاعمال: ۱۴۵؛ امالی الطوسی ص ۲۳۳ ح ۴۱۴؛ النوادر راوندی، ص ۱۰۱.

۵- ر.ک: النوادر راوندی، ص ۱۴۴؛ بحار، ج ۷۴، ص ۱۳۴، ح ۴۶؛ شجره طوبی، ج ۲، ص ۴۴۲.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ بَكَى عَلَيَّ الْجَنَّةَ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (۱)

«هر که بر بهشت گریه کند، داخل بهشت شود».

۴۲- عیادت مریض:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا تَبَوَّاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا. (۲)

«هر که مریضی را عیادت کند، منزلی در بهشت برای او آماده شود».

۴۳- دروغ گفتن

۴۴- خلف وعده نکردن

۴۵- خیانت نکردن

۴۶- حفظ چشم از حرام

۴۷- عفت داشتن

۴۸- حفظ دست و زبان از گناه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «شش چیز را برای من به عهده گیرید، من هم برای شما بهشت را به عهده می گیرم: هرگاه سخن گفتید دروغ مگویید، هرگاه وعده دادید خلف وعده نکنید، هرگاه امین تان دانستید خیانت نورزید، چشمتان را از حرام فرو بندید، شهوت خویش را حفظ کنید و دست و زبان خود را نگه دارید». (۳)

۴۹- غضب نکردن

۵۰- غیبت نکردن

۵۱- حسد نورزیدن:

امام صادق علیه السلام: مَنْ لَمْ يَغْضِبْ فَلَهُ الْجَنَّةُ، مَنْ لَمْ يَغْتَبِ فَلَهُ الْجَنَّةُ. من لم يحسد فله الجنة. (۴) ۸.

ص: ۳۴

۱- ر.ك النوادر راوندی، ص ۱۰۷؛ بحار، ج ۹۰، ص ۳۳۳، ح ۲۳.

۲- ر.ك: الكافی، ج ۲ ص ۱۷۵ ح ۱۵؛ و الشرح الكبير ج ۲ ص ۳۰۳؛ نیل الاوطار، ج ۴، ص ۴۷

- ٣- ر.ك: امالى شيخ صدوق، ص ٩٠؛ خصال، ج ١، ص ٣٢١؛ بحار، ج ٧٤، ص ١١٥.
- ٤- ر.ك: بحار، ج ٧٠، ص ٢٦٥، ح ١٥؛ مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٩ ف ح ١٣٣٦٨.

«هر که غضب نکند، پس بهشت برای او است؛ هر که غیبت نکند؛ پس بهشت برای او است؛ هر که حسادت نکند، پس بهشت برای او است».

۵۲- یتیمی را کفایت نمودن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: یا علی! مَنْ كَفَى يَتِيمًا فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يُسْتَعْنَى، وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۱)

«ای علی! هر که یتیمی را با مال خود کفایت کند و او را بی نیاز گرداند، بهشت بر او واجب می شود».

امام صادق علیه السلام: «وقتی یتیمی گریه کند عرش خدا به اهتزاز در آید، پس خداوند تبارک و تعالی گوید: کیست آن کسی که این بنده مرا، که در سنین خردسالی پدر و مادرش را از دست داده است، به گریه انداخته است؛ به عزت و جلال و مقام رفیعم قسم، هیچ بنده مومنی نیست که او را آرامش دهد، مگر اینکه بهشت را برایش واجب گردانم» (۲).

۵۳- یکسال اذان گفتن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَّى فِي مِصْرٍ مِنْ أَمْصَارِ الْمُسْلِمِينَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. (۳)

«هر کس در دیار مسلمانان یکسال اذان گوید، بهشت بر او واجب شود».

۵۴- دختر بزرگ کردن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ. (۴)

«هر کس دو دختر یا سه دختر را بزرگ کند، همراه من در بهشت خواهد بود».

۵۵- سرودن شعر در مورد اهل بیت علیهم السلام: ۵.

ص: ۳۵

-
- ۱- ر.ک: السرائر ج ۳ ص ۶۲۱؛ مکارم الاخلاق: ۴۴۴؛ وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۳۳۸ ح ۲۱۷۰۴.
 - ۲- ر.ک: الذکری، ص ۷۲؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۴۶۶؛ مجمع الفائده، ج ۲، ص ۴۹۵.
 - ۳- ر.ک: المعبر، ج ۲، ص ۱۲۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نهایه الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۰.
 - ۴- ر.ک: صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۹۲؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۸۵.

امام صادق علیه السلام: مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتٌ شَعْرٍ، بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ. (۱)

«هرکس در مورد ما، بیت شعری سراید، خداوند خانه ای برا او در بهشت بنا کند».

۵۶- احترام به پدر و مادر

امام باقر علیه السلام: أَرْبَعٌ مِّنْ كُنَّ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ: مَنْ آوَى الْيَتِيمَ، وَرَحِمَ الضَّعِيفَ، وَاشْفَقَ عَلَى وَالِدَيْهِ، وَرَفَقَ بِمَمْلُوكِهِ. (۱)

«چهار چیز است که هرکس داشته باشد خداوند در بهشت برای او خانه ای بسازد: هرکس یتیم را سرپناه دهد، به ناتوان رحم کند، با پدر و مادرش مهربان باشد و باغلامش مدارا کند».

حضرت مسیح علیه السلام: - لما سئل رجل: يا معلّم الخیر! دُلّنی علی عمل انال به الجنه؟-: اتق الله فی سرک و علانیّک، و بر والدیک. (۲)

«مردی از حضرت مسیح علیه السلام پرسید ای آموزگار خوبی! مرا به کاری راهنمایی کن که به سبب آن به بهشت دست یابم؛ فرمود: در نهان و آشکارت از خدا بترس و به پدر و مادرت نیکی کن».

موارد دیگر عوامل و اسباب ورود به بهشت الهی:

در حدیث معراج خداوند متعال به رسول گرامی خود می فرماید:

(۳) یا احمد؛ به عزت و جلالم سوگند، هر بنده ای که چهار خصلت را در خود پدید آورد، او را وارد بهشت می سازم و آن چهار خصلت عبارتند از: ۸۰:

ص: ۳۶

۱- ر.ک: ثواب الاعمال، ص ۱۶۱؛ بحار، ج ۷۴، ص ۵۱.

۲- ر.ک: میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۱، ح ۲۵۶۱؛ حکمت های حضرت مسیح (ع)، ص ۸۰.

۳- ر.ک: عیون الاخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۵، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۷، ح ۱۹۸۹۱.

۱- زبان خود را از بیان آنچه که برای او لازم و مفید نیست حفظ نماید.

۲- دل خود را از وسوسه نگاه داشته و اجازه ورود وسوسه های شیطانی را به قلب خویش ندهد.

۳- متوجه باشد که من ناظر و مراقب بر همه اعمال و کارهای او می باشم.

۴- گرسنگی را موجب چشم روشنی خود بداند» (۱)

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله: مَنْ ضَمِنَ لِي مَا بَيْنَ لِحْيَيْهِ وَ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ ضَمِنْتُ لَهُ الْجَنَّةَ. (۲)

«هرکس به من تضمین دهد که زبان و شهوت خویش را حفظ کند، من بهشت را برای او ضمانت می کنم».

+++

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله «من برای کسی که بحث و مجاله را رها کند هرچند حق با او باشد، و برای کسی که دروغ راهرچند به شوخی ترک گوید و برای کسی که خوشخو باشد، خانه ای را در حومه بهشت و خانه ای را در مرکز بهشت و خانه ای را در بالای بهشت ضمانت کنم». (۳)

+++

۴- امام صادق علیه السلام: «چه کسی چهار چیز را به من تضمین می دهد تا من چهار خانه در بهشت را برای او تضمین کنم؟ اتفاق کن و از تنگدستی مترس، سلام را در جهان رواج ده، بحث و جدال را واگذار هرچند حق با تو باشد و با مردم به انصاف رفتار کن». (۴) ۳.

ص: ۳۷

۱- ر.ک: ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۰؛ بحار، ج ۷۲، ص ۲۰؛ معراج پیامبر(ص)، ص ۳۷۷.

۲- ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱، ح ۲۰۴۲۲؛ صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۸۴.

۳- ر.ک: الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۷۰؛ منیه المرید، ص ۱۷۰؛ سنن نسایی، ج ۶، ص ۲۱.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۴۴، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۷۱۱؛ الخصال، ص ۲۲۳.

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «(حفظ) امر برای من عهده دار شوید من بهشت را برای شما عهده دار می شوم: نماز، زکات، امانت داری، شهوت، شکم و زبان را» (۱).

۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «هرکس به من تضمین پنج چیز را بدهد من بهشت را برای او ضمانت می کنم. عرض شد: ای رسول خدا! آن پنج چیز کدام است؟ فرمود: خلوص و صفا با کتاب خدا، خلوص و صفا با پیامبر او، خلوص و صفا با دین خدا، خلوص و صفا با جامعه مسلمانان» (۲).

+++

۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «در پاسخ از عملی که چیزی میان آن و بهشت مانع نشود، فرمود: خشمگین مشو، چیزی از مردم مخواه و بر مردم آن پسند که بر خودت می پسندی» (۳).

+++

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله: در پاسخ به این پرسش مردی که: چه کنم تا به بهشت روم؟ فرمود: مشکى نو خریداری کن و با آنقدر مردم را آبدۀ تا آن را فرسوده و پاره کنی، زمانی که مشک را پاره کرده باشی، به عمل بهشت دست یافته ای» (۴).

+++

۹- رسول خدا صلی الله علیه و آله: آیا هریک از شما دوست دارد به بهشت رود؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا. فرمود: آرزو را کوتاه کنید، مرگ را در مقابل دیدگان خود قرار دهید و از خدا چنان که شاید شرم دارید» (۵).

ص: ۳۸

۱- رک: المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۱۵۴؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۹۳، ح ۴۳۵۳.

۲- رک: الخصال، ص ۲۹۴، ح ۶۰؛ مشکاه الانوار، ص ۵۳۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۸۷.

۳- رک: امالی شیخ طوسی، ص ۵۰۸، ح ۱۱۱۰؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۶، ح ۲۵۴۶.

۴- رک: امالی شیخ طوسی، ص ۳۱۰، ح ۶۲۷؛ مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۱۳۲.

۵- رک: تنبيه الخوטר، ج ۱، ص ۲۷۲؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۰، ح ۲۵۵۸.

۱۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «در پاسخ به این پرسش بادیه نشینی که چه کند تا به بهشت رود فرمود: سوالی مختصر اما پر اهمیت پرسیدی. بنده آزاد کن و برده رها نما- بادیه نشین پرسید: مگر این دو یکی نیست؟ فرمود: نه، عتق رقبه آن است که خودت به تنهایی بنده آزاد کنی و فک رقبه آن است که در بهای آزادی او کمک کنی - به خویشاوند ستمگر مهربانی و نیکی کن، اگر چنین نکردی، پس گرسنه ای را سیر کن و تشنه ای را آب ده، به کار خوب فرمان ده و از کار زشت بازدار، اگر این هم نتوانستی زبانت را جز از خیر و خوبی فرو بند.» (۱)

۱۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله: نیز به بادیه نشین فرمود: گرسنه را سیر کن، تشنه را آب ده، به کار نیک فرمان ده و از کار زشت بازدار؛ اگر توان این را نداشتی زبانت را از جز خوبی نگه دار؛ زیرا با این کار بر شیطان چیره آیی» (۲)

+++

۱۲- امام علی علیه السلام: «هر کس شش خصلت در او جمع شود به بهشت در آید و از آتش برهد: کسی که خدا را بشناسد و فرمانش برد و شیطان را بشناسد و نافرمانیش کند، حق را بشناسد و پیرویش نماید و باطل را بشناسد و از آن پرهیز و دنیا را بشناسد و دورش افکند و آخرت را بشناسد و آن را بجوید.» (۳)

+++

۱۳- امام علی علیه السلام: لا یفوز بالجنه الا من حسنت سریره و خلصت نیته: (۴)

«به بهشت دست نیابد مگر کسی که باطنش نیکو و نیتش خالص باشد.»

۸+++

ص: ۳۹

۱- رک: تفسیر مجمع البیان ۱۰: کنز العمال، ح ۱۶۴۲۹؛ میزان الحکمه ج ۲ ص ۷۹۸.

۲- رک: تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۵؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۸.

۳- رک: میزان الحکمه، ج ۲ ص ۸۰۰ ح ۲۵۶۰.

۴- رک: غرر الحکم، ح ۱۰۸۶۸.

۱۴- امام علی علیه السلام: ان الله سبحانه يدخل بصدق النيه و السريره الصالحه من يشاء من عباده الجنة. (۱)

«خدای سبحان به سبب نیت درست و منش پاک (بندگانش) هر کس را خواهد به بهشت برد».

۱۵- امام علی علیه السلام: اربع من اتى بواحده منهن دخل الجنة: من سقى هامه ظمئه، اشبع كبد جائعه، او كسا جلده عاريه، او اعتق رقبه عانيه. (۲)

«چهار کار است که هر کس یکی از آنها را انجام دهد وارد بهشت شود: هر کس حیوان تشنه ای را آب دهد، یا شکم گرسنه ای را سیر کند، یا بدن برهنه ای را بپوشاند، یا انسان در بندی را آزاد کند».

+++

۱۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «به یزید بن اسید فرمود: ای یزید بن اسید! آیا بهشت را دوست داری؟ پس آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست مدار» (۳).

+++

۱۷- پیامبر در حالی که سوار بر شتر خود بود و قصد رفتن به یکی از جنگها را داشت، بادیه نشینی بیامد و رکاب شتر آن حضرت را گرفت و عرض کرد: ای رسول خدا! به من کاری بیاموز که با انجام دادن آن به بهشت روم؟ حضرت فرمود: هر کاری که دوست داری مردم در حقت بکنند تو با آن ها همان کن و هر کاری که دوست نداری نسبت به تو انجام دهند تو نیز با آن ها چنان مکن. حالا راه را بر شتر باز کن» (۴).

+++

ص: ۴۰

۱- رک: نهج البلاغه ، حکمت ۴۲.

۲- رک: المحاسن، ج ۱، صص ۲۹۴؛ بحار، ج ۷۱، ص ۳۶۰، ح ۱.

۳- رک: کنز العمال، ح ۴۳۱۴۷؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۸، ح ۲۵۵۲.

۴- رک: الزهد حسین بن سعید، ص ۲۱، ح ۴۵؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۸، ح ۲۵۵۰.

۱۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله: فاقصر من الامل، و اجعل الموت نصب علینک، واستح من الله حق الحیاء. (۱)

«به ابوذر فرمود» آیا دوست داری به بهشت روی؟ (ابوذر گوید) عرض کردم: آری، پدرم فدایت باد. فرمود: پس، آرزو کوتاه کن و مرگ رافراچشم خود دار و از خداوند چنان که شاید شرم دار».

+++

۱۹- امام باقر علیه السلام: «ده چیز است که هر کس با آن ها خدای عزوجل را دیدار کند به بهشت در آید: گواهی دادن به یگانگی خدا، گواهی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله، اقرار به آنچه خدا فرستاده است، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه رمضان، زیارت خانه خدا، دوستی با دوستان و بیزاری از دشمنان خدا و دوری کردن از هر مست کننده». (۲)

۲۰- از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر کس برای ده نفر از برادران اواد خود در شب جمعه دعا کند، خداوند بهشت را برای او واجب کند. (۳)

۲۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: در آسمان هفتم حضرت ابراهیم را دیدم و به من فرمود: ای احمد به امت خود بگو درختان بسیاری در بهشت کاشت کنند که تربت آن پاکیزه است و زمین بهشت واسع است. گفتم چگونه باید کاشت درخت نمود؟ گفت با گفتن لا- حول ولا- قوه الا بالله گفتن و عقیده داشتن و عمل کردن بدین کلمه توحید کاشت درختی است در بهشت که میوه شیرین دهد. (۴)

ص: ۴۱

۱- رک: امالی شیخ طوسی، ص ۵۳۴، ح ۱۱۶۲؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۹۸، ح ۲۵۴۹.

۲- رک: الخصال، ص ۴۳۲، ح ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹، ح ۳۹.

۳- مستدرک الوسائل ج ۶، ص ۱۱۳، ح ۹؛ شجره طوبی، ج ۱، ص ۱۱۶.

۴- بحار، ج ۸، ص ۱۴۹؛ ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۳۴.

در روایتی معتبر نیز امام صادق علیه السلام می فرمایند: پیامبر فرمودند: آن شب که به آسمان برده شدم داخل بهشت شدم، در آنجا فرشتگانی را دیدم که خشتی از طلا و خشتی از نقره بر هم می گذارند و گاه از کار دست می کشند. از آنان پرسیدم: چرا گاهی کار می کنید و گاهی از کار دست می کشید: گفتند: تا هزینه به ما برسد. پرسیدم هزینه شما چیست؟ گفتند: این سخن مومن در دنیا که: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر؛ پاک و منزه است خدا و تمام ستایش ها از آن اوست و خدایی جز الله نیست و خدا بزرگتر از آن است که وصف شود».^(۱)

جمع بندی:

از مجموع عواملی که ذکر گردید، می توان محور «ایمان اطاعت و تسلیم محض خداوند بودن»، را عامل اساسی ورود به بهشت دانست.^(۲) چراکه ایمان و اطاعت از خداوند متعال، یعنی ایمان و اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله،^(۳) و اطاعت از رسول نیز به معنای اجرت دستورات و اوامر ایشان می باشد. همان گونه که خداوند متعال در سوره آل عمران، آیه ۳۱ می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ».

ص: ۴۲

-
- ۱- دعاهای بسیار و نمازهای مستحبی زیادی که در روایات نام برده شده است که موجب ورود به بهشت الهی می شود که بخشی از آن را می توانید در کتاب دیگر نگارنده، «شنیدنی های شب جمعه» پیدا نمایید.
 - ۲- رک: بحار، ج ۹۳، ص ۱۶۹؛ درر الاخبار، ص ۹۸؛ ترجمه المیزان، ج ۱۳، ص ۳۶.
 - ۳- همانگونه که در رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: لن یدخل الجنة الا - نفس مسلمه ؛ وارد بهشت نمی شود مگر نفسی که در برابر خدا تسلیم باشد».

فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ؛ بگو اگر شما خداوند را دوست می دارید پس از من (پیامبر) پیروی کنید (که در این صورت) خداوند شما را دوست خواهد داشت».

ص: ۴۳

فصل سوم: چه کسانی وارد بهشت می شوند؟

بهشت بر چه کسانی حرام است؟

ص: ۴۵

بهشت بر چه کسانی حرام است؟ (۱)

همانگونه که اسباب و عواملی باعث ورود به بهشت الهی می شود، در مقابل عواملی نیز وجود دارد که باعث دخول در آتش شده و بهشت الهی بر آن حرام می گردد.

آن عوامل عبارتند از:

۱- شرک به خدا:

إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ. (۲)

«هرکس به خدا شرک می ورزد خداوند بهشت را بر او حرام گردانیده و جایگاهش آتش باشد».

۲- ظلم و ستم:

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَمَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَمَّا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلَاحِظَ الْجَمِيلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ؟
وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ. (۳) ۴۰

ص: ۴۶

۱- به خاطر اهمیت آن، در فصلی جداگانه ذکر گردید.

۲- سوره مائده، آیه ۷۲.

۳- سوره اعراف، آیه ۴۰

«درهای آسمان به روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آن ها سر بر تافته اند، گشوده نخواهد شد تا آن گاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد(= یعنی محال است)، و مجرمان را اینچنین کیفر می دهیم».

۳- ستم به اهل بیت علیهم السلام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: حرمت الجنه علی من ظلم اهل بیتی و قاتلتهم و لمعین علیهم و من سبهم، اولئک لا خلاق لهم فی الاخره و لا یکلمهم الله یوم القیامه و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم. (۱)

«بهشت حرام شده است بر کسی که ستم به اهل بیت من نماید، ایشان را به قتل رساند، یاری دهنده ستم بر ایشان باشد و بر کسی که ایشان را ناسزا گوید، اینان هیچ بهره ای در آخرت ندارند و خداوند با ایشان سخن نگوید و برایشان عذاب دردناکی فراهم است».

۴- سخن چینی

۵- می گساری

۶- بی غیرتی:

امام کاظم علیه السلام: حرمت الجنه علی ثلاثه: النمام، و مدمن الخمر، و الدیوث و هو الفاجر. (۲)

«بهشت بر سه کس حرام شده است: سخن چین، میگسار و مرد بی غیرت یعنی فاسق».

۶- منت گذاشتن (بر خدا)

۷- غیبت کردن:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: تحرم الجنه علی ثلاثه: علی المنان، و علی المغتاب، و علی مدمن الخمر. (۳)

«بهشت بر سه کس حرام است: منت گذارنده (بر خدا)، غیبت کننده و میگسار».

ص: ۴۷

۱- ر.ک: مسند زید بن علی، ص ۴۶۳؛ عیون الاخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۳۷، ح ۶۵.

۲- ر.ک: مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۹؛ ثواب الاعمال، ص ۲۷۰.

۳- ر.ک: الزهد، حسین بن سعید، ص ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۱، ح ۱۶۳۰۹.

۸- بخل (خسیسی):

رسول خدا صلی الله علیه و آله: يقول الله عزوجل : حرمت الجنه على المنان، و البخیل، و الققات. (۱)

«خدای عزوجل می فرماید: بهشت بر منت گذارنده (بر خدا) و بخیل و سخن چین حرام است».

۹- قطع صلہ رحم

۱۰- پیرمرد زناکار

۱۱- تکبر

۱۲- فتنه انگیزی

۱۳- سیر نشدن از دنیا:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنه یوجد من مسیره الف عام، ما یجدها عاق، و لا قاطع رحم، و لا شیخ زان، و لا جار ازاره خیلاء، و لا فتنان، و لا منان، و لا جعظری قال : قلت: فما الجعظری؟ قال: الذی لا یشبع من الدنیا. (۲)

«جبرئیل به من اطلاع داد که بوی بهشت از فاصله هزارسال به مشام می رسد ولیکن فرزند ناخلف و کسی که از خویشاوندان ببرد و پیرمرد زناکار و کسی که از روی تکبر دامن کشان راه رود و فتنه انگیز و منت گذارنده و جعظری ، بوی بهشت را استشمام نمی کنند. پرسیدم: جعظری کیست؟ فرمود: آنکه از دنیا سیر نمی شود».

۱۴- نپذیرفتن ولایت اهل بیت علیهم السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: لما اسرى بی الى السماء اوحى الی ربی جل جلاله : یا محمد! لو ان عبدا عبدنی حتی ینقطع و یصیر کالشن البابی ، ثم اتاتی جاحدا لولا یتهم ما اسکنته جنتی. (۳)ه.

ص: ۴۸

۱- ر.ک: من لا یحضر، ج ۴، ص ۱۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۴۳۲؛ الجواهر السنیه، ص ۱۴۲.

۲- ر.ک: معانی الاخبار، ص ۳۳۰؛ وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۳۴۷، ح ۲۰۷۰۳.

۳- ر.ک: عیون الاخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۵۸؛ معراج پیامبر(ص)، اثر نگارنده.

«آن شب که به آسمان برده شدم پروردگارم جل جلاله، به من وحی فرمود: ای محمد! اگر بنده ام مرا چنان عبادت کند که همچون مشک پوسیده گردد و سپس نزد من آید در حالی که ولایت ایشان (محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام) را نپذیرفته باشد او را به بهشت خود در نیاورم»^(۱).

۱۵- خیانتکاری و حيله گری:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ثلاثه لا یدخلون الجنة ابدا: الديوث، و الرجله من النساء، و مدمن الخمر.^(۲)

«سه کس اند که هرگز بهشت نمی روند: مرد بی غیرت، زن مرد نما و دائم الخمر»

۱۷- رد کردن فرمان الهی

۱۸- حق مومنی را نپرداختن:

امام صادق علیه السلام: ان الله تبارک و تعالی علی نفسه ان لا یسکن جنته اصنافا ثلاثه: راد علی الله عزوجل، او راد علی امام هدی، او من حبس حق امری مومن.^(۳)

«خدای تبارک و تعالی به خود سوگند یاد کرده که سه گروه را به بهشت خود جای ندهد: کسی که فرمان خدای عزوجل را رد کند، یا کسی که از فرمان امام هدایتگر سر بر تابد و یا کسی که حق مومنی را نپردازد».

۱۹- زورگویی ۵.

ص: ۴۹

۱- ر.ک: عیون الحکم و المواعظ ص ۵۴۰؛ مشکاه الانوار ص ۳۱۳؛ مسند احمد ج ۱ ص ۷.

۲- ر.ک: الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۲۵۹۰.

۳- ر.ک: الخصال، ص ۱۵۱، ح ۱۸۵؛ بحار، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۱۵.

۲۰- بدرفتاری: رسول خدا صلی الله علیه و آله: لا یدخل الجنة جبار و لا بخیل و لا سی الملكة. (۱)

«زورگو، بخیل و بدرفتار به بهشت نمی روند».

۲۱- خیانت سرپرستی ملت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: من استرعی رعیه فغشها حرم الله علیه الجنة. (۲)

«هرکس سرپرست ملتی شود و به آن ها خیانت و دغل ورزد خداون بهشت را بر او حرام گرداند».

۲۲- عاق والدین:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: لا یدخل الجنة عاق و لا مدمن خمر. (۳)

ص: ۵۰

۱- ر.ک: میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۲۵۹۴.

۲- ر.ک: تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۷؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۶، ح ۲۵۹۴.

۳- ر.ک: السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۴۹۱۵؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۰۳، المصنف ابن ابی شیبہ، ص ۵۱۰؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۱۱۲؛ کنز العمال، ۴۳۷۷۶

«فرزند ناخلف و آدم میگسار به بهشت نمی روند».

فصل چهارم: درهای هشتگانه بهشت

دروازه های بهشت:

ص: ۵۱

روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام در مورد درهای بهشت و توصیف آن نقل شده است که برای استفاده بهتر نخست چند روایت در مورد دروازه های بهشت نقل نموده و سپس نوشته های این درهای زیبا را مرور می نمائیم.

خداوند متعال در مورد این درها می فرماید: جنات عدن مفتحة لهم الابواب؛ بهشت های جاویدان که درهای آن به رویشان باز شده است»^(۱). در مورد چگونگی این ابواب از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

ان للجنة ثمانية ابواب: باب يدخل منه النبيون و صدیقون، و باب يدخل منه الشهداء و الصالحون و خمسة ابواب يدخل منه شیعتنا و محبونا... و باب يدخل منه سائر المسلمین ممن یشهد ان لا اله الا الله و لم یکن فی قلبه مقدار ذره من بغضنا اهل البيت.^(۲)

یعنی: «بهشت هشت باب (در) دارد: بابی که پیامبران و صدیقان از آن وارد می شوند، بابی که شهیدان و خالصان از آن داخل می شوند و ۵۸

ص: ۵۳

۱- سوره ص، آیه ۵۰

۲- ر.ک: الخصال، ج ۲، ص ۴۰۸؛ بحار، ج ۶۹، ص ۱۵۸

پنج باب دیگر که شیعیان و دوستان ما از آن وارد می شوند و یک باب دیگر که دیگر مسلمانانی که به یگانگی خدا گواهی دهند و در دلشان یک ذره دشمنی نسبت به ما خاندان نباشد از آن به بهشت می آیند».

در برخی روایات نیز برای برخی از ابواب نام هایی نقل شده است که روایت آن چنین می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ان فی الجنة بابا یدعی الریان لا یدخل منه الا الصائمون. (۱)

«بهشت را دروازه ای است به نام (ریان) «سیراب» که جز روز داران از آن وارد نشوند».

در جایی دیگر نیز فرمودند: ان للجنة بابا یقال له باب المعروف لا یدخله الا اهل المعروف. (۲)

«بهشت را دروازه ای است به نام «باب المعروف» (دروازه خوبی) که جز اهل خوبی از آن وارد نشوند».

بلال نیز گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: (بهشت را دروازه هایی است،) دروازه صبر دروازه کوچکی است که یک لنگه دارد و دری از یاقوت سرخ است و آن را حلقه ای نباشد. دروازه شکر از یاقوت سفید است و دو لنگه دارد که فاصله میان آن دو لنگه پانصد سال است و بانگ و آهی دارد.

و اما دروازه بلا (بلال گوید) عرض کردم: پس بلا چیست؟ فرمود: مصیبتها، دردها، بیماریها، این دروازه از یاقوت زرد است و یک لنگه دارد و چه کم اند کسانی که از این در وارد شوند. ۶.

ص: ۵۴

۱- ر.ک: معانی الاخبار، ص ۴۰۹؛ المقنعه، ص ۳۰۴، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۴.

۲- ر.ک: الزهد، ص ۳۲؛ قرب الاسناد، ص ۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۹۶.

و اما دروازه اعظم؛ از این دروازه ، بندگان صالح وارد بهشت می شوند. اینان افرادی پارسا و پاکدامن و خداخواهند و با او انس و الفت دارند.(۱)

نوشته های ابواب بهشت:

عبد الله بن مسعود از پیامبر روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چون مرا به آسمان بردند، جبرئیل به من گفت که من مامور شده ام که بهشت و جهنم را به شما نشان دهم و من بهشت و نعمت های آن و جهنم را با اقسام گوناگون عذاب آن دیدم. بهشت هشت درب داشت که بر روی هر دری چهار کلمه نوشته شده بود که هر کلمه آن از دنیا و آنچه در دنیاست، برای کسی که آنها را بداند و بدان عمل کند، بهتر است.

درب اول بهشت:

بر درب اول بهشت نوشته بود: لا اله الا الله ، محمد رسول الله، علی ولی الله، لكل شیء حيله و حيله العیش فی الدنيا اربع خصال : القناعه بذل الحق، و ترك الحقد، و مجالسه اهل الخیر؛

«خدایی جز الله نیست، محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و علی علیه السلام هم دوست مخصوص او؛ برای هر چیزی راهی است و راه زندگی خوش در دنیا به چهار خصلت می باشد

۱- قناعت: قانع باش به آنچه خداوند برای او مقدر کرده است و نگوید ای کاش مثل فلانی بیشتر داشتیم. به سخن امام صادق علیه السلام تکیه می نمائیم که در دعای ابو حمزه ثمالی فرمودند: «و رضنی من العیش ۶».

ص: ۵۵

۱- ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۵؛ بحار، ج ۸، ص ۱۱۶.

بما قسمت الی؛ خدایا راضی کن مرا از زندگی به آنچه تو برایم مقدر کرده ای، که: لن یصنبا الا ما کتب الله لنا؛ (۱) هیچ به ما نمی رسد مگر آنچه مقدر ما شده باشد.

۲- سخن به حق بگوید: دروغ و انکار و شهادت باطل بر زبانش جاری نشود.

۳- ترک حسد: که حسد، آرزو کردن زوال نعمت در دست دیگری است.

۴- همنشینی با اهل خیر و اولیاء الهی.

درب دوم بهشت:

بر درب دوم نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ لكل شیء حیل و حیل السرو فی الاخره اربع خصال: مسح رءوس الیتامی، التعطف علی الارامل، و السعی فی حوائج المومنین، و التفقد للفقراء و المساکین؛

«برای هر چیزی تدبیری است و تدبیر سرور و شادی در آخرت به چهار خصلت می باشد.»

۱- دست نوازش و مهربانی بر سر یتیمان بکشید.

۲- تعطف و مهربانی به زنان بی شوهر و بیوه و سعی در برآوردن حوائج آنها.

۳- تلاش برای برآوردن حوائج مومنین.

۴- دستگیری و رسیدگی به حال درماندگان و بیچارگان.

درب سوم بهشت: ۱.

ص: ۵۶

۱- سوره توبه، آیه ۵۱.

بر درب سوم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛ لكل شيء حيله و حيله الصبحه في الدنيا اربع خصال: قله الكلام و قله المنام و قله المشى و قله الطعام؛

«برای هر چیزی چاره ایست و چاره سالم ماندن در دنیا به چهار خصلت می باشد:

۱- کم سخن بگوئید.

کم گوی و گزیده گوی چون در تاز اندک تو جهان شود پر

۲- کم بخوابد. آنقدر نخوابد که بدنش فاسد و قلبش قساوت پیدا کند.

۳- کم راه برود. اول راه خود را انتخاب کند و بعد با اعتدال برود.

۴- کم غذا بخورد.

درب چهارم بهشت:

بر درب چهارم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛ من كان يومن بالله و اليوم الاخر فليكرم ضيفه، من كان يومن بالله و اليوم الاخر فليكرم جاره، من كان يومن بالله و اليوم الاخره فليكرم والديه، من كان يومن بالله و اليوم الاخره فليقل خيرا و يسكت؛

«هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید مهمان را اکرام کند، هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد باید احترام به پدر و مادر بگذارد و با آنان مهربانی نماید، هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد یا سخن خیر بگوید (سخنی که خیر دنیا و آخرت را داشته باشد) یا اینکه ساکت باشد که خاموشی بهتر از سخن خیر نگفتن است.

ص: ۵۷

درب پنجم بهشت:

بر درب پنجم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛ من اراد ان لا يظلم، و من اراد ان لا يشتم فلا يشتم، و من اراد ان لا يذل فلا يذل، و من اراد ان يستمسك بالعروة الوثقى في الدنيا و الاخره فليقل: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛

هرکس می خواهد به او ظلم و ستم نشود، به کسی ظلم و ستم نکند؛ هرکس می خواهد به او دشنام ندهند، به کسی دشنام ندهد، هرکس می خواهد که ذلیل و خوار نشود، کسی را ذلیل و خوار نکند؛ هرکس می خواهد به دستگیره محکم الهی در دنیا و آخرت چنگ زند باید مرتب بگوید: «لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله».

درب ششم بهشت:

بر درب ششم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛ من اراد ان يكون قبر وسيعا فسيحا فليبن المساجد، و من اراد ان لا تاكله الديدان تحت الارض فليسكن المساجد، و من احب ان يكون طريامطرا لا يبلى فليكنس المساجد، و من احب ان يرى موضعه في الجنة فليكنس المساجد بالبسط؛

«هرکس می خواهد قبرش وسیع و جادار باد، مسجد بسازد. هرکس می خواهد حیوانات زیر زمین مانند کرم، عقرب، مار... بدن او را نخورند پس در مساجد سکنی گزیند و مرتب به مسجد برود. هرکس می خواهد که بدنش در قبر تازه باشد و پوسیده و فاسد نشود، مساجد را بپوشاند (حال یا بافرش، یا بالامپی چراغ مسجد را آماده کند یا با موارد دیگر). هرکس می خواهد که جایگاه

ص: ۵۸

خودش را در بهشت ببیند، سعی در توسعه مسجد نماید تا نماز در آن هرچه با شکوه تر برگزار شود.

درب هفتم بهشت:

بر درب هفتم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ بیاض القلب فی اربع خصال: عیاده المریض و اتباع الجنائز و شراء الاكفان و رد القراض؛

«روشن شدن قلب به نور ایمان در چهار خصلت می باشد:

۱- به عیادت مریض برود، و حالی از آنها جويا شود.

۲- به تشییع جنازه برود و آنها را همراهی کند.

۳- کفن بخرد و به مرده ها بپوشاند.

۴- پرداخت بدهکاری

درب هشتم بهشت:

بر درب هشتم بهشت نوشته شده بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله؛ من اراد الدخول من هذه الابواب فليتمسك باربع خصال: السخاء و حسن الخلق و الصدقه و الكف عن اذى عباد الله تعالى؛^(۱)

«هرکس می خواهد از هشت درب بهشت وارد شود باید به چهار خصلت چنگ زند:

۱- سخاوت و جوانمردی: خود بدون سوال بدهد.

۲- خوش اخلاق باشد: با خانواده، دوستان و...۲.

ص: ۵۹

۱- ر.ک: بحار، ج ۸، ص ۱۴۴؛ الفضائل، ص ۱۵۲.

۳- صدقه دادن: اعم از واجب مثل خمس و زکات ، یا مستحبی.

۴- اینکه بندگان خدا را اذیت نکند. حال این اذیت می تواند با گفتار باشد، رفتار ناشایست، یا با نوشتن و موارد دیگری که بویی از ستم در آن باشد».

ص: ۶۰

فصل پنجم: طبقات و درجات بهشت

درجات بهشت

ص: ۶۱

صریح آنچه در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام آمده است، بهشت دارای درجاتی است که مقام و مرتبه گوناگون و منازلی متفاوت را دارا می باشد.

قرآن کریم در سوره طه آیه ۷۵ می فرماید «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ؛ و آنان که با ایمان نزد او آیند و کارهای شایسته کنند، درجاتی بلند دارند».

و نیز در سوره اسراء، آیه ۲۱ می فرماید: «انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَآخِرَهُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ، بنگر چگونه بعضیشان را بر بعضی دیگر برتری نهاده ایم و در آخرت درجات و برتریها، برتر و بالاتر است».

روایات

از رسول خدا روایت شده است که فرمودند:

ص: ۶۳

«در بهشت درجه روی درجه است چنان که میان آسمان و زمین! بنده ای است که چن نگاهش را به بالا می اندازد، نوری خیره کننده بر او می درخشد چندان که نزدیک است دیدگانش را کور کند، شادمان می شود و می پرسد: ای چیست؟ گفته می شود: این نور برادر مومن توست. می گوید: او برادر من فلانی است، ما در دنیا پا به پای هم کار می کردیم و اینک اینچنین بر من برتری یافته است. به او گفته می شود: او از تو در عمل برتر بود» (۱).

و نیز فرمودند: «خداوند گروهی را وارد بهشت می کند و به آن ها چندان عطا می فرماید که آرزوهایشان برآورده می شود. بالاتر از آن ها گروهی دیگر در درجات عالی به سر می برند. چون اینان را ببینند بشناسند و بگویند: پروردگارا! اینان برادران ما هستند و در دنیا با هم بودیم؛ پس، به چه سبب آن ها را بر ما برتری دادی؟ جواب می آید که: هیئات! زمانی که شما سیر بودید آنان گرسنه بودند، زمانی که شما سیراب بودید آنان تشنه بودند، زمانی که شما می خوابیدید آنها (به عبادت) بیدار بودند و آن گاه که شما زندگی خوش و آسوده ای داشتید آنان در سختی و ناراحتی به سر می بردند» (۲).

در روایت از امام سجاد علیه السلام نیز می خوانیم: علیک بالقرآن فان الله خلق الجنه بیده لینه من ذهب و لینه من فضه جعل ملاطها المسک و القرآن فمن قرا القرآن قال له اقرا و ارق و من دخل منهم الجنه لم یکن فی الجنه اعلی درجه منه ما خلا النبیون و الصدیقون؛

«بر تو باد به قرآن، زیرا خداوند بهشت را با قدرت خود آفرید که خشتی از آن طلا و خشتی از نقره می باشد، دیوار آن مشک و ن.

ص: ۶۴

۱- ر.ک: امالی شیخ طوسی، ص ۵۲۹، ح ۱۱۶۲؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۰۸، ح ۲۶۰۲.

۲- همان.

خاکش زعفران و سنگریزه هایش لولو و خداوند درجات آن را به اندازه آیات قرآن قرار داد. پس هر که قرآن بخواند، قرآن به او گوید: بخوان و بالا- رو. هر کس از این افراد وارد بهشت شود در آنجا بلند مرتبه تر از او نخواهد بود مگر پیامبران و صدیقان»^(۱).

امام صادق علیه السلام نیز در نهج البلاغه، در وصف بهشت می فرماید: «بهشت دارای درجاتی است یکی بالای دیگری»^(۲).
امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه، در وصف بهشت می فرماید: «بهشت دارای درجاتی است که یکی از بر دیگری برتری دارد و دارای منازلی است که با هم تفاوت دارند»^(۳).

پیغمبر فرمود: بدانید که خدای تعالی بهشت را از نور آفریده است و هشت بهشت است. هریک بالای دیگری قرار دارد و بهشت امروز در آسمان است و از همه برتر فردوس اعلی است و هریک نامی دارد و هریک از گوهری آفریده شده است:

بهشت اول: دار السلام، از یاقوت سرخ خلق شده.

بهشت دوم: دارالقرار

بهشت سوم: دارالخلد

بهشت چهارم: جنت الماوی

بهشت پنجم: جنات عدن، از زبرجد خلق شده.

بهشت ششم: جنات نعیم، از زمرد آفریده شده.

بهشت هفتم: جنات

بهشت هشتم: فردوس، که از نور آفریده شده. ۵.

ص: ۶۵

۱- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۶۰۶؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۹؛ بحار، ج ۸۹، ص ۱۹۸.

۲- ر.ک: الزهد، ص ۹۹ ح ۷۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۳۸۸ ح ۱۴۷؛ بحار، ج ۸، ص ۱۹۸ ح ۱۹۵.

۳- ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۸۵.

درهای بهشت هریک به فاصله شرق و غرب عالم اس و بر هر دری نوشته است: «انا لا اعذبه من قال لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله؛ من عذاب نمی کنم کسی که بگوید: لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله». (۱)

پائین ترین منازل بهشت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کمترین فرد بهشت چنان است که اگر جن و انس مهمان او شوند همه را از خوراک و آشامیدنی پذیرایی کند و از آنچه دارد کم نشود». (۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: در پائین ترین منزل بهشت فردی است که هزارسال به قلمرو پادشاهی خود می نگرد و دورترین نقطه آن را می بیند و همسران و خدمتگزاران و اورنگ های خویش را مشاهده می کند. (۳)

و در روایتی دیگر فرمودند: «حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال پرسید: پروردگارا! کمترین فرد بهشت کیست؟ فرمود: هو رجل یجیء بعد ما یدخل اهل الجنة الجنة؛ مردیکه بعد از همه بهشتیان وارد بهشت شود». (۴)

درجات ویژه در بهشت

افراد صالح هرچند وارد بهشت الهی می شوند، ولی افرادی هستند که با ویژگی های خاصی که دارند، درجاتی نمونه را در بهشت دارا می شوند. ۱.

ص: ۶۶

۱- معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص ۱۰۸

۲- ر.ک: بحار، ج ۸، ح ۱۱، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۲، ح ۲۶۲۰.

۳- ر.ک: کنز العمال، ح ۳۹۲۸۱؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۲، ح ۲۶۱۹.

۴- ر.ک: همان، ح ۳۹۴۲۳ و ح ۲۶۲۱.

با هم نگاهی به این روایات می اندازیم:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خدای تعالی در بهشت ستونی از یاقوت سرخ آفریده است که روی آن هفتاد هزار قصر است و هر قصری هفتاد هزار اتاق دارد. خداوند این قصرها را برای کسانی آفریده است که به خاطر او یکدیگر را دوست بدارند و دید و بازدید کنند»^(۱).

و نیز فرمودند: «در بهشت قصری است که وارد آن نشود مگر کسی که ماه رجب را بسیار روزه بدارد»^(۲).

و نیز فرمودند: «در بهشت درجه و مقامی است که به آن دست نیابد مگر پیشوای عادل یا خویشاوندی که زیاد صله رحم به جا آورد و یا عیالوار صبور»^(۲).

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمودند: «در بهشت اتاق هایی است که بیرون آن از داخل دیده می شود و درون آن از بیرون. در این اتاق ها آن کس از امت من سکنی خواهد گزید که سخن نیکو بگوید، اطعام کند، به همسایگان سلام گوید، بر روزه مدامت کند و شب هنگام که مردم در خوابند نماز بگزارد»^(۳).

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است که: «خدای عزوجل بهشتی دارد که سه کس وارد آن نشوند: مردی که درباره خود به حق داوری کند، مردیکه به خاطر خدا به دیدن برادر مومن خود رود و مردی که برای خدا برادر مومن خود را بر خویشتن ترجیح دهد»^(۴).

ص: ۶۷

- ۱- ر.ک: کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۳؛ روضه الواعظین، ص ۴۱۷؛ بحار، ج ۸، ص ۱۳۲، ح ۳۵. همان ۲۰.
- ۲- ر.ک: الخصال، ص ۹۳، ح ۹۳؛ کنز العمال، ح ۴۳۳۱۴؛ بحار، ج ۷۱، ص ۹۰، ح ۹.
- ۳- ر.ک: معانی الاخبار، ص ۲۵۱، ح ۱؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۰، ح ۲۶۱۲.
- ۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۱.

فصل ششم: نعمت های بهشتی

عظمت نعمتهای بهشت:

ص: ۶۸

باتوجه به آیات و روایات فراوانی که در مورد بهشت بیان شده است، باید به حقیقت اعتراف نمود که: نعمت های بهشتی چیزی نیست که بتوان آن را در ذهن گنجاند و تصویری واقعی از آن درست کرد. چرا که آن، موهبتی بزرگ از رحمت بی انتهای الهی می باشد که خداوند بزرگ برای بندگان صالح خود مهیا نموده است. در قرآن کریم آمده است:

(فَلَا تَغْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)

«هیچکس نمی داند که پاداش نیکو کاریش چه نعمت و لذتهای بی نهایت که روشنی بخش دیده است درعالم غیب بر او ذخیره شده.»

و رسول گرامی صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: ۷.

ص: ۷۰

ان الله يقول: اَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ؛ (۱) خدای تعالی فرموده است: برای بندگان صالح خود چیزهایی مهیا کرده ام که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و به ذهن هیچ بشری هم خطور نکرده است».

نعمت های بهشتی در بیان نمی گنجد:

تعبیرات زیبایی که در قرآن کریم در توصیف بهشت آمده است، حکایت از نعمت هایی دارد که تصور آن برای جهان امروزی ما قابل تصور نیست. ما نمی دانیم در آیه لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ (۲) چه مفاهیمی گنجانده شده است؟ مومنان چه چیزی می خواهند و در جوار قرب حضرت حق چه الطافی یافت می شود؟ چرا خداوند متعال در مورد نعمت های بهشتی، تعبیر به ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳) می کند، که این نشان از عظمتی است که هر چه هم فکر کنیم از آن بالاتر است.

ویژگی های نعمتهای بهشتی:

یکی از شاخصه های مهم نعمت های بهشتی، دوام و همیشگی آن است. در دنیا باغ هایی که آب دائم ندارند و باید از خارج آب برای آن ها بیاورند، طراوت زیادی ندارند. طراوت را از آن باغی می دانیم که همیشه آب در اختیار داشته باشد، و نیز هرگز قطع نشود، هیچگونه خشکسالی و کمبود آبی آن را تهدید نکند. در مورد دیگر نعمتهای بهشتی نیز همین گونه است که جاودانی و خرمی در آن».

ص: ۷۱

۱- ر.ک: عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۱؛ بحار، ج ۸، ص ۹۲؛ ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷.

۲- سوره شوری، آیه ۲۲: «هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آن ها فراهم است».

۳- سوره شورا، آیه ۲۲: «این است فضل بزرگ».

وجود دارد و هیچگونه سخنی در به دست آوردن آن نیز وجود ندارد.

نعمتهای مادی و معنوی در بهشت:

گرچه در بسیاری از آیات قرآن سخن از نعمت های مادی بهشت است: باغ هایی که نهر های آب جاری زیر آن در حرکت است، قصرها، همسران پاکیزه، میوه های رنگارنگ، یاران هم رنگ و مانند آن.

ولی در کنار این نعمت ها اشاره به نعمت های معنوی مهمتری نیز شده است که ارزیابی عظمت آن ها با مقیاس های ما امکان پذیر نیست، به عنوان مثال در آیه ۷۲ توبه می خوانیم: وَعِدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده که از زیر درختانش نهر ها جاری است، جاودانه در آن خواهند بود، و مسکن های پاکیزه در این بهشت جاویدان دارند، همچنین خشنودی پروردگار که از همه بالاتر است و این است رستگاری بزرگ»

و در آیه ۸ سوره «بینه» بعد از ذکر نعمت های مادی بهشت می خوانیم:

«خداوند از آنها خشنود است و آنها نیز از خداوند خشنودند»

و به راستی اگر کسی به آن مقام برسد که احساس کند خدا از او راضی است و او هم از خدا راضی، همه لذات دیگر را از یاد خواهد برد، تنها به او دل می بندد و به غیر او نمی اندیشد، و این لذتی است روحانی که با هیچ زبان و بیانی قابل توصیف نیست.

کوتاه سخن این که چون معاد هم جنبه «روحانی» دارد و هم «جسمانی» نعمت های بهشتی نیز هر دو جنبه را دارند، تا جامعیت آن ها حاصل شود، و هر کس به اندازه استعداد و شایستگیش بتواند از آن بهره بگیرد. (۱) ۴۳

ص: ۷۳

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۳

(۲) نعمتهای بهشتی

همانگونه که در صفحات پیشین اشاره کردیم، در بهشت هم نعمت های مادی وجود دارد و هم نعمتهای معنوی، چرا که معاد هم جنبه روحانی دارد و هم جنبه جسمانی. در این فصل - به فضل الهی - به نعمت های بهشتی در دو بخش مادی و معنوی اشاره می شود، امید آن که مورد استفاده عموم قرار گیرد.

الف: نعمت های مادی

۱- غرفه بهشتی

اشاره

خداوند متعال در سوره عنکبوت آیه ۵۸ می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَبِئْسَ لَهُمْ مَنَ الْجَنَّةُ غُرَفًا (۱) تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، آنها را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها از زیر آن جاری است».

ص: ۷۵

۱- «غرف» جمع «غرفه» به معنی حجره هایی است که در طبقه بالا قرار گرفته که هم نور بیشتر دارد و هم هوای بهتر، و هم از آفات به دور است، به همین دلیل این تعبیر در مورد برترین منازل بهشت به کار رفته است. (نک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۱۰)

امتیاز این قصرها آن است که درختان بهشتی از هر سو احاطه اش کرده، و نهرهای گوناگون که طبق آیات قرآن هر کدام طعم و منظره ای مخصوص به خود دارند از لابلای آن درختان، وزیر این قصرها در جریان است.

امتیاز دیگر غرفه های بهشتی این است که همچون منازل و قصرهای این جهان نیست که هنوز انسان دمی در آن نیاسوده است بانگ «الرحیل» زده می شود، بلکه آن ها جاودانه در آن خواهند ماند. (خَالِدِينَ فِيهَا). (۱)

و در پایان آیه اضافه می کند: «چه خوب است پاداش آن ها که برای خدا عمل می کنند» (عَمَّ أَجْرُ الْعَامِلِينَ)

تعبیر زیبایی که در قرآن کریم به همراه این قصرها در مورد بهشتیان بیان می کند این است که می فرماید: «وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ» (۲)؛ و در غرفه های بهشتی در نهایت امنیت به سر می برند.

تعبیر به آمنون (کسانی که در امنیت به سر می برند) در مورد بهشتیان تعبیر بسیار جامعی است که آرامش جسم و روح آن ها را از هر نظر منعکس می کند، چرا که نه ترس فنا و زوال و مرگ دارند، و نه ترس هجوم دشمن، و نه بیماری و آفت و اندوه، و نه حتی ترس از ترس! و نعمتی برتر از این نیست که انسان از هر نظر در امنیت به سر برد، همانگونه که بلائی بدتر از ناامنی در جنبه های مختلف زندگی وجود ندارد. (۳)

ص: ۷۵

۱- ر.ك: تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۳۰.

۲- سوره سبأ، آیه ۳۷.

۳- ر.ك: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۱۰.

در روایات فراوانی نیز سخن از قصرهای زیبای بهشتی گفته شده است، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «خدای تعالی در بهشت ستونی از یاقوت سرخ آفریده است که روی آن هفتاد هزار قصر است و هر قصری هفتاد هزار اتاق دارد. خداوند این قصرها را برای کسانی آفریده است که به خاطر او یکدیگر را دوست بدارند و دید و بازدید کنند» (۱).

و در روایتی دیگر فرمودند: «ان فی الجنة لغرفا یری ظهورها من بطونها من ظهورها؛ در بهشت غرفه هایی است آنقدر شفاف که بیرونش از درون، و درونش از بیرون دیده می شود». کسی برخاست و عرض کرد: این غرفه ها از آن کیست ای رسول خدا! فرمود: «هی لمن اطاب الکلام و اطعم الطعام و ادام الصیام و صلی باللیل و الناس نیام؛ این ها برای کسی که است که سخن خود را پاکیزه کند، گرسنگان را سیر نماید، و روزه بسیار بگیرد و در دل شب، هنگامی که مردم در خوابند، برای خدا نماز بخواند» (۲).

و نیز فرمودند: «قصرهای بهشت خشتی از نقره و خشتی از طلا است و گل آن مشک اذفر است (پر بو، یعنی بوی خوشش شدید است) و سنگ ریزه آن لولو و یاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته متنعّم و از بدبختی بر کنار و جاودان بوده و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و جوانیشان پایان نپذیرد» (۳) ۱.

ص: ۷۶

-
- ۱- ر.ک: بحار، ج ۸، ص ۱۳۲؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۰ ح ۲۶۰۷.
 - ۲- ر.ک: معانی الاخبار، ص ۲۵۱، ح ۱؛ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۳۰.
 - ۳- ر.ک: الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳۶۵۰؛ کنز العمال، ح ۳۹۲۲۵؛ نهج الفصاحه، ص ۱۰۱.

و فرمودند: إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ لَيَتَرَاوْنَ أَهْلَ الْعَرْفِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا تَرَاوْنَ الْكَوَاكِبَ فِي السَّمَاءِ.

«اهل بهشت صاحبان غرفه های بالادر بهشت را چنان می بینند که شما ستارگان را می بینید».(۱)

سرخی قصر امام حسین علیه السلام:

در روایت است که چون امام حسن علیه السلام مشرف بر موت گردید و زهر در بدنش سرایت نمود و رنگش سبز شد امام حسین علیه السلام عرض کرد: برادر چه می شود رنگ تو را که چنین سبز شده؟ حضرت گریست و فرمود: ای برادر حدیث جدم در حق من و تو درست است. پس او رادر بغل گرفت و هردو گریستند، آنگاه سوال کرد که چه بوده است حدیث جدمان؟

فرمود: خبر داد مرا که چون شب معراج داخل بهشت شدم دیدم دو قصر بسیار بلند نزدیک هم به یک شکل واقعند، ولی یکی از زبرجد سبز و دیگری از یاقوت سرخ است. از جبرئیل سوال کردم که اینها از کیست؟ گفت: یکی از حسن علیه السلام و دیگری از حسین علیه السلام. گفتم: چرا هر دو به یک رنگ نیست؟ جبرئیل ساکت شد، گفتم: چرا تکلم نمی کنی؟ گفت: از تو حیا می کنم، پس گفتم تو را به حق قسم می دهم بگو.

گفت: اما سبزی قصر حسن علیه السلام به آن سبب است که او را با زهر شهید می کنند. و رنگش سبز می شود، و اما سرخی قصر حسین علیه السلام به آن سبب است که او را می کشند و رنگش از خون سرخ می شود.۲.

ص: ۷۸

۱- ر.ک: صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۰۱؛ کنز العمال، ج ۳۹۳۲۲.

پس پیغمبر و جبرئیل هر دو گریستند و صدای صیحه و شیون از حاضرین بلند شد. (۱)

قصرهای شیعیان حضرت علی علیه السلام:

از وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که فرمودند: از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که به آسمان ها برده شدم وارد بهشت شدم و در آنجا قصری دیدم که از درّ سفید پوشانده شده بود و دری داشت که به درّ و یاقوت زینت داده شده بود که پرده ای هم بر روی این در نصب شده بود.

پس سرم را بلند کرده و دیدم که بر روی در چنین نوشته است «لا اله الا الله محمد رسول الله عای ولی الله؛ هیچ خدایی جز الله نیست، محمد فرستاده خداست، علی دوست صمیمی خداست».

و بر روی پرده آن هم نوشته بود: «بخ بخ مثل شیعه علی علیه السلام؛ خوشا به حال مثل شیعه حضرت علی علیه السلام».

پس وارد قصر شدم قصری دیگر که از عقیق قرمز پوشانده شده بود و دری از نقره داشت که با زبرجد سبز زینت کاری شده بود، که پرده ای هم روی این در نصب شده بود. و سرم را بلند کرده دیدم بر روی در نوشته است: «محمد رسول الله، علی وصی المصطفی؛ محمد فرستاده خداست و علی علیه السلام جانشین پیامبر».

و بر روی پرده آن نوشته شده بود: «بشر شیعه علی علیه السلام بطیب المولد؛ بشارت دهید شیعه علی علیه السلام را به پامی نسل».

پس وارد قصر شدم. و در مقابل خود قصری دیگر دیدم که از زمرد سبز بود که زیباتر از آن را هرگز ندیده بودم و این قصر، دری ۰.

ص: ۷۸

۱- ر.ک: بحار، ج ۴۴، ص ۱۴۵؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص ۱۰۰.

از یاقوت قرمز داشت که با لولو زینت داده شده بود و بر روی آن هم پرده ای نصب شده بود. پس سرم را بلند کرده، دیدم که بر روی در نوشته است: «شیعه علی علیه السلام هم الفائزون؛ فقط شیعیان حضرت علی علیه السلام رستگارند».

پس جبرئیل گفت: ای محمد! این قصرها برای پسر عمو و وصی تو علی ابن ابیطالب علیه السلام می باشد. مردم روز قیامت محشور می شوند در حالی که پا برهنه و عریان هستند، مگر شیعه حضرت علی علیه السلام، و در روز قیامت همه مردم به اسمهای مادرانشان خوانده می شوند بجز شیعه حضرت علی علیه السلام که اینها به اسم پدرانیشان خوانده می شوند.

پس گفتم: دوست من جبرئیل، علت آن چیست؟ فرمود: چون شیعیان، حضرت علی علیه السلام را دوست می دارند پس طینت و نسل آنها پاک است. (۱)

توصیف دیگری از قصرهای شیعیان

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: شبی که به آسمان ها برده شدم قصرهایی از یاقوت قرمز و زبرجد سبز و در و مرجان و عقیق دیدم که مواد و مصالح این قصرها از مشک خوشبو و خاکش از زعفران بود.

درختانی از میوه و خرما و انار و حور العین و زن هایی درنهایت غیات زیبایی و نهلهایی از شیر و نهلهایی از عسل که بر روی گوهر و در ۶.

ص: ۷۹

۱- ر.ک: بحار، ج ۶۵، ص ۷۶؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۱۱۴؛ العقلیه و الفواطم، ص ۱۹۶.

جاری بود، در این قصرها بود. در کنار این نهرها خانه های گنبدی شکل و غرفه ها، خیمه ها و خادمان و غلامان و فرش هایی از استبرق (ابریشم ضخیم براق) و سندس (ابریشم نازک) و حریر بود که پرندگان زیادی هم در آنجا بودند.

پس گفتم: دوست من، جبرئیل، این قصرها از آن کیست و شان آنها چگونه است؟

جبرئیل گفت: این قصرها و همه آنچه در آن وجود دارد و دیدی و بیشتر از آن را خداوند عزوجل برای شیعیان برادر و جانشین تو علی ابن ابیطالب آماده کرده است. (۱) ۲.

ص: ۸۰

۱- ر.ک: دلائل الامامه، ص ۲۵۴؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص ۲۲۲.

از جمله نعمت های بهشتی که قرآن کریم فراوان آن را بیان می کند، وجود همسران بهشتی است. همسرانی پاکیزه که فقط چشم به شوهرانشان دوخته اند و فقط به آن ها عشق می ورزند و به غیر آنان نمی اندیشند، همگی جوان و با شوهران خود هم سن و سالند.

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ، (۱) آری اینچنینند بهشتیان، و حور العین را به همسر آنها در می آوریم.

«حور» جمع «حوراء» و «احور» به کسی می گویند که سیاهی چشم او کامل مشکمی و سفیدی آن کاملاً شفاف است. و «عین» جمع «اعین» و «عیناء» به معنی درشت چشم است. (۲)

از آنجا که زیبایی انسان بیش از همه در چشمان اوست، در این آیه چشمان زیبای حور العین را توصیف می کند.

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ؛ (۳) ۶.

ص: ۸۱

۱- سوره دخان، آیه ۵۴.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۱۱.

۳- سوره الرحمن، آیه ۵۶.

در باغ های بهشتی زنانی هستند که جز به همسرانشان عشق نمی ورزند و هیچ جن و انس قبلا با آن ها تماس نگرفته است.

«طرف» به معنی پلک چشم ها است، و از آنجا که به هنگام نگاه کردن پلک ها به حرکت در می آید کنایه از نگاه کردن است، بنابراین تعبیر به «قاصرات الطرف» در آیه اشاره به زنانی است که نگاهی کوتاه دارند، یعنی فقط به همسرانشان عشق می ورزند، و این یکی از بزرگترین امتیازات همسر است که جز به همسرش نیندیشد و به غیر او علاقه مند نباشد. (۱)

از «ابوذر» نقل شده است که «همسر بهشتی به شوهرش می گوید: سوگند به عزت پروردگارم که در بهشت چیزی را بهتر از تو نمی یابم، سپاس مخصوص خداوندی است که مرا همسر تو، و تو را همسر من قرار داد». (۲)

در تفسیر قمی، علی بن ابراهیم از امام نقل کرده که فرمود: «حور العین آنقدر نورش روشن است که چشم را می زند، و نمی شود به او خیره شد». (۳)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۴)؛ آن ها همچون یاقوت و مرجانند. همسرانی به سرخی و صفا و درخشندگی «یاقوت» و به سفیدی و زیبایی شاخه «مرجان» که هنگامی که این دو رنگ (یعنی سفید و سرخ شفاف) به هم آمیزند رنگ ها را به آن ها می دهند. ۸.

ص: ۸۲

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۶۹.

۲- همان.

۳- ر.ک: تفسیر قمی ج ۲، ص

۴- سوره الرحمن، آیه ۵۸.

در تفسیر مجمع البیان، در ذیل این آیه روایت می‌کند که زنان بهشتی آنقدر لطیفند که مغز استخوان ساقشان دیده می‌شود هر چند که هفتاد جامه از حریر بپوشند. (۱)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ؛ (۲) در آن باغ‌های بهشتی زنانی هستند نیکو خلق و زیبا.

زنانی که جمع میان «حسن سیرت» و «حسن صورت» کرده‌اند؛ چرا که «خیر» غالباً در مورد صفات نیک و جمال معنوی به کار می‌رود و «حسن» غالباً در زیبایی و جمال ظاهر.

در روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده صفات نیک بسیاری برای همسران بهشتی شمرده شده که می‌تواند اشاره‌ای به صفات عالی زنان دنیا نیز باشد، و الگویی برای همه زنان محسوب شود، از جمله خوش زبان بودن، نظافت و پاکیزگی، آزار نرسانیدن، نظری به بیگانگان نداشتن و مانند آن.

خلاصه اینکه تمام صفات کمال و جمالی که در یک همسر مطلوب است، در آنها جمع است، و آنچه خوبان همه دارند آن‌ها تنها دارند، و به همین دلیل به عنوان «خیرات حسان» تعبیر کرده است. (۳)

از آیات قرآن استفاده می‌شود، (۴) زنان و مردانی که در این دنیا همسر یکدیگرند هر اه با دو ایمان و بهشتی باشند در آنجا به هم می‌

ص: ۸۳

۱- نک: تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه و تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۲۶.

۲- سوره الرحمن، آیه ۷۰.

۳- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۸۲.

۴- مانند آیه ۲۳، رعد: جَنَاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ «باغ‌های جاویدان بهشت که وارد آن می

ملحق می شوند، و با هم در بهترین شرایط و حالات زندگی می کنند. و حتی از روایات استفاده می شود که مقام این زنان برتر از حوریان بهشت است به خاطر عبادات و اعمال صالحی که در این جهان انجام داده اند.

در روضه کافی به سند خود از حلبی روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام معنای این کلام خدای عزوجل را پرسیدم که می فرماید «فیهن خیرات الانسان» فرمود: منظور از آن بانوان صالحه و با ایمان و معرفت است. (۱)

شیخ صدوق در کتاب «الفقیه» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: خیرات حسان از جنس زنان دنیابند، که از حور العین هم زیباترند (۲)

و آیات فراوان دیگری در وصف همسران بهستی نازل شده است و جهت اختصار از ذکر آن ها خود داری نموده و به ذکر روایاتی در وصف همسران بهستی بسنده می نمایم.

از رسول خدا صلی الله علیه و روایت شده است که فرمود «لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَشْرَقَتْ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَمَلَأَتِ الْأَرْضَ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، وَلَأَذْهَبَتْ ضَوْءُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛ (۳)» اگر زنی از زنان بهشت بر زمین ۲.

ص: ۸۴

۱- ر.ک: الکافی، ج ۸، ص ۱۵۶، ح ۱۴۷؛ بحار، ج ۸، ص ۱۶۱، ح ۱۰۰.

۲- به نقل از تفسیر المیزان، ج ۱۹، ح ۲۲۷.

۳- نک: مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۴۱۷؛ مسند الشامین، ج ۱، ص ۳۹۲.

نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید و ماه را ببرد.»

و نیز روایت شده که فرمودند: *ان في الجنة لسوفاً ما فيها شراء ولا بيع الا الصور الرجال فاذا انتهى الرجل صورة دخل فيها؛* (۱) در بهشت بازاری هست که چیزی برای خرید و فروش نیست جز تصویر مردان و زنان و وقتی کسی تصویری را ببیند، (تصویر) خود آن شود.»

عمران بن حصین گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد این آیه «*ومساکن طیبه*» (۲) پرسیدم فرمود:

«همانا در بهشت قصری از لولو است که در آن قصر، هفتاد خانه از یاقوت قرمز است و در آن خانه هفتاد اتاق از زمرد قرمز، و در هر اتاقی هفتاد تخت زیبا و بر هر تختی فرش هایی با رنگ های متفاوت که بر هر تختی زنی از حور العین نشسته است. و در هر اتاقی هفتاد نوع طعام است که هفتاد نوع طعم دارد. پس خداوند مومن را آنقدر قوت می دهد که بر همه این ها چیره آید» (۳)

ابن عباس می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شبی که مرا به معراج بردند داخل بهشت شدم و در آنجا ناگهان نوری دیدم که به صورتم برخورد کرد. به جبرئیل گفتم: این نوری که دیدم چیست؟ ۵۷؟

ص: ۸۵

۱- نک: بحار، ج ۸، ص ۱۴۸، ح ۷۶؛ شجره طوبی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ و نیز نک: سنن ترمذی، ج ۴، ص ۹۱، ح ۲۶۷۴؛ المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۸؛ الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۲۳۲۰ و...

۲- سوره توبه، آیه ۷۲.

۳- ر.ک: جامع البیان، ج ۱۰، ص ۲۲۹؛ تفسیر مجمع البیان ج ۹ ص ۴۶۶؛ بحار، ج ۸، ص ۱۴۹، ح ۸۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۱۸، ح ۳۴؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۵۷

جبرئیل گفت: یا محمد! لیس هذا نور الشمس و لا نور القمر و لكن جاریه من جواری علی بن ابیطالب علیه السلام: ای محمد! این نور خورشید است و نه نور ماه بلکه حوریه ای از حوریه های حضرت علی علیه السلام می باشد که از قصرش بیرون آمده است. چون به شما نگاه کرد خندید و این نورا دهانش خارج شد و این حوریه آنقدر در بهشت می گردد تا حضرت علی علیه السلام او را داخل قصرش کند. (۱) ۲.

ص: ۸۶

۱- ر.ک: ماه منقبه، ص ۱۳۳؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۳۹؛ الیقین، ۱۵۴؛ غایه المرام، ج ۱، ص ۷۲.

۲- خدمتکاران بهشتی

یکی دیگر از نعمت‌هایی که نصیب بهشتیان می‌شود، وجود خدمتگزارانی است زیبا، که گرداگرد بهشتیان گردش می‌کنند. گرچه در بهشتنیزی به خدمتکار نیست، و هرچه بخواهند در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، ولی این خود اکرام و احترام بیشتری برای بهشتیان است.

خداوند متعال در وصف این خدمتکاران می‌فرماید:

«وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غُلَمًا لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤُ مَكْنُونٍ؛ پیوسته گرداگرد آن‌ها نوجوانانی برای خدمت آنان گردش می‌کنند که همچون مرواریدهای در صدفند»^(۱).

«مروارید در درون صدف» به قدری تازه و شفاف و زیبا است که حد ندارد، هرچند در بیرون صدف نیز قسمت زیادی از زیبایی خود را حفظ می‌کند ولی گرد و غبار هوا و آلودگی دست‌ها هرچه باشد ۲۴

ص: ۸۷

از صفای آن می کاهد، خدمتگزاران بهشتی آنقدر زیبا و سفید چهره و با صفا هستند که گویی مروارید های در صدفند.

تعبیر به «یطوف علیهم» (بر آن ها طواف می کنند) اشاره به آمادگی دائمی آن ها برای خدمت است.

در حدیثی آمده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کردند: اگر خدمتگزار همچون مروارید در صدف باشد مخدوم [یعنی مومنان بهشتی] چگونه اند؟

فرمود: والذی نفسی بیده فضل المخدوم علی الخادم کفضل القمر لیلہ البدر علی سائر الکواکب.

«برتری مخدوم بر خدمتگزار در آنجا همچون برتری ماه در شب چهارده بر سایر کواکب است».^(۱)

تعبیر «لهم» در آیه نشان می دهد که هر یک از مومنان خدمتگزارانی مخصوص به خود دارند.

و از آنجا که بهشت جای غم و اندوه نیست، آن خدمتگزاران نیز از خدمت مومنان نهایت لذت را می برند.^(۲)

در اینکه این نوجوانان بهشتی کیانند؟ و مبحث آن، به فصل بعدی پرسش شماره هشت مراجعه فرمائید. ۶.

ص: ۸۸

۱- ر.ک: جامع البیان، ج ۲۷، ص ۴۰؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۷۷؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۸۰؛ و از منابع عامه نک: زاد

المسیر، ج ۷، ص ۲۲۰؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۱۹.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۳۶.

۴- لباس های زیبای بهشتیان

یکی دیگر از نعمهای بهشت، لباس های زیبای بهشتیان می باشد. لباس هایی از حریر لطیف و نازک، با رنگی سبز (۱) که درخشندگی خاصی را نیز به همراه دارد.

خداوند متعال در سوره دخان، آیه ۵۳ می فرماید:

«آن ها لباس هایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند».

«سندس» به پارچه های ابریشمین نازک و لطیف می گویند، و بعضی قید زربافت را نیز به آن افزوده اند.

«استبرق» به معنی پارچه های ابریشمی ضخیم است، و بعضی از اهل لغت و مفسران آن را معرب کلمه فارسی «استبریا ستبر» (بهت).

ص: ۸۹

۱- سوره انسان، آیه: «عالیهم ثياب سندس خضر و استبرق؛ بر اندام آن ها لباس هایی است از حریر نازک و از دیبای ضخیم». انتخاب رنگ سبز برای لباس های بهشتیان به خاطر آن است که رنگی است بسیار نشاط آفرین، همانند برگ های زیبای درختان، و البته رنگ سبز انواع و اقسامی دارد و هر کدام خود دارای لطفی است.

معنی ضخیم) می دانند، این احتمال دارد که ریشه آن عربی باشد و از «برق» (به معنی تلالو) گرفته شده است، به خاطر درخشندگی خاصی که این گونه پارچه ها دارد.

البته در بهشت گرما و سرمای شدیدی وجود ندارد تا بوسیله پوشیدن لباس دفع شود، بلکه این اشاره ها به لباس های متنوع و گوناگون بهشتی است، و این الفاظ و کلمات که ما برای آن سرای به کار می بریم، چیزی نیست جز اشاراتی نسبت به نعمت های زیبای آن جهان و ما قادر نیستیم آن جهان بزرگ و کامل را با تعبیراتی چینی وصف نماییم.

بعضی از مفسران تفاوت این لباس ها را اشاره به مقام قرب بهشتیان نیز دانسته اند.

ضمناً متقابل بودن بهشتیان با یکدیگر و حذف هرگونه تفاوت و برتری جوئی در میان آن ها اشاره ای به روح انس و خلوتی که بر جلسات آن ها حاکم است. جلساتی که جز صفا و روحانیت و معنویت در آن چیزی وجود ندارد. (۱)۱.

ص: ۹۰

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وسائل زینتی آن می باشد. دستبند هایی از نقره تزئین شده و شفاف که همچون بلور، درخشندگی خاصی را جلوه می دهد و از یاقوت و دُر و مروارید زیباتر است.

خدواند متعال در مورد این نعمت بهشتی می فرماید:

وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ (۱)

«و بادستبند هایی از نقره تزئین شده اند».

«اساور» جمع «اسوره» (مغفرت) و آن نیز به نوبه خود جمع «سوار» یا «سوار» است که در اصل از کلمه فارسی «دستوار» به معنی «دستبند» گرفته شده، و به هنگام نقل به زبان عربی مختصر تغییری در آن پیدا شده است، و به صورت «سوار» آمده است.

در بعضی از آیات قرآن مانند آیه ۳۰ سوره کهف آمده است که بهشتیان با دستبند هایی از طلا تزئین می شوند «يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ» و این منافاتی با آنچه در آیه ۲۱ سوره انسان آمده، ندارد، زیرا ممکن است از جهت تنوع، گاه با این تزئین کنند و گاه با آن. ۱.

ص: ۹۱

در اینجا سوال پیش می آید که مگر دستبند طلا و نقره زینت زنانه نیست؟ چگونه برای مردان بهشتی این زینت ذکر شده؟

جواب روشن است، چرا که نوع دستبند های زنان و مردان متفاوت است و نیز در بسیاری از محیط های هم برای زنان و هم برای مردان، دستبند نوعی زینت محسوب می شود، و حتی در بعضی جاها آن را نشانه عظمت شخص می دانند.

از آیه ۵۳ سوره زخرف که از قول فرعون نقل شده: «فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ؛ چرا به موسی دستبند هایی از طلا داده نشده؟»

بر می آید که دستبند طلا برای مردان در محیط مصر نشانه عظمت محسوب می شده است.

علاوه بر اینکه، برای بیان نعمت های بهشتی، راهی جز این وجود ندارد که با این الفاظ، اشاراتی به آن نعمت های عظیم و توصیف ناکردین بکنیم. (۱)۱.

ص: ۹۲

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وجود باغ هایی زیبا با آبها و چشمه هایی جاری است که از لابلاي درختان و زیر آن ها جاری می شود.

آیات و روایات در مورد وصف بهشت، فراوان است از توصیف باغ های بهشت و درختان زیبای آن.

برای نمونه به برخی از آیات و نکته های زیبای آن اشاره می نمائیم.

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى ؛ (۱) مثل باغ های بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است، باغهایی است که آب های جاری از زیر درختان آن می گذرد، میوه های آن همیشگی و سایه هایش دائمی است، این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند». ۵.

ص: ۹۳

تعبیر به «مثل» شاید اشاره به این نکته باشد که باغ‌ها و سایر نعمت‌های سرای دیگر برای ساکنان این جهان محدود که در برابر عالم پس از مرگ فوق‌العاده کوچک است، قابل توصیف با هیچ بیانی نیست، تنها مثل و شبیحی از آن را می‌توان برای مردم این جهان ترسیم کرد.

نخست می‌گوید: «مثل باغ‌های بهشت که به پرهیزگاران وعده داده شده است، باغ‌هایی است که آب‌های جاری از زیر درختان آن می‌گذرد». (مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ).

درست است که باغ طبیعتان دارای نهرهای آب است، اما لطفش در این است که چشمه‌ها از درون خود باغ بجوشد، و درختان را دائما مشروب کند، این امتیازی است که باغ‌های بهشت دارد، نه یک نوع چشمه که انواع مختلفی از چشمه‌ها در آن موجود است. (۱)

دومین وصف باغ‌های بهشتی در آیه، این است که میوه‌های آن دائمی و همیشگی است. (أَكْلُهَا دَائِمٌ).

نه همچون میوه‌های این جهان که فصلی است و هر کدام در فصل خاصی آشکار می‌شود، بلکه گاهی بر اثر آفت و بلا ممکن است در یکسال اصلا نباشد، اما میوه‌های بهشتی نه آفتی دارد، و نه فصلی و موسمی است، بلکه همچون ایمان مومنان راستین، دائم و پابرجا است.

و همچنین سایه آن‌ها نیز همیشگی است. (وَوَظَلُّهَا)

نه همچنین سایه درختان دنیا که ممکن است در آغاز صبح که آفتاب از یکسو می‌تابد سایه پر پستی در سطح باغ باشد، اما به هنگام.

ص: ۹۴

۱- در سوره ذاریات، آیه ۱۵ آمده است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ؛ پرهیزگاران در باغ‌های بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند».

ظهر که آفتاب عمودی می تابد سایه ها کم شود، و یا در فصل بهار و تابستان که درختان پر برگند و جود دارد، و در فصل خزان و زمستان که درختان برهنه می شوند از بین می رود. خلاصه سایه های بهشتی همچون همه نعمت هایش جاودانی است و از این روشن می شود که باغ های بهشت خزان ندارند، و نیز از آن معلوم می شود که تابش نور آفتاب یا همانند آن در بهشت هست، و گرنه تعبیر به سایه در آنجا که شعاع نور نباشد مفهومی ندارد، و اینکه در آیه ۱۳ سوره دهر (انسان) می خوانیم: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» ممکن است اشاره به اعتدال هوا باشد چرا که سوزش آفتاب و همچنین سرمای سخت در بهشت نیست، نه اینکه اصلاً آفتاب نمی درخشد.

خاموش شدن کره آفتاب نیز دلیل از میان رفتن ابدی آن نیست، چرا که قرآن می گوید: در قیامت و آسمان، تبدیل به زمین و آسمان دیگری (نوتر و وسیع تر) می شوند.

و اگر گفته شود جایی که آفتاب سوزندگی ندارد، سایه برای چیست؟

در پاسخ می گوئیم لطف سایه تنها به این نیست که از سوزش آفتاب جلوگیری کند بلکه رطوبت مطبوع متصاعد از برگ ها که توام با اکسیژن نشاط بخش است لطافت و طراوت خاصی به سایه می دهد، و لذا هیچگاه سایه درخت همچون سایه سقف اطاق خشک و بی روح نیست. (۱)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ ۳۲

ص: ۹۵

پرهیزگاران در جایگاه امن و امانی هستند، آن‌ها در میان باغ‌ها و چشمه‌ها به سر می‌برند، و جایگاه آنها از هر سو با درختان و چشمه‌ها احاطه شده است» (۱).

تعبیر به «جنات» (باغ‌های پر درخت) ممکن است اشاره به تعدد باغ‌هایی باشد که هر یک از بهشتیان در اختیار دارند. و یا اشاره به مقام‌های مختلف آنان باشد چرا که باغ‌های بهشت نیز همه یکسان نیست و به تفاوت درجات بهشتیان متفاوت است. (۲).

وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ؛ برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ در بهشت است.

و اما «جنتیان» (دوباغ بهشت): ممکن است بهشت اول مادی و جسمانی باشد و بهشت دوم و بهشت معنوی و روحانی، چنان که در آیه ۱۵ سوره آل عمران آمده است: «لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ» (۳).

در این آیه علاوه بر بهشت جسمانی که نه‌ها از زیر درختانش می‌گذرد و همسران پاک در آن هستند، بهشت معنوی که خشنودی خدا است سخن می‌گوید. یا اینکه بهشت اول به عنوان پاداش اعمال به آن‌ها داده می‌شود، و بهشت دوم به عنوان تفضل، چنانکه در آیه ۳۸، سوره نور آمده است: «لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ؛ هدف این است که خداوند پاداش بهترین اعمال آن‌ها را بدهد و از فضلش بر آن بیفزاید». ۶.

ص: ۹۶

۱- سوره دخان: آیه ۵۱.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۱۰.

۳- سوره الرحمن، آیه ۴۶.

یا اینکه یک بهشت برای اطاعت، و دیگری برای ترک معصیت است.

البته هیچیک از این تفسیرها دلیل خاصی ندارد و در عین حال همه آن‌ها ممکن است در آیه جمع باشد، آنچه مسلم است خداوند باغ‌های متعددی از بهشت در اختیار بندگان صالح می‌گذارد که در آن رفت و آمد دارند. (۱) ۶۲

ص: ۹۷

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۶۲

۷- تخت های زیبای بهشتی

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشتی وجود تخت های زینتی زیبا و بلند می باشد که بهشتیان بر آن تکیه زده و مناظر زیبای بهشتی را نگاه می کنند.

«إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ» (۱) مسلمان نیکان در میان انواع نعمت متنعمند، آن ها بر تخت های زیبای بهشتی تکیه کرده و به آن مناظر زیبا و آن همه نعمت، نظر می کنند و لذت می برند» (۲)

«ارائک» جمع «اریکه» به معنی تخت های زیبای سلطنتی است، و یا تخت های پر زینتی که در حجله گاه می نهند، و در اینجا اشاره به تخت های بسیار زیبای بهشتی است که نیکان بر آن تکیه می کنند.

در تعبیر «ینظرون» (نگاه می کنند) که به صورت سر بسته بیان شده نمی فرماید به چه می نگرند؟ تا مفهوم وسیع و گسترده ای داشته باشد، آری آن ها به لطف خدا می نگرند، به جمال بی مثال او، به انواع

نعمت های بهشتی، و به زیبایی های خیره کننده ای که در بهشت برین است می نگرند، چرا که یکی از مهمترین لذات انسانی «لذت دیدن نگاه» است. (۳)

ص: ۹۸

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۷۴.

۲- سوره مطفین، آیه ۲۲ و ۲۳.

۳- نک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۸۶.

«عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُتَّكِنِينَ عَلَيْهَا مُتَّقَابِلِينَ» (۱)

«آن‌ها بر تخت‌هایی صف کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند، در حالی که تکیه بر آن کرده‌اند و روبروی یکدیگر قرار گرفته و مجلسی پر از انس و سرور دارند».

«سر» جمع «سریر» از ماده «سرور» به معنی تخت‌هایی است که صاحبان نعمت در مجالس انس و سرور بر آن می‌نشینند.

«موضوع» از ماده «وضن» در اصل به معنی بافتن زره است، سپس به هر منسوجی که تار و پود آن محکم است اطلاق شده، و در اینجا منظور از تخت‌هایی است که کاملاً در کنار هم قرار گرفته و به هم پیوسته است، یا خود این تخت‌ها داری بافت مخصوصی است و از لولو و یاقوت و مانند آن، چنانکه جمعی از مفسران گفته‌اند.

و در حال ساختمان‌ای تخت‌ها، و طرز قرار گرفتن آن‌ها، و مجلس انسی که برای آن‌ها تشکیل می‌شود و سرور و شادمانی در آن موج می‌زند، با هیچ بیانی قابل توصیف نیست. (۲)

«مُتَّكِنِينَ عَلَى رَفْرِفِ خُضْرٍ وَعَعْبَقَرِيٍّ حِسَانٍ؛ ساکنان بهشت در حالی هستند که تکیه بر تخت‌هایی زده‌اند که با بهترین و زیباترین پارچه‌های سبزرنگ پوشانده شده است» (۳). ۶.

ص: ۹۹

۱- سوره واقعه، آیه ۱۵.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۱.

۳- سوره الرحمن، آیه ۷۶.

«ررف» در اصل به معنی برگ های گسترده درختان است و سپس به پارچه های زیبای رنگارنگ که بی شباهت به منظره باغ ها نیست اطلاق شده است.

«عبری» به معنی هر موجود بی نظیر یا کم نظیر است و «حسان» جمع «حسن» به معنی خوب و زیبا است.

این تعبیرات همه حاکی از این است که بهشت همه چیزش ممتاز است، میوه ها، غذاها، فرش ها و خلاصه هر چیزش در نوع خود بی نظیر و بی مانند است، بلکه باید گفت این تعبیرات هرگز نمی تواند آن مفاهیم بزرگ را در خود جای دهد، و تنها شبیحی از آن را در ذهن ما ترسیم می کند.

۸- غذای بهشتیان

اشاره

یکی از نعمتهای دیگر مادی بهشت، وجود غذاها و میوه هایی است که طعم هایی متفاوت و لذیذ دارند، آنهم در حالی که تکیه بر تخت های بهشتی زده و هر آنچه میل داشته باشند، حاضر و آماده خواهد شد.

وجود این میوه ها، گوشت ها، شراب ها طهور و هر آنچه لازمه آرامش و آسایش و لذت و شادی است، برای آن ها در بهشت فراهم است و با تناول آن ها هم هیچ کبمودی در آن پیدا نمی کند.

آری، میوه های آنجا همچون میوه های این جهان نیست که محدود به فصول معینی باشد، و تنها چند هفته یا چند ماه بر درخت ظاهر شود، و نیز همچون میوه های این جهان نیست که گاه خارها مانع چیدن آن است و گاه بلندی خطرناک درخت مانند نخل، و یا مانعی در وجود خود انسان از تناول آن وجود داشته باشد، و نه میزبان اصلی بهشت که خداوند منان است و ماموران او بخل و منعی دارند. و لذاست که آنجا همه چیز برای آرامش مهیا است.

ص: ۱۰۱

مُتَّكِبِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ؛ (۱)

بر تخت ها تکیه کرده اند و انواع میوه های و نوشیدنی ها در اختیار آنان است».

تکیه روی فاکهه» و شراب» (میوه و نوشیدنی) در آیه ، ممکن است اشاره به این باشد که بیشترین غذای بهشتیان میوه است، هر چند طبق صریح آیات قرآن غذا های دیگر در آنجا وجود دارد.

تعبیر به کثیره» در آیه، اشاره انواع مختلف میوه های بهشتی است، همانگونه که نوشیدنی و شراب طهور آن نیز اشکال متنوعی دارد که در آیات مختلف قرآن به آن اشاره شده است. (۲)

«وَأَمَّا دَرَاهِمُهُمْ فَفَاكِهَةٌ وَلَحْمٌ (۳) مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴)» همواره از انواع میوه ها و گوشت ها از هر نوع که تمایل داشته باشند، در اختیار آن ها می گذاریم. آن ها در بهشت جام های پر از شراب طهور را که نه بیهوده گوئی در آن است و نه گناه ، از یکدیگر می گیرند».

«امدناهم» از ماده «امداد» به معنی ادامه و افزایش و اعطا است، یعنی میوه ها و غذاهای بهشتی آنچنان نیست که با تناول کردن کمبودی پیدا کند، و یا همچون میوه های دنیا که در فصول سال نوسان زیادی دارد تغییری در آن حاصل شود، بلکه همیشگی و جاودانی و مستمر است. تعبیر «مما يشتهون» (از آنچه بخواهند) در آیه، نشان می دهد که بهشتیان در انتخاب نوع و کمیت و کیفیت این میوه ها و غذاها، کاملا آزادند و هر آنچه خواهند در اختیار دارند. ۲.

ص: ۱۰۲

۱- سوره ص، ص، ۵۱.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۱۶.

۳- مقدم داشتن «فاکهه» بر «لحم»، اشاره ای است به برتری «میوه ها» بر «گوشت ها».

۴- سوره طور، آیه ۲۲.

در آیات قرآن کرمی و روایت معصومین علیهم السلام، بخصوص روی میوه هایی تاکید شده که آن می تواند به خاطر اهمیت فوق العاده آن در تغذیه باشد، و امروزه از لحاظ علمی نیز این امر اثبات شده است. این میوه ها عبارتند از:

۱- خرما: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ» (الرحمن: ۶۸)

در احادیث اسلامی خرما به عنوان یک غذای نیرو بخش نام برده شده است، حتی در پاره ای از روایات استفاده می شود که بهترین غذای زن باردار و داروی او رطب(خرما) است. (۱)

امام علی علیه السلام می فرماید: «باردار، هیچ خوراکی نمی خورد و هیچ دارویی به کار نمی گیرد که برتر از خرماي تازه باشد. خداوند عزوجل به مریم فرموده است: «وَهَزِيْ اِلَيْكَ بِجَذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِّيًّا فَكُلِيْ وَاشْرَبِيْ وَقَرِّيْ عَيْنًا ؛ و تنه درخت خرما را به سوی خود تکان بده تا بر تو خرماي تازه فرو ریزد؛ پس بخورید و بیاشامید و دیده روشن دار» (۲)

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «به زنان خود در دوره نزدیک زایمان، خرما بدهید؛ زیرا هر کس در دوره نزدیک زایمان غذایش خرما باشد، فرزندش بردبارزاده خواهد شد. خوراک مریم، هنگامی که عیسی علیه السلام را زاد، همین بود، در حالی که اگر خدا غذایی بهتر از خرما برای او سراغ داشت، همان را را به وی می خوراند» (۳)

ص: ۱۰۳

۱- سوره مریم، آیه ۲۵.

۲- ر.ک: الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰؛ دانش نامه احادیث پزشکی، ص ۴۸۲

۳- ر.ک: تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۳۶۶، رقم ۴۴۶۵؛ دانش نامه احادیث پزشکی، ص ۴۸۲.

دانشمندان غذا شناس می گویند: قند فراوانی که در خرما وجود دارد از سالم ترین قندها است که حتی در بسیاری از موارد، مبتلایان به بیماری قند نیز می توانند از آن استفاده کنند.

همین دانشمندان می گویند: در خرما ۱۳ ماده حیاتی و پنج نوع ویتامین را کشف کرده اند که مجموع آنها خرما را به صورت یک منبع غذایی غنی در آورده است.

با پیشرفت دانش پزشکی اهمیت دارویی خرما نیز به ثبوت رسیده است، در خرما «کلسیوم» وجود دارد که عامل اصلی استحکام استخوان ها است، و نیز «فسفر» وجود دارد که از عناصر تشکیل دهنده مغز و مانع ضعف اعصاب و خستگی است، و نیز «پتاسیوم» موجود است که فقدان آن را در بدن علت حقیقی زخم معده می دانند. (۱)

ولی مسلماً اعتدال در همه چیز و حتی در این موضوع باید رعایت شود چنان که از بعضی از روایات که در همین مورد وارد شده، استفاده می شود.

۲- انار: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ». (الرحمن: ۶۸)

در بعضی از روایات اسلامی، انار به عنوان بهترین میوه ها معرفی شده است، و برای فوائد فراوانی نیز گفته شده است. و برای آن فوائد فراوانی نیز گفته شده است.

مرحوم کلینی به سند خود نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«میوه، صدو بیست گونه است و مهترین همه آن ها انار است». (۲) ۲.

ص: ۱۰۴

۱- نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۷، ص ۶۵

۲- ر.ک: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲.

دانشمندان غذا شناسان مطالب زیادی در مورد انار گفته اند، از جمله روی قدرت پاک کنندگی خود و وجود مقدار قابل ملاحظه ای «ویتامین ث» در آن تکیه کرده اند.

فوائد فراوان دیگری برای انار [ترش و شیرین = ملس] در کتب روایی بیان شده است از جمله: تقویت معده، دفع تب های صفرائی، یرقان، جذب (بیماری خارش)، تقویت دید چشم، رفع جراحات مزمن، تقویت لثه و دفع اسهال. (۱)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: اطعموا صبیانکم الرمان، (۲) فانه اسرع لشبابهم؛ به کودکان خود انار دهید که موجب رشد سریع آنها است.

و در حدیث دیگری فرمودند: فانه اسرع لالستهم؛ زود تر به سخن می آیند.

۳- انجیر: «التین و الزیتون» (تین: ۱)

«انجیر» دارای ارزش غذایی فراوان است و لقمه ای است مغذی و مقوی برای هر سن و سال و خالی از پوست و هسته و زوائد. (۳)

غذا شناسان می گویند:

از انجیر می توان به عنوان قند طبیعی جهت کودکان استفاده نمود، ورزشکاران و آن ها که گرفتار ضعف و پیری اند می توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند. رک

ص: ۱۰۵

۱- نک: دانش نامه احادیث پزشکی، ص ۵۱۹.

۲- ر.ک: بحار، ج ۶۶، ص ۱۶۴؛ تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۷۹.

۳- همان مدرک

می گویند «افلاطون» به قدری انجیر را دوست می داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند، و «سقراط» انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده مضار می دانسته.

«جالینوس» رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود، به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده می شد.

دانشمندان غذا شناس می گویند انجیر سرشار از ویتامین های مختلف و قند، و در بسیاری از بیماری ها، از آن به عنوان یک دارو می توان استفاده کرد، مخصوصا هر گاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است، و خوردن انجیر خشک فکر را تقویت می کند، خلاصه به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می گردد انجیر را غذای هر سن و شرائطی معرفی کرده اند.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است:

التین یذهب بالبخر و یشد الفم والعظم، و ینبت الشعر، و یذهب بالداء و لا یحتاج معه الی دواء»

و قال علیه السلام: التین شبه شیء نبات الجنة. (۱)

«انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویاند، درد را بر طرف می سازد و با وجود آن نیاز به دارو نیست. و نیز فرمود انجیر همانند ترین چیر به گیاهان بهشت است.»

ابوذر غفاری رضی الله عنه نیز نقل می کند: سینی ای از انجیر به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد. به اصحابش فرمود: «بخورید. چرا که من اگر بنا بود بگویم میوه ای از بهشت است، همین میوه را می گفتم، زیرا ۲.

ص: ۱۰۶

میوه ای بدون هسته . آن را بخورید ، زیرا بواسیر را ریشه کن می سازد و برای نقرس (۱) سودمند است» (۲).

۴- زیتون: «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ» (تین: ۱)

غذا شناسان و دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون میوه ها صرف کرده اند برای زیتون و روغن آن اهمیت فوق العاده ای قائلند، و معتقدند کسانی که می خواهند همواره سالم باشند باید از این اکسیر حیاتی استفاده کنند.

روغن زیتون دوست صمیمی کبد آدمی، و برای رفع عوارض کلیه ها و سنگ صفراوی، و قولنج های کلیوی، و کبدی، و رفع یبوست بسیار موثر است. و به همین دلیل از درخت زیتون به عنوان «شجره مبارکه» در قرآن مجید یاد شده است. روغن زیتون نیز سرشار از انواع ویتامین ها است و دارای فسفور و گوگرد و کلسیوم و آهن و پتاسیوم و منگنز است.

مرهمهایی را که از روغن زیتون و سیر تهیه می شود برای انواع دردهای روماتیسمی مفید دانسته اند، سنگ های کیسه صفرا بوسیله خوردن روغن زیتون از بین می روند. (۳)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: «نعم الطعام الزيت: یطیب النکبه، و یذهب بالبغلم و یصفی اللون، و یشد العصب، و یذهب بالوصب و یطفیء الغضب؛ روغن زیتون غذای خوبی است، دهان را ۳۰

ص: ۱۰۷

-
- ۱- نقرس، ورمی است همراه با درد که در مفاصل پائین پا و انگشتان بروز می کند. (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۸۲۳).
 - ۲- ر.ک: مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۱؛ دانش نامه احادی پزشکی، ص ۴۸۵.
 - ۳- نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۹. ص ۱۳۰

خوشبو و بلغم را بر طرف می سازد، رنگ صورت را صفا و طراوت می بخشد، اعصاب را تقویت کرده، بیماری و درد و ضعف را از میان می برد و آتش خشم را فرو می نشاند».(۱)

۵- انگور: «حدائق و اعناب»(نبا:۳۲)

به گفته دانشمندان غذا شناس «انگور» علاوه بر اینکه از نظر خواص یک غذای کامل محسوب می شود و مواد غذایی آن بسیار نزدیک به شیر مادر است، دو برابر گوشت در بدن ایجاد حرارت می کند، گذشته از این، به قدری مواد مفید در آن وجود دارد که می توان گفت یک داروخانه طبیعی است.

«انگور» دارای خاصیت ضد سم، مفید برای تصفیه خون، دفع روماتیسم، نقرس، و عامل مبارزه با افزایش اوره خون است.

اضافه بر این ها انگور اعصاب را تقویت کرده، و تولید نشاط می کند، و به خاطر داشتن انواع ویتامین ها به انسان نیرو و توان می بخشد.

این ها گوشه ای از آثار و خواص انگور است و لذا در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: خیر فواکهم العنب؛ بهترین میوه های شما انگور است».(۲)۸.

ص: ۱۰۸

۱- ر.ک: مکارم الاخلاق، ص ۱۹۰؛ بحار، ج ۶۳، ص ۱۸۳، ح ۲۲

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۸.

یکی دیگر از نعمت های مادی بهشت، وجود نهرها و چشمه های زیبایی است که از زیر درختان در جریان است.

در مورد نهرهای بهشتی در قرآن آمده است:

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ (۱)

«توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است که در نهرهایی از آب صاف و خالص که بد بو نشده، و نهرهایی که از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفّی و برای آن ها در آن از تمام انواع میوه ها وجود دارد».

در این آیه سخن از چهار نهر است که هر کدام مایع و محتوایی مخصوص به خود دارد. نخست از نهرهایی سخن می گوید که در آن صرفاً آب زلال خوشبو و خوش طعم جاری است. ۵.

ص: ۱۰۹

سپس می افزاید: نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته است. بعد به سراغ سومین قسمت از نهرهای بهشتی رفته، می گوید: «و نهرهایی از شراب طهور که مایه لذت نوشندگان است. و بالاخره چهارمین و آخرین قسمت از نهرهای بهشتی را به این صورت بیان می کند: «و نهرهایی از عسل مصفا»

در آیه مورد بحث به نهرهای «آب» و «شیر» و «شراب طهور» و «عسل» اشاره شده که ممکن است اولی برای رفع تشنگی است، دومی تغذیه، سومی نشاط و چهارمی لذت و قوت می آفریند.

جالب اینکه از آیات دیگر قرآن استفاده می شود که همه بهشتیان از همه این نوشیدنی ها نمی نوشند بلکه سلسله مراتبی دارند که به تناسب آن ها بهره مند می شوند. در سوره مطففین آیه ۲۸ می خوانیم:

«عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» چشمه ای است که مقربان در گاه خدا از آن می نوشند. (۱)

در آیه ۵۰ سوره الرحمن، تعبیری درباره دو چشمه آمده است:

«فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» در آن دو بهشت، دو چشمه به طور مداوم جریان دارد» گرچه در این آیه سخنی از چگونگی این دو چشمه به میان نیامده، ولی بعضی از مفسران این دو چشمه را به چشمه های «سبیل» و «تسنیم» که به ترتیب در آیه های «۱۸ دهر» و «۲۷ مطففین» آمده تفسیر کرده اند و گاه گفته شده یکی از این دو چشمه، چشمه «شراب طهور» و چشمه دوم، چشمه «عسل مصفی» است که هر دو در آیه سوره محمد آمده است. (۲) ۶۴

ص: ۱۱۰

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۴۲

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۱۶۴

آری ، وجود چشمه هایی متعدد در بهشت علاوه بر افزودن زیبایی و طراوت این فایده را نیز دارد که هر کدام نوشابه مخصوصی دارد و ذائقه بهشتیان را هر زمان با انواع شراب طهور شیرین و معطر می کند.

ص: ۱۱۱

یکی از مشروبات گوارای بهشتیان، شراب های طهوری است گوارا و لذت بخش، نشاط آفرین و روح پرور، خالی از هرگونه تحذیر و فساد عقل و به دنبال آن بیهوده گویی و گناه هرگز نیست، بلکه سراسر هوشیاری و لذت جسمی و روحانی است.

در سوره طور، آیه ۲۳ آمده است: «يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيُمُ؛ آن ها در بهشت جام هایی پر از شراب طهور را که نه مستی و بیهوده گویی در آن است، نه گناه از یکدیگر می گیرند».

تعبیر به «کأس» نشان می دهد که این جام ها پر از شراب می باشد و عرب به جام خالی شراب «قَدَح» می گوید و به ظرف خالی «کأس» اطلاق نمی شود.

به هر حال از آنجا که تعبیر «کأس» شراب های تحذیر کننده دنیا را احیاناً تداعی می کند، می افزاید در آن شراب نه لغو و بیهوده گویی است و نه گناه، زیرا هرگز عقل و هوش انسان را نمی گیرد،

بنابراین سخنان ناموزون و اعمال زشتی که از مست ها سر می زند هرگز از آن ها سر نخواهد زد، بلکه به حکم آن که شراب طهور است آن ها را پاک تر و خالص تر و هوشیار تر می کند. (۱)

به تعبیر قرآن در سوره واقعه، آیه ۱۹: «لَا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ؛ یعنی هنگامی که آن را می نوشند، نه در دسر می گیرند و نه مست می شوند».

و جالب اینکه این چشمه شراب از خانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سمت خانه های سایر پیامبران و مومنان جاری می شود، (۲) که این حقیقت را نمایان سازد که: همانگونه که در دنیا چشمه های علم و رحمت از خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی بندگان خدا و نیکان سرازیر می شود، در آخرت که تجسم بزرگی از این برنامه است چشمه شراب طهور الهی از همین بیت وحی می جوشد، و شاخه های آن به خانه های مومنان سرازیر می گردد.

نکته دیگر اینکه، پس از فراغ از حساب محشر نخستین گام که در بهشت می دهند با نوشیدن از این شراب هرگونه اندوه و ناراحتی و ناخالصی را از درون جان خود می شویند، و سرمست از عشق حق به استفاده از سایر مواهب بهشتی می پردازند. ۹.

ص: ۱۱۳

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۳۶.

۲- روایت امام باقر علیه السلام. ر.ک: أمالی شیخ صدوق، ص ۳۳۳؛ تفسیر ثعالبی، ج ۵. ص ۵۲۹.

اشاره

گرم به دامن وصل تو دسترس باشد

دگر ز طالع خویشم چه ملتمس باشد؟

اگر به هر دو جهان یک نفس زخم با دوست

مراز هر دو جهان حاصل آن نفس باشد

+++

علاوه بر نعمت های مادی بهشت، نعمت های دیگری هم وجود دارد که به تعبیر آیات قرآن کریم، بهتر از آن نعمت های مادی است. دو نمونه مهم از این نعمت های معنی عبارتند از:

۱- سلام و تحیت:

اصولا بهشت «دار السلام» و خانه سلامت و امن و امان است چنانکه در آیه ۱۲۷ انعام (۱) آمده است: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ»، و بهشتیان ساکنان این سرزمین هستند، گاه با سلام فرشتگان روبرو می شوند که به هنگام ورود به بهشت از هر دری بر آن ها وارد می شوند و می گویند: «سلام بر شما به خاطر شکیبایی هایی که داشتید. ۵.

ص: ۱۱۴

و چه پایان خوبی است این سرایی که نصیبتان شده»؛ «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (۲۳) سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد-۲۴).

و گاه ساکنان اعراف آن ها را صدا می زنند و می گویند: «سلام بر شما» «وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (اعراف-۴۶).

گاه پس از ورود در بهشت با سلام و تحیت فرشتگان روبرو می شوند و گاه به هنگام قبض روح این سلام از ناحیه فرشتگان مرگ به آنها نثر می شود و می گویند: «سلام بر شما وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید»؛ «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل-۳۲).

و گاه خودشان به یکدیگر سلام و درود می فرستند، و اصولاً- «تَحِيَّتِ آن اه در آنجا همان سلام است»؛ «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» (ابراهیم-۲۳).

و بالاخره برتر و بالاتر از همه این ها سلام پروردگار است، «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس-۵۸).

خلاصه اینکه «در آنجا نه سخن لغوی شینده می شود و نه کلام بیهوده ای، تنها سلام است و سلام» «إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا» (واقعه-۲۶).

اما نه سلامی که تنها در لفظ باشد بلکه سلامی که اثر آرامش بخش و سلامت آفرین آن در اعماق روح و جان انسان نفوذ می کند و همه را غرق در آرامش و سلامت می سازد. (۱)۰.

ص: ۱۱۵

فراتر از همه نعمت های مادی بهشت، لذت معنوی «لقاء الله» و جلوه های محبوب و الطاف آن معبود است که اگر یک لحظه آن به دست آید بر تمام نعمت های بهشتی برتری دارد.

دارند هرکس از تو مرادی و مطلبی

مقصود ما زدنی و عقبی لقای توست

آری بهشت و جسم انسان، باغ های جاویدان آن جهان است، ولی بهشت جانس رضای خدا و لقای محبوب است.

امام سجاد علیه السلام در روایتی زیبا می فرماید: «آنگاه که بهشتیان وارد بهشت شوند و دوست خدا به باغ ها و خانه هایشان در آید. خدای جبار بر آنان مشرف شود و بگوید: آیا به شما بگویم بهتر از آنچه اینک دارید چیست؟ عرض کنند: پروردگارا! چه چیزی بهتر از این وضعی است که ما داریم؟... پس خداوند تبارک و تعالی به آن ها فرماید: خوشنودی من از شما و محبت من به شما بهتر و بالاتر از این

وضع است که دارید.» سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت کرد: «... و خشنودی خدا برتر است، این همان پیروزی بزرگ است (۱) - (۲)»

در حدیث معراج نیز آمده است: «ای احمد در بهشت قصری است که از لؤلؤ و درّ و مروارید ساخته شده و شکستگی و گرهی هم ندارد. در این قصر خاصان در گاه من به سر می برند و هر روز هفتاد بار به آنها می نگریم و با ایشان سخن می گویم و به وسعت و گستره ملکشان هفتاد برابر می افزایم و آنگاه که اهل بهشت از طعام و شراب بهشتی لذت می برند، آنان از یاد، سخن و کلام من لذت می برند.»

پیامبر گرامی اسلام سوال می کنند: خداوند! علامت و نشانه آنها چیست؟ خدای متعال در جواب می فرماید: آنان زندانیانی هستند که زبان خود را از پر حرفی و شکم خود را از پر خوری، زندانی کرده اند.» (۳)

و سخن آخر، روایتی از امام صادق علیه السلام که در تفسیر آیه: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً (۴)؛ پروردگار ما! در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما»، فرمودند حسنه (و نیکویی) در آخرت همان خشنودی خدا و بهشت است و در دنیا وسعت روزی و معاد و خوش اخلاقی.» (۵) ۶.

ص: ۱۱۷

۱- سوره توبه، آیه ۷۲.

۲- ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۶، ح ۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۲۳۴.

۳- ر.ک: ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۹۹؛ معراج پیامبر، اثر نگارنده، ص ۳۷۹.

۴- سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۵- ر.ک: الکافی، ج ۵، ص ۷۱، ح ۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۶.

فصل هفتم: پرسش‌هایی پیرامون بهشت

(۱) آیا مومنانی که فاقد عمل صالحند وارد بهشت می‌شوند؟

ص: ۱۱۹

پاسخ این است که:

آری، وارد بهشت می شوند اما بعد از آن که مجازات خود را در دوزخ بینند و پاک شوند، تنها کسانی بعد از حسابرسی مستقیماً به این کانون راه می یابند که علاوه بر ایمان سرمایه عمل صالح نیز داشته باشند. (۱)

در حقیقت می توان اینگونه بیان کرد که: هر چیزی را بهایی است و بهای بهشت عمل صالح می باشد، همانگونه که امام علی علیه السلام فرمودند: «تَمَنُّ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ»؛ (۲) بهای بهشت کار نیک و شایسته است.

علت ورود به بهشت با عمل صالح نیز به خوبی معلوم و روشن می باشد، چرا که بهشت سرای پاکی و خلوص است، و اهل بهشت نیز از هرگونه غل و غشی به دور می باشند. و تنها با پاکی و دور شدن از گناهان است که کسی به این سرای راه می یابد. ۸.

ص: ۱۲۰

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۸۳

۲- ر.ک: غرر الحکم، ح ۴۶۹۸؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۹۵، ح ۲۵۳۸.

(۲) چه رزقی است که صبح و شام به سراغ بهشتیان می آید؟

خداوند متعال در سوره مریم، آیه ۶۲ می فرماید: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» و هر صبح و شام روزی آن ها در بهشت مقرر است.

با استفاده از آیات قرآن می توان به خوبی اذعان نمود که بهشتیان از مواهب بهشتی و روزی آن هر چه بخواهند در اختیارشان ، همیشه و در هر ساعت وجود دارد، حال با توجه به آیه، این چه رزقی است که فقط صبح و شام به سراغ آن ها می آید؟

پاسخ این سوال را از حدیث زیبایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده می توان دریافت آنجا که می فرماید: «و تعظیم طرف الهدایا من الله لمواقیت الصلاه الی کانوا یصلون فیها فی الدنیا»؛ (۱) بهترین هدایا از سوی خداوند بزرگ در اوقاتی که در این دنیا نماز می خواندند به آن ها در بهشت می رسد.

از این حدیث استفاده می شود که این هدایای ممتاز که به هیچ وجه نمی توان ماهیت آن را حتی با حدس و تخمین بیان کرد، نعمت هایی است پر ارزش که علاوه بر نعمت های معمول بهشتی، صبح و شام به آن ها اهدا می گردد. (۲)

ص: ۱۲۱

۱- ر.ک: کنز العمال، ح ۳۹۳۸۶؛ فتح القدر، ج ۳، ص ۳۴۲؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۰۷

(۳) «فردوس» جای چه کسانی است؟

«فردوس» به طوری که بعضی از مفسران بزرگ گفته اند، باغی است که همه نعمت ها و تمام مواهب لازم در آن جمع باشد، و به این ترتیب «فردوس» بهترین و برترین باغ های بهشت است.

بعضی گفته اند این لغت در اصل از زبان رویم است به معنای بستان، و بعضی دیگر گفته اند کلمه ایست نبطی به معنای موزار و اصل آن «فردوس» بوده، و دیگر دیگر گفته اند کلمه ایست سریانی به معنای باغ انگور، و بعضی ریشه آن را از زبان حبشی می دانند که به زبان عرب انتقال یافته است، و بعضی هم قائلند که عربی است و به معنای باغ پر درختی است که بیشتر درختانش انگور باشد. (۱)

با توجه به آیات آخرین سوره کهف، فردوس منزلگاه افراد با ایمان و صاحبان اعمال صالح است، (۲) اگر چنین است مناطق دیگر بهشت ساکنانی نباید داشته باشد، چراکه غیر مومن را در بهشت راهی نیست.

در پاسخ به این سوال می توان گفت که این آیات (۱۰۷ و ۱۰۸ سوره کهف) به هر فردی که ایمان و عمل صالح دارد اشاره نمی کند بلکه درجه والایی از نظر ایمان و عمل صالح را معیار برای دخول در.

ص: ۱۲۲

۱- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه ۱۰۷ سوره کهف؛ بحار، ج ۸، ص ۸۹؛ تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۶۷۳؛ تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۶۹

۲- سوره کهف، آیات ۱۰۷ و ۱۰۸ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۰۷) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا؛ همانا کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند باغ های فردوس منزلگاهشان است. آن ها جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی کنند.

فردوس قرار داده، هرچند ظاهر آیه مطلق است، اما توجه به مفهوم کلمه «فردوس» آن را مقید می کند.

لذا در سوره مومنون که صفات وارثان فردوس را بیان می کند (۱) حد اعلائی از صفات مومنان را ذکر کرده که در همه افراد وجود ندارد و این خود قرینه ای است بر این که ساکنان فردوس باید دارای صفات ممتازی باشند، علاوه بر ایمان و عمل صالح. و نیز به همین دلیل در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرماید: «هروقت از خدا تقاضای بهشت را می کنید مخصوصا تقاضای فردوس کنید که جامعترین و کاملترین منزلگاه های بهشت است». (۱) دا

ص: ۱۲۳

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: اذا سألتم الله فاسألوه الفردوس فانه وسط الجنة و اعلى الجنة، و فوقه عرش الرحمان و منه تفجر انهار الجنة؛ وقتی از خدا

اشاره به این همت افراد با ایمان باید در همه چیز و در همه حال اعلی باشد، در تمنای بهشت به مراحل پائین تر قناعت نکند، هر چند مراحل پائین تر هم غرق نعمت است.

بدیهی است کسی که چنین تقاضایی از خدا می کند، ناچار باید خود را برای رسیدن به چنین مقامی آماده کند، و حداکثر تلاش و کوشش را برای رسیدن به چنین مقامی آماده کند، و حداکثر تلاش و کوشش را برای کسب برترین صفات انسانی و انجام صالح ترین اعمال به خرج دهد.

بنابراین آن ها که می گویند خدا کند ما به بهشت راه یابیم هر چند در پائین ترین مراحل آن باشیم افرادی هستند که از همت والای مومنان راستین بهره کافی ندارند. (۱)۹.

ص: ۱۲۴

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۶۹.

لذاست که مقام فردوس برین جایگاه والایی است که یکی از اختصاصات آن راجع به اهل بیت علیهم السلام می باشد. در روایت است که محمد بن عباس به سند خود از حارث از امام علی علیه السلام کرده که حضرت فرمودند: «لکل شی ذروه الجنة الفردوس و هی لمحمد و آل محمد صلی الله علیه و آله؛ برای هر چیز نقطه برجسته ایست و نقطه برجسته بهشت، فردوس است که اختصاص به محمد و آل محمد علیهم السلام دارد» (۱) (۲).

+++

(۴) آیا زندگی در بهشت یکنواخت است؟

باتوجه به آنچه در پاسخ به پرسش رزق و روزی صبح و شام اهل بهشت بیان کردیم، که خداوند متعال هر روز و هر صبح و شام موهبتی جدید و لطفی تازه شامل حال بهشتیان می کند، می توان این پاسخ را برای این پرسش بیان نمود که: هیچ مانعی ندارد که تحول و تکامل در بهشت تداوم داشته باشد، یعنی اسباب تکامل در آنجا جمع است و انسان ها در پرتو اعمالی که در این جهان انجام داده اند و مواهبی که خداوند در آن جهان به آنها عنایت کرده در مسیر تکامل دائما پیش می روند. ۴.

ص: ۱۲۵

-
- ۱- این روایت حمل بر جری می باشد، یعنی مراد این است که فردوس برین دربار مومنین حقیقی می باشد که اهل بیت علیهم السلام از روشن ترین مصادیق آن می باشند.
 - ۲- ر.ک: تاویل الآیات، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بحار، ج ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۴۱؛ تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۶۷۵. و نیز ر.ک: کنز العمال، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۳۹۹۳ و ج ۱۰، ص ۲۶۱ و ۳۰۹ احادیث ۲۹۳۸۷ و ۲۹۵۶۴.

بدین صورت که هر چند اعمال تازه ای در آنجا انجام نمی دهند، ولی با مرکبی که از معتقدات و اعمالشان در این جهان فراهم ساخته اند، سیر تکاملی خود را ادامه خواهند داد. (۱)

+++

(۵) آیا اگر کسی مقام انبیاء را بخواهد به او داده می شود:

باتوجه به این نکته جواب این سوال روشن می شود و آن این که: در آن سرای پرده ها از برابر چشمان بهشتیان کنار می رود، حقایق را به خوبی درک می کنند و تناسب ها در نظر آنان کاملاً واضح می شود. آن ها هرگز به فکرشان نمی گذرد که تقاضاهایی چنین از خدا کنند و این درست به این می ماند که در دنیا تقاضا کنیم که یک کودک دبستانی استاد دانشگاه شود، و یا یک دزد جنایتکار قاضی دادگاه، آیا اینگونه امور به فکر هیچ عاقلی در دنیا می رسد؟

در آنجا نیز چنین است.

به دیگر سخن: بهشتیان چون چشم حقیقت بین دارند هرگز به فکر چیزی که بر خلاف حق و عدالت و بر خلاف اصل توازن «شایستگی ها» و «پاداش ها» است، نمی افتند.

امکان ندارد افرادی که در درجات متفاوت در ایمان و عمل هستند جزای مشابهی داشته باشند، بهشتیان چگونه آرزوی محال می کنند؟ و در عین حال آن ها از نظر روحی چنان هستند که به آنچه دارند راضیند و هیچ گونه حسد و رشک بر وجود آن ها حاکم نیست. ۰۷

ص: ۱۲۶

از این گذشته، آن‌ها تمام خواسته‌هایشان تحت الشعاع خواست خداست و همان‌می‌خواهند که خدا می‌خواهد. (۱)

(۶) آیا چیزهایی که در این دنیا حرام است، تقاضای آن در بهشت ممکن است؟

طرح این سوال در حقیقت به خاطر عدم توجه به یک نکته است و آن این است که محرّمات و زشتی‌ها در حقیقت همچون غذایی است نامناسب برای روح انسان، و مسلماً روح سالم اشتهای چنین غذایی نمی‌کند، و این ارواح بیمار است که گاه به سموم و غذاهای نامناسب متمایل می‌شود.

بیمارانی را می‌بینیم که در هنگام مرض حتی تمایل به خوردن خاک و یا اشیاء دیگری از این قبیل پیدا می‌کنند، اما به مجرد این که بیماری برطرف شود آن اشتهای کاذب ساقط می‌گردد، آری بهشتیان هرگز تمایل به چنان اعمالی پیدا نخواهند کرد، چرا که تمایل و کشش روح نسبت به آن‌ها از ویژگی‌های ارواح بیمار دوزخی است.

این سوال شبیه چیزی است که در حدیث وارد شده است که یک اعرابی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: آیا در بهشت شتر هم پیدا می‌شود؟ زیر من بسیار به شتر علاقمندم!

پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌داند در آنجا نعمت‌هایی است که با وجود آن مرد اعرابی شتر خود را فراموش خواهد کرد، در پاسخ با عبارتی ۳.

ص: ۱۲۷

کوتاه و پر معنی می فرماید: «یا اعرابی ان ادخلک الله الجنة اصبت فیها ما اشتہت نفسک و لذت عینک؛ ای اعرابی خداوند تورا وارد بهشت کند آنچه دلت بخواهد و چشمت از دیدنش لذت ببرد در آنجا خواهی یافت» (۱).

و به تعبیر دیگر آنجا عالمی است که انسان کاملاً با واقعی‌ها هماهنگ می‌شود و به گفته شاعر:

آنچه بینی دلت همان خواهد و آنچه خواهد دلت همان بینی (۲)

(۷) چرا در برخی آیات «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» آمده است؟

در بسیاری از آیات قرآن کریم وقتی سخن از نهرهای بهشتی است، تعبیر «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (۳) است، یعنی از زیر درختان بهشت نهرها جاری است، ولی در برخی آیات تعبیر «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (۴)، یعنی از زیر پاهای بهشتیان نهرها جاری است، شده است، علت چیست؟

این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که حتی قصرهای بهشتیان بر روی نهرها بنا شده، که به لطف و زیبایی فوق العاده‌ای به آنها می‌بخشد. ۱.

ص: ۱۲۸

-
- ۱- ر.ک: الغارات، ج ۱. ص ۲۴۲؛ بحار، ج ۳۳، ص ۵۴۷؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: مسند احمد، ج ۵، ص ۳۵۲؛ المنصف ابن ابی شیبہ، ج ۸، ص ۷۲؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳.
 - ۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۱۷.
 - ۳- مانند: بقره: ۲۵؛ آل عمران: ۱۵ و ۱۹۵؛ نساء: ۱۳ و ۵۷ و ۱۲۲ و ...
 - ۴- مانند: سوره یونس: ۹؛ و سوره کهف: ۳۱.

و یا اشاره به این که نهرهای بهشتی به فرمان آن ها هستند و در قبضه قدرتشان می باشد، چنانچه در سرگذشت فرعون می خوانیم که می گفت: «أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي؛ (۱) آیا حکومت مصر در اختیار من نیست و این نهرها به فرمان من جریان ندارند».

این احتمال نیز داده شده است که کلمه «تحت» به معنی «بین ایدی» باشد، یعنی در مقابل آن نهرهای آب جریان دارد. (۲)

(۸) نوجوانان بهشت کیانند؟

در قرآن کریم فراوان از تخت های بهشتیان و مجالس دستجمعی بهشتیان توصیف های جالبی شده که نشان می دهد یکی از مهمترین لذت آن ها همین جلسات انس و انجمن های دوستانه است، اما موضوع سخن آن ها و نقل محفلشان چیست؟ کسی به درستی نمی داند، آیا از اسرار آفرینش سخن می گویند و شگفتی های خلقت خداوند؟ یا از اصول معرفت و اسماء و صفات حسنی او؟ و یا حوادثی که در این جهان رخ داده؟ یا از مصائب جانگازی که از آن راحت و آسوده شدند؟ و یا امور دیگری که ما در شرایط زندگی این دنیا قادر بر درک آن نیستیم؟ کسی نمی داند.

ولی در این میان وقتی از اینگونه مجالس سخن به میان می آید، موهبتی دیگر را نیز برای بهشتیان بیان می کند و آن تعبیر «نوجوانی است که در نهایت شکوه و طراوت، با قداح ها و کوزه ها و جامه های ۵.

ص: ۱۲۹

۱- سوره زخرف، آیه ۵۲.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۳۵.

از نهرهای جاری بهشتی و شراب طهور، گرداگرد بهشتیان می گردند و در خدمت آن ها هستند»^(۱) در این که این نوجوانان کیانند؟ مفسران تفسیر های گوناگونی برای آن ذکر کرده اند:

بعضی گفته اند: آن ها فرزندان مردم دنیا هستند که پیش از بلوغ چشم از دنیا بسته، و چون کار نیک و بدی نداشته اند به طلب پروردگار چنین منصبی را یافته اند، البته آن ها از این کار خود بیشترین لذت را می برند که در خدمت مقربان درگاه خدایند. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام این معنی نقل شده است.

ولی در تفسیر دیگری می خوانیم: که این ها اطفال مشرکینند که به خاطر بی گناهی دارای چنین مرتبه ای شده اند، چرا که اطفال مومنان به پدران و مادران خود ملحق می شوند.

و در تفسیر دیگری می خوانیم که آنها خدمتکارانی هستند بهشتی که خداوند مخصوصا آنان را برای این هدف آفریده است.^(۲)

(۹) آیا در بهشت صبح و شامی هم وجود دارد؟

ص: ۱۳۰

-
- ۱- سوره واقعه، آیه ۱۷-۱۸: «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ؛ نوجوانانی جاودانی (در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آن ها می گردند، با قدح ها و کوزه ها و جامههایی از نهرهای جاری بهشتی و شراب طهور». تعبیر به «یطوف» از ماده «طواف» اشاره به خدمت مداوم آن ها است، و تعبیر به «مخلدون» با این که همه اهل بهشت «مخلد» و جاودانی هستند، اشاره به جاودانگی نشاط جوانی و طراوت زیبایی آن ها است. (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۱)
- ۲- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۱۲.

پاسخ این سوال در روایات اسلامی چنین آمده است: گرچه در بهشت همواره نور و روشنایی است اما بهشتیان از کم و زیاد شدن نور و نوسان آن، شب و روز را تشخیص می دهند(۱).

(۱۰) اهل بهشت با چه زبانی با همدیگر صحبت می کنند؟

در روایات معصومین علیهم السلام آمده است که اهل بهشت، با زبان عربی با یکدیگر صحبت می کنند.(۲) چرا که عربی جامع ترین و غنی ترین زبان می باشد. در روایات نیز آمده است که: «زبان عربی را فراگیرید که قرآن به زبان عربی نازل شده است» همان گونه که خداوند متعال نیز می فرماید: «انا انزلناه قرآنا عربيا لعلکم تعقلون»؛(۳) یعنی ما این قرآن را به زبان عربی نازل کردیم ، شاید اندیشه کنید».

(۱۱) شغل اهل بهشت چیست؟

خداوند متعال در سوره یس، آیه ۵۵ می فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ».

کلمه «شغل» به معنای کاری است که آدمی را به خود مشغول سازد، و از کارهای دیگر باز دارد، و کلمه «فاکِهه» اسم فاعل از مصدر «فکاهت» است که به معنی گفت و شنودی است که مایه خوشحالی باشد و ممکن هم هست به معنای تمتع و لذت بردن باشد. ۲هـ.

ص: ۱۳۱

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۰۷.

۲- ر.ک: الاختصاص: ۲۶۴؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۵ ص ۵۱۷؛ بحار، ج ۱۱، ص ۵۶، ح ۵۷.

۳- سوره یوسف، آیه ۲

پس معنای آیه این است که: اصحاب بهشت در آن روز در کاری هستند که توجهشان را از هر چیز دیگر قطع می کند، و آن کار عبارتست از گفت و شنود های لذت بخش، و یا عبارتست از تنعم در بهشت (۱).

در بعضی از روایات آمده است که: خدای سبحان برای اهل محشر تجلی می کند، به جلوه ای که آن را از غیر خود مشغول می سازد، مادامی که آن تجلی برطرف شدن همه حجاب هایی است که بین آنان و آفریدگارشان وجود داشت، نه این که مراد دیدن به چشم باشد، چون دیدن به چشم تناه از راه مقارنه جهات و ابعاد صورت می گیرد و خدای تعالی در جهت قرار ندارد، و چنین چیز در حق خدای تعالی محال است. (۲).

در تفسیر مجمع البیان نیز آمده است که: (۳) مشغولیت آنان در بهشت، هفت نوع از پاداش، برای هفت عضو می باشد: ثواب «پا» گفتن «ادخلوها بسلام آمین» برای آن می باشد. ثواب «دست» آنچه از نعمت های بهشتی با آن بر می دارد (از جام های شراب طهور و میوه ها...)، پاداش «فرج» حور العین و زنان بهشتی، پاداش «شکم» آنچه از نعمت های بهشتی خواهد خورد، پاداش «زبان» آن است که در آنجا نعمت های گوناگون را ببیند، حمد الهی را کند، و پاداش «گوش» این است که آنجا هیچ سخن بیهوده و لغوی نمی شنود و فقط تحیت و سلام برای آن است، و پاداش «چشم» آنچه لذت برای آن است را می بیند. ۲.

ص: ۱۳۲

۱- ر.ك: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۵۹.

۲- ر.ك: تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۶۵.

۳- ر.ك: تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۸۲.

(۱۲) آیا در بهشت هم می توان بچه دار شد؟

آنچه از روایات معصومین علیهم السلام به دست می آید این است که هر ازدواجی در بهشت انجام شود، فرزندی در پی نخواهد داشت

در هر روایتی آمده است که محمد بن عبد الله حمیری در سال ۳۰۸ هجری قمری طی نامه «از حسین بن روح، سومین نایب خاص امام زمان علیه السلام» از حضرت پرسید:

وقتی در بهشت انسان با حور العین «یا زن دنیایی خودش، اگر در بهشت با او همنشین باشد» همبستر شود، آیا آن ها حامله می شوند و بچه می آورند یا خیر؟

حضرت در جواب فرمودند:

«هیچ زنی در بهشت حامله نمی شود و بر اثر آمیزش با حور العین یا همسر دنیایی، بچه ای هم متولد نمی شود و حیض و نفاس هم در بهشت نیست. و مشکلات و گرفتاری بچه داری وجود ندارد، و آنجا همان طور است که خداوند در قرآن کریم فرمودند: «و در آن (بهشت) آنچه دل ها می خواهند و چشم ها از آن لذت می برند، موجود است».^(۱)

پس مومن در بهشت هر زمان که دلش خواست کودکی داشته باشد، خداوند بدون حمل، فرزندی برای او خلق می کند. ولی به آن صورت که در ذهن ها است، ولادتی در کار نیست، بلکه آفریدن فرزند مانند آفریدن حضرت آدم علیه السلام است که برای عبرت مخلوقات، بدون هیچ حمل و هیچ ولادتی آفریده شد».^(۲)

***.ه

ص: ۱۳۳

۱- سوره زخرف، آیه ۷۱: «وفیها ما تشتهی الانفس وتلد الاعین».

۲- ر.ک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۸۰؛ بحار، ج ۵۳، ص ۱۶۳، ح ۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۱۳؛ ۱۲۰ پرسش در محضر امام زمان علیه السلام، اثر نگارنده.

(۱۳) «جنات عدن» چیست؟

یکی از مواهب خاصه خداوند متعال به خاصانی از بهشتیان، این است که مسکن های پاکیزه و منزلگاههای مرفه در قلب بهشت (عدن) در اختیار آن ها می گذارد. «وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ» (۱)

«عدن» در لغت به معنی «توقف طولانی» (= اقامت و پایدار) است و لذا «عدن» که جایگاه بقای مواد خاص است این کلمه اطلاق می شود. از پاره ای از آیات قرآن بر می آید که جنات عدن محل خاصی از بهشت پروردگار است که بر سایر باغ های بهشت امتیاز دارد.

در احادیث اسلامی و کلمات مفسران این امتیاز به اشکال مختلف بیان شده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می خوانیم که فرمود: «عَدْنُ الدَّارِ الَّتِي لَمْ تَرَهَا عَيْنٌ وَ لَمْ يَخْطُرْ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، لَا يَسْكُنُهَا غَيْرُ ثَلَاثَةِ النَّبِيِّينَ، وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ» (۲) عدن آن خانه پروردگار است که هیچ چشمی آن را ندیده، و به فکر کسی خطور نکرده و تنها سه گروه در آن ساکن می شوند: پیامبران، صدیقان (آن ها که پیامبران را تصدیق کردند و از آن ها حمایت کردند) و شهیدان.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «الخصال» خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «من سره ان يحيا حياتي و يموت مماتي و يسكن جنتي التي واعدني الله ربي، جنات عدن... فليوال ۶».

ص: ۱۳۴

۱- سوره توبه، آیه ۷۲.

۲- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۲۳۶.

علی بن ابی طالب علیه السلام و ذریته علیهم السلام من بعده؛ کسی که دوست دارد حیاتش همچون من، و مرگش نیز مانند من بوده باشد، و در بهشتی که خداوند به من وعده داده در جنات عدن ساکن شود، باید علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان بعد از او را دوست دارد».

از این حدیث روشن می شود که جنات عدن باغ هایی است از بهشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و جمعی از خاصان پیروان او در آن ها مستقر خواهند شد.

این مضمون در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نیز نقل شده که جنات عدن جایگاه پیامبر اسلام است. (۱)

(۱۴) سرنوشت اطفال مشرکین؟

انسان ها با عقاید و اعمالشان در آخرت سنجیده می شوند. خوبان به بهشت و بدان به جهنم رهسپار می گردند، اما کودکانی از مشرکین که به سن تکلیف نرسیده اند و هنوز گناهی مرتکب نشده اند، جایگاهشان کجاست؟ (۲)

در پاسخ به این پرسش، امام حسن علیه السلام فرمود: «آن ها گناهی ندارند تا به خاطر آن تنبیه شوند و در جهنم گرفتار شوند، و نیز آن ها حسناتی هم ندارند، تا به خاطر آن پاداش دریافت کنند و از سران بهشتی شوند، بلکه آنان (اطفال مشرکین) خدمتکار بهشتیان خواهند بود». (۳) ۵.

ص: ۱۳۵

۱- ر.ک: الخصالف ص ۵۸۸؛ تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹ و ج ۱۰، ص ۱۹۵.

۳- ر.ک: مسند ابی داود، ص ۲۸۲؛ کنز العمال، ح ۳۹۴۱۲؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۲؛ در محضر امام حسن علیه السلام، اثر نگارنده، ص ۶۵.

(۱۵) آیا بهشت و جهنم هم اکنون موجود است؟

اکثر دانشمندان اسلامی معتقدند که این دو هم اکنون وجود خارجی دارند و ظواهر آیات قرآن نیز این نظر را تایید می کند، به عنوان نمونه :

۱- در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران(۱) و در آیا فراوان دیگری تعبیر به «اعدت» (مهیا شده) یا تعبیرات دیگری از همین ماده، گاهی در مورد بهشت و گاهی درباره دوزخ آمده است.(۲)

از این آیات استفاده می شود که بهشت و دوزخ هم اکنون آماده شده اند(۳) اگر چه بر اثر اعمال نیک و بد انسان ها توسعه می یابند.

ص: ۱۳۶

۱- «وَسَيَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان، و بهشتی که وسعت آن، آسمان ها وزمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است».

۲- به آیات : توبه ۸۹ و ۱۰۰، فتح: ۶، بقره: ۲۴، آل عمران: ۱۳۱ و ۱۳۳، حدید: ۲۱ مراجعه شود.

۳- تعبیر به «اعدت»، (= مهیا شده) ممکن است این سوال را برانگیزد که آماده ساختن در مورد کسانی شایسته است که قدرتشان محدود باشد و گاه نتواند به هنگام نیاز آنچه را می خواهند فراهم سازند، ولی در برابر قدرت نامحدود پروردگار که هر لحظه چیزی را اراده کند فرمان می دهد «موجود شو»! آن نیز فوراً موجود می شود، چنین چیزی احساس نمی گردد، پس تکیه روی «آماده سازی» در آیات قرآن برای چه منظوری است؟! توجه به یک نکته مشکل را حل می کند و آن اینکه: آماده ساختن چیزی همیشه برای محدود بودن قدرت نیست، بلکه گاه برای دلگرمی و اطمینان خاطر بیشتر و گاه برای احترام و اکرام افزونتر می باشد، لذا اگر ما مهمانی را دعوت می کنیم و از مدتی قبل مشغول آماده ساختن وسائل پذیرایی او باشیم احترام و

۲- در آیات مربوط به معراج در آیه ۱۳ تا ۱۵ سوره «و النجم» می خوانیم: «رَأَاهُ نَزَّلَهُ أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ؛ بار دیگر پیامبر جبرئیل را نزد (سدره المنتهی) در آنجا که بهشت جاویدان قرار داشت، مشاهده کرد» (۱) این تعبیر گواه دیگری بر وجود فعلی بهشت است.

۳- سوره تکاثر آیه ۵-۷ می فرماید: «كَلَّا لَمَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَمَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوْنها عَيْنَ الْيَقِينِ؛ اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید سپس به عین الیقین آن را می دیدند».

۴- در سوره عنکبوت آیه ۵۴ می فرماید: «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ؛ همانا جهنم کافران را از هر سو احاطه کرده است»، ولی حجاب های عالم دنیا مانع رویت آن است، لیکن آن روز که روز ظهور و بروز همه چیز است جهنم از همه آشکار تر ظهور می کند. علاوه بر آیات ذکر شده، در آیات ذکر شده، در روایات مربوط به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و روایت دیگر نیز نشانه های روشنی بر این مساله دیده می شود. (۲) ۵.

ص: ۱۳۷

۱- برای شنیدنی های زیبای معراج و وقایع خواندنی آن، به کتاب دیگر نگارنده «معراج پیامبر (ص)»، چاپ سوم، انتشارات موعود اسلام قم، مراجعه شود.

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۱۳، ج ۲۶، ص ۱۰۵.

(۱۶) بهشت و دوزخ در کجا هستند؟

به دنبال بحث و سوال پیشین این سوال پیش می آید که اگر این دو هم اکنون موجودند در کجا هستند؟

پاسخ این سوال را از دور راه می توان داد:

نخست اینکه: بهشت و دوزخ در کجا هستند؟

به دنبال بحث این سوال پیش می آید که اگر این دو هم اکنون موجودند در کجا هستند؟

پاسخ این سوال را از دور راه می توان داد:

نخست اینکه: بهشت و دوزخ در باطن این جهانند. ما این آسمان و زمین و کرات را با چشم خود می بینیم اما عوالمی که در درون این جهان قرار دارند نمی بینیم، و اگر و دید و درک دیگری داشتیم هم اکنون می توانستیم آن ها را بینیم، در این عالم موجودات بسیاری هستند که امواج آن ها با چشم ما قابل درک نیستند، آیه «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» (۱) نیز گواه این حقیقت است.

از پاره ای از احادیث نیز استفاده می شود که بعضی از مردان خدا درک و دیدی در این جهان داشتند که، بهشت و دوزخ را نیز با چشم حقیقت بین خود می دیدند.

برای این موضوع می توان مثالی ذکر کرد:

فرض کنید فرستنده نیرومندی در یک نقطه زمین وجود داشته باشد، که به کمک ماهواره های فضایی امواج آن به سراسر زمین پخش می شود و به وسیله آن نغمه دل انگیز تلاوت قرآن با صدای فوق العاده دلنشین و روح پرور در همه جا پخش گردد، و در نقطه دیگری از زمین فرستنده دیگری با همان قدرت وجود داشته باشد که صدایی فوق العاده گوش خراش و ناراحت کننده روی امواج دیگری در همه پراکنده شود..»

ص: ۱۳۸

۱- سوره تکاثر، آیه ۵-۶: «اگر علم الیقین داشتید دوزخ را مشاهده می کردید.»

هنگامی که ما در یک مجلس عادی نشسته ایم صدای گفتگوی اطرافیان خود را می شنویم، اما از آن دو دسته امواج «روح پرور» و آزار دهنده» که در درون محیط ما است و همه جا را پر کرده است. هیچ خبری نداریم، ولی اگر دستگاه گیرنده ای می داشتیم که موج آن با یکی از این دو فرستنده تطبیق می کرد فوراً در برابر ما آشکار می شدند اما دستگاه شنوایی ما در حال عادی از درک آن ها عاجز است.

این مثال گرچه از جهاتی رسا نیست ولی برای مجسم ساختن چگونگی وجود بهشت و دوزخ در باطن این جهان موثر به نظر می رسد.

دیگر نکته: عالم آخرت و بهشت و دوزخ، محیط بر این عالم است، و به اصطلاح، این جهان در شکم و درون آن جهان قرار گرفته، درست همانند عالم جنین که در درون عالم دنیا است، زیرا می دانیم عالم جنین برای خود عالم مستقلی است، عالم دنیا نیز نسبت به عالم آخرت، همین حال را دارد، یعنی در درون آن قرار گرفته است.

و اگر می بینیم قرآن می گوید: وسعت بهشت به اندازه وسعت آسمانها و زمین است به خاطر آن است که انسان چیزی وسیع تر از آسمان و زمین نمی شناسد تا مقیاس سنجش قرار داده شود. لذا قرآن برای اینکه وسعت و عظمت بهشت را ترسیم کند آن را به پهنه آسمان و زمین تشبیه کرده است، و چاره ای غیر از این نبوده، همانطور که اگر در کودکی که در شکم مادر قرار دارد عقل داشت، و می خواستیم با او سخن بگوئیم باید با منطقی صحبت کنیم که برای او در آن محیط قابل درک باشد. (۱)۳.

ص: ۱۳۹

(۱۷) اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است، پس دوزخ کجاست؟

از آنچه در جواب سوال پیشین گفتیم این سوال نیز روشن شد که اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است پس دوزخ کجاست؟

از آنچه در سوال پیشین گفتیم این سوال نیز روشن شد که اگر وسعت بهشت به اندازه زمین و آسمان ها است پس دوزخ کجاست؟

زیرا طبق پاسخ اول، دوزخ نیز در درون همین جهان قرار گرفته و ورود آن در این جهان منافاتی با وجود بهشت در درون آن ندارد (همانطور که در مثال امواج فرستنده صوتی ذکر شد).

و اما طبق پاسخ دوم که بهشت و دوزخ محیط بر این جهان باشند جواب بازهم روشن تر است زیرا دوزخ می تواند محیط بر این جهان باشد و بهشت محیط بر آن، و از آن هم وسیع تر. (۱)سوره اعراف، آیه ۴۴: «وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»

(۱۸) چگونگی ارتباط بهشتیان با دوزخیان؟

از آیات قرآن کریم بر می آید که گاهی نوعی ارتباط میان بهشتین و دوزخیان برقرار می شود، گویی بهشتیان که در بالاتر قرار دارند به دوزخیان که در پائین هستند می نگرند و وضع آن ها را می بینند. البته این دلیل بر آن نیست که فاصله بهشت و دوزخ کم است، بلکه در آن شرایط قدرت دید فوق العاده ای به آن ها داده می شود که مساله فاصله و مکان در برابر آن مطرح نیست. در سوره صافات می خوانیم:

ص: ۱۴۱

۱- همان، ص ۱۱۵. فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰) قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ (۵۱) يَقُولُ أَأِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (۵۲) أَتَمَدًا مِّتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنَّا لَمَبْدُونُ (۵۳) قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ (۵۴) فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۵۵) قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ (۵۶) وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ «(در حالی که بهشتیان غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعض دیگر سوال می کنند، یکی از آنها می گوید: من همنشینی داشتم که پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده ای که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم (باردیگر) زنده می شویم، و جز داده خواهیم شد؟! (سپس) می گوید: آیا شما می توانید از او خبری بگیرید؟ اینجاست که به جستجو بر می خیزد و نگاهی می کند ناگهان او را در وسط جهنم می بیند! می گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که مرا نیز به هلاکت بکشانی، و اگر نعمت پروردگارم نبود من نیز از احضار شدگان در دوزخ بودم». در بعضی از کلمات مفسرین آمده است که در بهشت روزنه ای وجود دارد که از آن می توان جهنم را دید. از آیات سوره اعراف نیز به خوبی این ارتباط روشن می شود، آنجا که می گویند: «بهشتیان دوزخیان را بانگ می زنند و می گویند ما آنچه را پروردگار مان وعده داده بود حَقًّا یافتیم، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان وعده داده بود به حق یافتید؟ می گویند آری، و در این هنگام کسی در میان آن ها بانگ بر می آورد که لعنت خدا بر ستمگران باد»

از آیه ۴۶ همان سوره اعراف نیز استفاده می شود که «در میان اهل بهشت و دوزخ حجابهایی بر قرار است» و بینهما حجاب».

تعبیر به «نادی» (در آیه) که معمولاً در موارد سخن گفتن از دور به کار می رود نشانه بعد مکانی یا مقامی این دو گروه است، اما به هر حال شرائط و احوال روز قیامت با وضع این جهان بسیار متفاوت است و ما نمی توانیم با معیارهای این جهان آن ها را ارزیابی کنیم. (۱)

(۱۹) نخستین کسی که داخل بهشت می شود، کیست؟

در اینکه نخستین کسی که داخل بهشت می شود، چند دسته روایات وجود دارد که البته قابل جمع نیز می باشد:

۱- در روایات فراوانی، حضرت علی علیه السلام به عنوان اولین نفر داخل شونده در بهشت، حتی قبل از رسول خدا صلی اله علیه و آله معرفی شده اند. در روایتی حضرت می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: ای علی! تو نخستین کسی هستی که وارد بهشت می شود. عرض کردم: ای رسول خدا! آیا پیش از شما وارد بهشت می شوم؟! فرمود: آری، (زیرا) تو پرچمدار من در آخرتی؛ همچنان در دنیا پرچمدار من هستی و پرچمدار پیشرو است» (۲).

۲- در روایتی از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند که: «نخستین کسی که داخل بهشت می شود شهید است و بنده ای که نیکو عبادت پروردگارش را کرده باشد» (۳). ۵.

ص: ۱۴۲

۱- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۶۴.

۲- ر.ک: علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۲؛ امالی شیخ صدوق، ص ۳۵۴، ح ۴۳۲.

۳- ر.ک: بحار، ج ۶۶، ص ۳۹۳؛ ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۸، ح ۲۶۳۵.

۳- در روایتی دیگر امام علی علیه السلام فرمودند «اولین کسی که داخل بهشت می شود، نیکو کاران و اهل آن می باشند» (۱)

۴- در روایتی دیگر رسول خدا صلی اله علیه و آله تهیدستان را نخستین داخل شوندگان در بهشت معرفی می نمایند. (۲)

۵- در روایتی از امام علی علیه السلام می فرمایند: «مردمانی به سوی بهشت های جاویدان پیشی گرفته اند که از دیگران نه بیشتر روزه می گرفتند، و نه بیشتر نماز می خواندند و نه بیشتر حج و عمره می کردند بلکه چون پند و انداز های خدا دریافتند و پذیرفتند» (۳)

۶- در روایتی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «سه گروه پیش از همه وارد بهشت می شوند : شهید در راه خداف برده ای که بردگیش او را از طاعت خداوند گارش باز نداشته است و تهیدست عیالوار پاکدامن» (۴)

باتوجه به مقام حضرت امیر المومنین علیه السلام که هم نیکو کار و اهل آن، و هم شهید در راه خدا بودند و نیز کثرت روایاتی که حضرت را نخستین نفر ورود به بهشت معرفی می نماید، می توان به صراحت بیان کرد که حضرت نخستین کسی هستند که به بهشت راه می یابند.

ص: ۱۴۳

۱- ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۲۸، ح ۱۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۴، ح ۱۶۸۰؛ الرساله السعیدیه، ص ۱۶۶.

۲- ر.ک: المغنی عبد الله بن قدامه، ج ۸، ص ۳۸۹؛

۳- ر.ک: شرح نهج البلاغه ابن بی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۷۰؛ کنز العمال، ح ۵۹۱۶.

۴- ر.ک: تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۱؛ ترجمه میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۱۸، ح ۲۶۳۶.

(۲۰) منظور از «اصحاب اعراف» در بهشت چیست؟

«اعراف» در لغت جمع «عرف» به معنی محل مرتفع و بلند است. (۱)

آنچه در اینجا باید قبل از بحث درباره چگونگی اعراف یاد آور شویم این است که تعبیراتی که در باره قیامت و زندگی جهان دیگر می شود، هیچگاه نمی تواند از تمام آن خصوصیات زندگی پرده برداری کند، و گاهی این تعبیرات جنبه تشبیه و مثال دارد و گاهی تنها شبیحی را نشان می دهد، زیرا زندگی آن جهان در افقی بالاتر و به مراتب از زندگی وسیع تر است.

در سوره اعراف، آیات ۴۶-۴۹ می خوانیم:

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسَيِّمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ()
وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلَقَّاءُ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ () وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ
بِسَيِّمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ () أَهـ وُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ
عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ؛

«و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند؛ و به بهشتیان صدا می زنند که: درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن رادارند. و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: (دیدیدی که) گرد آوری شما (از مال و ثروت و آن فرزندان) و تکبر های شما، به ۱.

ص: ۱۴۴

۱- ر.ک: ابن منظور (متوفای ۷۱۱ هـ)، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۴۱.

حالتان سودی نداد. آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم اکنون به آنها گفته میشود: داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید!)

با قرائتی که در آیات فوق و احادیث پیشوایان اسلام آمده، روشن می شود که «اعراف» مکان خاصی است میان دو قطب سعادت و شقاوت یعنی بهشت و دوزخ که همچون حجابی میان این دو کشیده شده و یا همچون زمین مرتفعی در میان این دو فاصله گردیده است به طوری که آن ها که روی آن قرار دارند، مشرف بر بهشت و دوزخند و هر دو گروه را مشاهده می کنند، و از هر چهره های تاریک و روشن آنها می توانند آنها را بشناسند.

اکنون بینیم چه کسانی بر اعراف قرار دارند و اصحاب اعراف کیانند؟

بررسی آیات چهارگانه فوق نشان می دهد که دو گونه صفات مختلف و متضاد برای این اشخاص ذکر شده است:

در آیه اول و دوم (آیه ۴۶ و ۴۷)، افرادی که بر اعراف قرار دارند چنین معرفی شده اند که آرزو دارند وارد بهشت شوند ولی موانعی آنها را جلوگیری کرده است، به هنگامی که نگاه به بهشتیان می کنند بر آنها درود می فرستند، و می خواهند با آنها باشند، اما هنوز نمی توانند، و به هنگامی که نظر به دوزخیان می افکنند، از سرنوشت آنها وحشت نموده و به خدا پناه می برند.

ولی از آیه سوم و چهارم (آیه ۴۸ و ۴۹) استفاده می شود که آنها افرادی با نفوذ و صاحب قدرند، دوزخیان را مواخذه و سرزنش

ص: ۱۴۵

می کنند و به واماندگان در اعراف کمک می نمایند که از آن بگذرند و به منزل سعادت برسند.

روایاتی که در زمینه اعراف و اصحاب اعراف نقل شده نیز ترسیمی از دو گروه متضاد می کند، در بسیاری از روایات که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده می خوانیم: «نحن الاعراف؛ مائیم اعراف» یا «آل محمد هم الاعراف»؛ (۱) خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله اعرافند، و مانند این تعبیرات.

و در بعضی دیگر از روایات می خوانیم: «هم اکرم الحق علی الله تبارک و تعالی»؛ (۲) آن ها گرامی ترین مردم در پیشگاه خدایند، و یا «هم الشهداء علی الناس و النبیون شهدائهم»؛ (۳) آنها گواهان بر مردمنده و پیامبران گواهان آن ها هستند، و روایات دیگر که حکایت دارد آن ها پیامبران وامان و صلحاء و بزرگانند.

ولی دسته دیگری از روایات می گوید: آن ها واماندگانی هستند که بدی ها و نیکی هایشان مساوی بوده است یا گنکارانی هستند که اعمال نیکی نیز داشته اند، مانند حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هم قوم استوت حسناتهم و سیئاتهم فان ادخلهم النار نوبهم و ادخلهم الجنة قبر حمتهم»؛ (۴) آن ها گروهی هستند که حسنات و سیئاتشان مساوی است، اگر خداوند آنها را به دوزخ بفرستد بخاطر گناهانشان است و اگر به بهشت بفرستد به برکت رحمت او است»؛ ۱.

ص: ۱۴۶

۱- ر.ک: بصائر الدرجات، ص ۵۱۷؛ تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۹؛ ینابع الموده، ج ۱ ص ۳۰۴.

۲- ر.ک: بحار، ج ۲۴، ص ۲۵۱-۲۵۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۳-۳۵.

۳- همان، ص ۲۰۰.

۴- ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۳۸۱، ح ۱؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۶۱.

روایات متعدد دیگری در تفاسیر اهل تسنن از حدیفه و عبد الله بن عباس و سعید بن جبیر و امثال آنها به همین مضمون نقل شده است.

در همین تفاسیر نیز مدارکی بر اینکه اهل اعراف، صلحاء و فقها و علما و یا فرشتگان هستند دیده می شود.

گرچه ظاهر آیات و ظواهر این روایات در ابتدا متضاد به نظر می رسد، و شاید همین امر سبب شده است که مفسران در این باره اظهار نظرهای متفاوت و گوناگون کنند، اما با دقت روشن می شود که نه در میان آیات و نه در میان روایات تضادی وجود ندارد، بلکه همه یک واقعیت را تعقیب می کنند.

توضیح اینکه: همانطور که گفتیم از مجموع آیات و روایات چنین استفاده می شود که اعراف گذرگاه سخت و صعب العبوری بر سر راه بهشت سعادت جاویدان است طبیعی است که افراد نیرومند و قوی یعنی صالحان و پاکان با سرعت از این گذرگاه عبور می کنند اما افرادی که خوبی و بد را به هم آمیختند در این مسیر وا می مانند.

همچنین طبیعی است که سرپرستان جمعیت و پیشوایان قوم در گذرگاههای سخت همانند فرماندهانی که در اینگونه موارد در آخر لشکر راه می روند تا همه سپاهیان بگذرند، در آنجا توقف می کنند تا به کمک ضعفای مومنان بشتابند و آن ها که شایستگی نجات را دارند در پرتو امدادشان رهایی یابند.

بنابراین در اعراف، دو گروه وجود دارند، ضعیفان و آلودگانی که در رحمتند و پیشوایان بزرگی که در همه حال یار و یاور ضعیفانند، بنابراین قسمت اول آیات و روایات اشاره به گروه نخستین یعنی ضعیفاست و قسمت دوم اشاره به گروه دوم یعنی بزرگواران و انبیاء و امامان و صلحا.

در بعضی از روایات نیز شاهد این جمع به خوبی دیده می شود مانند روایتی که در تفسیر علی بن ابراهیم (تفسیر قمی) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند «الاعراف کثبان بین الجنة و النار و الرجال الاثمه یقفون علی الاعراف مع شیعتهم و قد سیق المومنون الی الجنة بلاحسنات...» (۱) اعراف، تپه ای است میان بهشت و دوزخ، و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان (گناهکارشان) قرار می گیرند، در حالی که مومنان (خالص) بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته اند...».

بعد اضافه می کند: «امامان و پیشوایان در این موقع به پیروان گناهکار خود می گویند خوب نگاه کنید، برادران با ایمان خود را چگونه بدون حساب به بهشت شتافته اند، و این همان است که خداوند می گوید: «سلام علیکم لم یدخلوها و هم یطعمون» (۲) یعنی آنها به بهشتیان درود می فرستند در حالی که خودشان هنوز وارد بهشت نشده اند و آرزو دارند).

سپس به آنها گفته می شود، دشمنان حق را بنگرید که چگونه در آتشند و این همان است که خداوند می فرماید: و اذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین (۳)

... بعد به دوزخیان می گویند اینها (پیروان و شیعیانی که آلوده گناهای بوده) همانها هستند که می گفتید هرگز مشمول رحمت الهی نخواهند شد، (سپس رحمت الهی شامل آنها شده) و به این دسته از گناهکاران (که بر اثر ایمان و اعمال صالحی شایستگی عفو و ۷.

ص: ۱۴۸

۱- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ التبیان، ج ۴، ص ۴۱۱؛ تاویل الآیات، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲- سوره اعراف، آیه ۴۶.

۳- سوره اعراف، آیه ۴۷.

آمزش دارند) از طرف امامان و پیشوایان دستور داده می شود که به سوی بهشت بروید نه ترسی دارید و نه غمی.

شبه همین مضمون در تفاسیر اهل تسنن از حدیفه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.

نکته قابل توجه اینکه زندگی در جهان دیگر بر اساس الگوهای است که از این جهان گرفته می شود. در مورد «اعراف» نیز همینگونه است، زیرا در این دنیا مردم سه گروهند: مومنان راستین که در پرتو ایمان به آرامش کامل رسیده اند و از هیچگونه مجاهدتی دریغ ندارند، و معاندان و دشمنان لجوسج حق که به هیچ وسیله به راه نمی آیند، و گروه سومی که در گذرگاه صعب العبوری میان این دو قرار گرفته اند و بیشتر توجه رهبران راستین و پیشوایان حق نیز به آن ها است که در کنارشان بمانند و دستشان را بگیرند و از مرحله اعراف مانند، نجاتشان دهند تا در صف مومنان حقیقی قرار گیرند. (۱)

(۲۱) چرا در مورد بهشت تعبیر به «ارث» شده است؟

در سوره اعراف، آیه ۴۳ می خوانیم «وَنُودُوا أَن تِلْكُمْ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ؛ و ندا داده می شود که این بهشت را در برابر اعمالی که انجام داده اید به ارث بردید».

در اینجا یک سوال پیش می آید که چگونه به اهل بهشت گفته می شود، این نعمت ها را به «ارث» در برابر اعمالتان بردید؟

ص: ۱۴۹

۱- نقل مطالب از تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۸۶.

پاسخ این سوال را حدیثی که از طریق شیعه و اهل تسنن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است می دهد، آنجا که می فرماید:

« ما من احد الا و له منزل فی الجنّه و منزل فی النار فاما الکافر فیرث المومن منزله من النار و المومن یرث الکافر منزله من الجنه فذلک قوله او ثتموها سبما کنتم تعلمون؛

(۱) هر کس بدون استثناء جایگاهی در بهشت و جایگاهی در جهنم دوزخ دارد، کافران جایگاه دوزخی مومنان را به ارث می برند و مومنان جایگاه بهشتی کافران را، و این است معنی کلام خداوند «اورثتموها باما کنتم تعلمون».

این حدیث در واقع اشاره به آن است که درهای سعادت و شقاوت به روی همگان باز است. هیچ کس از آغاز، بهشتی آفریننده نشده و نه هیچکس از آغاز، بهشتی آفریده نشده و نه هیچکس دوزخی، بلکه همه کس استعداد رسیدن به هر دو را دارند، و این اراده خود آن ها است که سرنوشتشان را تعیین می کند، بدیهی است هنگامی که مومنان با اعمال خود به بهشت راه یافتند و افراد ناپاک و بی گمان به دوزخ جای خالی هر کدام به طور طبیعی در اختیار دیگری قرار خواهند گرفت.

به هر حال این آیه و این حدیث یکی از دلایل روشن نفی جبر و طرفداری از اصل آزادی اراده است. (۲)

والحمد لله رب العالمین

تمام شد در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۶۸

قم مقدسه، علیرضا زکی زاده رنانی، ۸.

ص: ۱۵۰

۱- ر.ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۵۷؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۹۵؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۱، ح ۱۲۱؛ و از منابع اهل سنت ر.ک: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۵۳، ح ۴۱۴۳؛ فتح الباری، ج ۱۱، ص ۳۸۵؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۱۳۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۱۰۸ و...

۲- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۷۸.

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- شیخ مفید، الاختصاص، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، منشورات جماعه المدرسین حوزہ علمیه قم المقدسه

- ابو منصور احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، دو جلد، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ قمری

- حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، دو جلد، انتشارات اسوه، ۱۴۱۷

- سید محمد بکری الدمیاطی، اعانه الطالبین، ۴ مجلد، دار الفکر بیروت لبنان، الطبعة الاولى ۱۴۱۸ قمری

- شیخ صدوق، الامالی، یک جلد، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ شمسی

- شیخ طوسی، الامالی، یک جلد، انتشارات الثقافه قم، ۱۴۱۴ هجری قمری

- سید علی بن موسوی بن طاوس، اقبال الاعمال، یک جلد، دار الکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۷ هجری شمسی

- علامه مجلسی، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، موسسه الوفاء بیروت- لبنان، ۱۴۰۴ قمری

- محمد بن حسن فروخ صفار، بصائر الدرجات، یک جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۴ قمری

- ابی بکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد او مدینه الاسلام، ۱۴ مجلد، نشر دار الكتاب العلمیه بیروت الطبعه الاولی ۱۴۱۷ قمری.

- سید شرف الدین حسینی استرآبادی، تاویل الایات الظاهره، یک جلد، انتشارات جامعه المدرسین قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

- شیخ طوسی، التبیان، ۱۰ جلد، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعه الاولی ۱۴۰۹ قمری

- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، یک جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴

- محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات مشرقین، چاپ چهارم، ۱۳۷۹

- علامه حلی، تذکره الفقهاء، تحقیق و نشر: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث قم، الطبعه الاولی محرم ۱۴۱۴ قمری

- محمد طاهر بن الهندی الفتنی، تذکره الموضوعات، یک مجلد؟

- اسماعیل بن کثر، تفسیر ابن کثیر، ۴ مجلد، نشر دار المعرفه بیروت، ۱۴۱۲

- ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مشهد، انتشارات دار المرتضی، چاپ اول

- ----- ، تفسیر الاصفی، دو جلد مرکز انتشارات دفتر فکری علامه طباطبائی، چاپ

پنجم ۱۳۷۶ هجری شمسی

- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، چاپخانه علمیه تهران

- محمد بن احمد الانصاری القرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) تفسیر القرطبی، ۲۰ مجلد، موسسه التاريخ العربی بیروت، ۱۴۰۵ قمری

- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، تفسیر قمی، ۲ جلد، موسسه دار الكتاب قم، ۱۴۰۴ هجری قمری

- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه اعلمی للمطبوعات بیروت، طبع اول ۱۴۱۵ هجری قمری

- الشخی عبد علی بن جمعه العروسی الخویزی، تفسیر نور الثقلین، موسسه اسماعیلیان قم الطبعة الرابعة، ۱۴۱۲ قمری

- آیت الله مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب اسلامیة، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۸ شمسی

- حسین بن محمد حلوانی، تنبیه الخواطر، یک جلد، تحقیق مدرسه الامام المهدی علیه السلام قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ هجری قمری

- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ۱۰ مجلد، حقه و علق علیه: السيد حسن الموسوی الخراسان، نشر دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ - ق.

- ابی جعفر بن جریر الطبری، جامع البیان عن تاویل آی قرآن، دار الفکر للطباعة و النشر ۱۴۱۵ قمری

- حاج سید احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، علق علیه علی اکبر الغفاریف ناشر مکتبه الصدوق طهران الجزء الاول الطبعة الثانية ۱۳۵۵ هـ - ش

- شیخ صدوق، ثواب الاعمال، یک جلد، انتشارات شریف رضی قم، ۱۳۶۴ شمسی

- الخصال، دو جلد در یک مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۳ قمری

----- ، علیرضا زکی زاده رنانی، حکمت ها حضرت مسیح علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید، چاپ دوم ۱۳۸۵ شمسی

- شیخ حر عاملی، الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة، منشورات مکتبه المفید قم ایران

- جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دار المعرفه، الطیبه الاولى ۱۳۶۵ قمری

- المولی ابی الحسین سعید بن هبه الله المشهور بقطب الدین الراوندی، سلوه الحزین المعروف به الدعوات، التحقیق و النشر: مدرسه الامام المهدی، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ - ق

- سید مهدی حجازی، درر الاخبار گزیده بحار الانوار، دفتر تبلیغات اسلامی

- محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، یک جلد، دار الذخائر للمطبوعات، قم

- شهید اول، الذکری، یک مجلد، طبعه حجریه خط کرمانی سنه ۱۲۷۲

محمد بن حسن فتال نيشابورى، روضه الواعظين، انتشارات رضى قم

- حسين بن سعيد كوفى، الزهد، ١ مجلد، المطبعه العلميه قم، ١٣٩٩ قمرى

- محمد بن ادريس الحللى، السرائر، مطبعه موسسه النشر الاسلامى الطبعه الثانيه، ١٤١٠ قمرى

- نسايبى، سنن نسايبى، انتشارات دار البشائر الاسلاميه، ١٩٨٦ ميلادى

- ترمذى، سنن ترمذى، انتشارات دار الفكر، ١٩٨٣ ميلادى

- بيهقى السنن الكبرى، ١٠ جلد، نشر دار الفكر بيروت

- سليمان بن اشعث السجستانى، سنن ابى داود، ٢ مجلد، نشر دار الفكر بيروت الطبعه الاولى ١٤١٠ قمرى

- محمد بن يوسف الصالحى الشامى، سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، دار الكتب العلميه بيروت- لبنان

- الشيخ محمد مهدي الحائرى، شجره طوبى، منشورات المكتبه الحيدريه فى النجف، الطبعه الخامسه ١٣٨٥ هـ- ق

- ابن ابى الحديد متعزلى، شرح نهج البلاغه، دار احياء كتب العربيه عيسى البابى الحلبي و شركاه الطبعه الاولى ١٣٧٨ قمرى

- عليرضا زكى زاده رنانى، شنيدنى هاى شب جمعه، انتشارات حديث نينوا، چاپ اول، ١٣٨٤ شمسى

- اسماعيل بن حماد جوهرى، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربيه، ٦ مجلد، نشر دار العلم للملايين بيروت، الطبعه الرابعه ١٤٠٧ قمرى

قمرى

- بخارى، صحيح بخارى، انتشارات دار القلم بيروت ١٩٨٧ ميلادى،

- على بن بلبان الفارسى، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، ١٦ مجلد، التحقيق شعيب الارنؤوط، نشر موسسه الرساله، الطبعه الثانيه ١٤١٤ قمرى

الثانيه ١٤١٤ قمرى

- النووى، صحيح مسلم بشرح النووى، مجلد، نشر در الكتب العربى بيروت، الطبعه الثانيه ١٤٠٧ هـ- ق

- على بن يونس نباطى بياضى، الصراط المستقيم، ٣ جلد در يك مجلد، چاپ كتابخانه حيدريه، نجف، ١٣٨٤ هجرى قمرى

- ابن بطريق يحيى بن حسن حللى، العمده، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ١٤٠٧ هجرى قمرى

- ابن ابى جمهور احسانى، عوالى اللآلى، ٤ جلد، انتشارات سيد الشهداء (ع) قم، ١٤٠٥

- شيخ صدوق، علل الشرايع، يك جلد، انتشارات مكتبه الداورى قم

- ، عيون اخبار الرضا(ع)، ٢ جلد در يك مجلد، انتشارات جهان، ١٣٧٨ هجرى قمرى
- خليل بن احمد فراهيدى، العين، ٨ مجلد، تحقيق الدكتور مهدى المخزومى ابراهيم السامرائى، نشر موسسه دار الهجره، الطبعه الثانيه ١٤٠٩ هـ- ق
- ابراهيم بن محمد الثقفى، الغارات، تحقيق السيد جلال الدين المحقق، ٢ جلد، المطبعه بهمن
- سيد هاشم بحراني، غايه المرام و حجه الخصام فى تعيين الامام من طريق الخاص و العام، ٧ جلد؟!
- الشيخ عبد الحسين الامينى، الغدير، ١٢ مجلد، دار الكتب العربى- بيروت
- عبد الواحد بن محمد تميمى آمدى، غرر الحكم و درر الكلم، يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى قم، ١٣٦٦ هجرى شمسى
- ابن بابويه القمى، فقه الرضا عليه السلام، تحقيق: موسسه آل البيت(ع)، نشر المؤتمر العالمى للامام الرضا عليه السلام
- الشيخ سيد سابق، فقه السنه، ٣ جلد، نشر دار الكتب العربى بيروت
- سيد بن طاووس حسنى، فلاح السائل؟
- سيد على اكبر قريشى، قاموس قرآن، هفت جلد در سه مجلد، انتشارات دار الكتب اسلاميه، چاپ ششم ١٣٧١ شمسى
- شيخ ابو العباس عبد الله الحميرى، قرب الاسناد، موسسه آل البيت لاحياء التراث قم، الطبعه الاولى ١٤١٣ قمرى
- ثقه الاسلام كلينى، الكافى، ٨ جلد، در الكتب الاسلاميه تهران، ١٣٦٥ هجرى شمسى
- عبد الله بن عدى الجرجانى، الكامل فى ضعفاء الرجال، تحقيق الدكتور سهيل زكار، ٧ جلد، نشر دار الفكر بيروت، الطبعه الثالثه ١٤٠٩
- جعفر بن محمد قولويه، كامل الزيارات، ١ مجلد، تحقيق شيخ جواد القيومى، موسسه نشر الفقاهه، الطبعه الاولى ١٤١٧ هـ- ق
- اسماعيل بن محمد بن محمد بن عجلونى، كشف الخفاء و مزيل الالباس، ٢ مجلد، نشر دار الكتب العلميه بيروت، الطبعه الثانيه ١٤٠٨ قمرى
- على بن عيسى اربلى، كشف الغمه، ٢ جلد، چاپ مكتبه بنى هاشمى تبريز، ١٣٨١ هجرى قمرى

- علامه حلى حسن بن يوسف، كشف اليقين، يك جلد، موسسه چاپ و انتشارات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴۱۱ هجرى قمرى

- على بن محمد خزاز قمى، كفايه الاثر، يك جلد، انتشارات بيدار قم، ۱۴۱۰ قمرى

- ابي الفتح محمد بن على الكراچكى، كنز الفوائد، مكتبه المصطفى قم، الطبعة الثانيه ۱۴۱۰ قمرى

- على المتقى بن حسام الدين الهندي، كنز العمل فى سنن الاقوال و الافعال، موسسه الرساله بيروت ۱۴۰۹

قمرى

- ابن منظور، لسان العرب، ۱۵ مجلد، نشر ادب الحوزه، الطبعة الاولى ۱۴۰۵

- شيخ محمد بن المشهدى، المزار، تحقيق جواد القيومى، نشر القيوم، الطبعة الاولى ۱۴۱۹ هجرى قمرى

- سيد هاشم بن سليمان بحراني، مدينه معاجز الائمة الاثنى عشر و دلائلى الحجج على البشر، موسسه المعارف الاسلاميه، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ قمرى

- حاج شيخ على نمازى، مستدرک سفينه البحار، موسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه

- محدث نورى، مستدرک الوسائل، ۱۸ جلد، موسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۸ قمرى

- رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، مكارم الاخلاق، يك جلد، انتشارات شريف رضى قم، ۱۴۱۲ هجرى قمرى

- شيخ صدوق، معانى الاخبار، يك جلد، انتشارات جامعه المدرسين قم، ۱۳۶۱ شمسى

- من لا يحضره الفقيه، ۴ جلد، انتشارات جامعه مدرسين قم، ۱۴۱۳ هجرى قمرى

- شيخ مفيد، المقنعه، يك جلد، انتشارات جهانى شيخ مفيد قم، ۱۴۱۳ هجرى قمرى

- ابي محمد عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه، المغنى، الدار الكتاب العربى للنشر و التوزيع

- علامه حلى، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، التحقيق: قسم الفقه فى مجمع البحوث الاسلاميه، نشر مجمع البحوث الاسلاميه، ايران مشهد، الطبعة الاولى ۱۴۱۲

ص: ۱۵۶

- محمد فواد عبد الباقي، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن كريم، موسسه اعلمى للمطبوعات بيروت، طبع اول ١٤٢٠ هـ - ق
- سليمان بن احمد الطبرائى، المعجم الكبير، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، نشر مكتبه ابن تيميه القايره، ٢٥ مجلد، الطبعه الثانيه
- على بن ابى بكر الهيثمى، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مكتبه القدسى بالقاهره دار الكتب العلميه بيروت - لبنان
- محقق الاردبيلى، مجمع الفائده و البرهان، ١٤ مجلد، تحقيق: اشتهاى و عراقى ويزدى، نشر جامعه المدرسين، ١٤٠٣ قمرى
- شيخ فخر الدين طريحي، مجمع البحرين، شش مجلد
- احمد بن محمد بن خالد برقى، المحاسن، يك جلد، دار الكتب الاسلاميه قم، ١٣٧١ هجرى قمرى
- عليرضا زكى زاده رنانى، معراج پیامبر (ص)، يك جلد انتشارات موعود اسلام، چاپ سوم ١٣٨٦ شمسى
- زيد بن على بن الحسين ابن على بن ابى طالب عليهم السلام، مسند الامام زيد، منشورات دار مكتبه الحياه بيروت لبنان
- الشهيد الثانى، مسكن الفواد، موسسه آل البيت لاحياء التراث قم، الطبعه الاولى قمرى
- -----، منيه المريد، تحقيق رضا مختارى، نشر مكتب الاعلام الاسلامى، الطبعه الاولى ١٤٠٩ قمرى
- قمرى
- ابوالفضل على بن حسن طبرسى، مشكاه الانوار، يك جلد، كتابخانه حيدر يه نجف اشرف، ١٣٨٥ هجرى قمرى
- شيخ طوسى، مصباح المتهدج، يك مجلد، موسسه فقه الشيعه بيروت - لبنان، الطبعه الوالى ١٤١١ هـ - ق
- رضى الدين حسن بن فضل طبرسى، مكارم الاخلاق، يك جلد انتشارات شريف رضى قم، ١٤١٢ هجرى قمرى
- ابن شهر آشوب مازندرانى، مناقب آل ابى طالب (ع)، ٤ جلد، موسسه انتشارات علامه قم، ١٣٧٩ هجرى قمرى
- الموفق بن احمد بن محمد الخوارزمى، المناقب، موسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المقدسه، الطبعه الثانيه ١٤١١ هجرى قمرى
- احمد سياح، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام، چاپ نوزدهم، ٣٧٧ شمسى

محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۵ جلد با ترجمه، انتشارات دار الحدیث، ویرایش سوم ۱۳۷۷ شمسی

- ابن الاثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ۵ مجلد، موسسه اسماعیلیان قم، الطبعة الرابعه ۱۳۶۴ شمسی

- شیخ محمد باقر محمودی، نهج السعاده، ۸ جلد، دار التعارف للمطبوعات بیروت، الطبعة الاولى ۱۳۹۶ قمری

- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، موسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹

- سید علی بن موسی بن طاوس، الیقین، یک جلد، موسسه دار الکتب قم، ۱۴۰۹ هجری قمری

- شیخ سلیمان ابن شیخ ابراهیم معروف بخواجه کلان، ینایع الموده، ۳ جلد در یک مجلد، منشورات موسسه اعلمی للمطبوعات

بیروت، چاپ اول ۱۴۱۸ هجری قمری

ص: ۱۵۸

گزیده ای از آثار مولف:

- ۱- معراج پیامبر(ص)، انتشارات موعود اسلام
- ۲- شنیدنی های شب جمعه، انتشارات حدیث نینوا
- ۳- معجزات سر مقدس امام حسین علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۴- ۱۷۰ پرسش در محضر رسول خدا(ص)، انتشارات حدیث نینوا
- ۵- ۱۱۰ پرسش در محضر امام علی علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۶- ۴۰ پرسش در محضر امام حسن علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۷- ۱۰۰ پرسش در محضر امام حسین علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۸- ۵۰ پرسش در محضر امام فاطمه زهرا(س) علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۹- ۱۲۰ پرسش در محضر امام زمان علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۱۰- ۲۰۵ پرسش در محضر امام هادی علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۱۱- ۱۳۰ پرسش در محضر امام حسن عسکری علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا
- ۱۲- حکمت های حضرت مسیح علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۳- (کلمات قصار) سه کلمه ای های حضرت علی علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۴- (کلمات قصار) دو کلمه ای های حضرت علی علیه السلام، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۵- شمیم رحمت «گلچین اشعار مناجاتی و ماه مبارک رمضان»، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۶- حضرت علی علیه السلام در آینه معراج، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۷- یکصد موضوع از قرآن کریم، انتشارات پرتو خورشید
- ۱۸- پژوهش و بررسی روایات سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با حیوانات، انتشارات حدیث نینوا
- ۱۹- جلوه طه گلچین مدایح و مناقب امام زمان علیه السلام، انتشارات حدیث نینوا

۲۰- آرامش ابدی، مرکز پخش کتاب هفت

۲۱- جهنم کمینگاه بزرگ، مرکز پخش کتاب هفت

۲۲- صراط، مرکز پخش کتاب هفت

ص: ۱۵۹

۱- جامع تفسیر العیاشی (اسانیده، مستدرکاه و شرح غرائبہ) «عربی؛ ۴ جلد»

۲- تصحیح و تعلیقہ بصائر الدرجات «عربی؛ ۳ جلد»

۳- پژوهشی در علوم اهل بیت علیہم السلام «فارسی؛ ۲ جلد»

۴- مواعظ المسیح علیہ السلام «عربی؛ ۱ جلد»

۵- موسه المعراجیہ «فارسی؛ ۲ جلد»

۶- در محضر امام جواد علیہ السلام

۷- در محضر امام سجاد علیہ السلام

۸- سرنوشت اصحاب با وفا

ص: ۱۶۰

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

